



برگزیده ای از

نوشته ها و سخنان شاهنشاه آریامهر

برگزیده‌ای از

نوشته‌ها و سخنان شاه‌نشاہ آریامهر



JAVIDSHAH

فهرست

صفحه	
۵	ایران و ایرانیان
۳۱	شاهنشاهی ایران
۳۷	شاهنشاه و سلطنت
۵۲	فرهنگ و معنویت
۷۳	ایمان
۸۳	دموکراسی
۹۳	عدالت اجتماعی
۱۰۷	صلح
۱۱۹	مسائل بین‌المللی
۱۲۵	ارتش
۱۵۳	داد گستری
۱۵۹	انقلاب سفید
۱۷۹	آموزش و پرورش
۱۹۱	پیکار با بیسوادی
۲۰۱	کشاورزی
۲۰۵	کارگران
۲۱۱	زنان
۲۱۵	جوانان
۲۱۹	ورزش
۲۲۳	پیش‌آهنگی
۲۲۹	اصول تعاونی
۲۳۵	ایران امروز

ایران و ایرانیان

طولی نخواهد کشید که مملکت ما از هر حیث
با بالاترین و مترقی‌ترین و خوشبخت‌ترین ملل عالم برابری
کند ، عدالت قضائی و اجتماعی و انصاف و مساوات
در این مملکت کاملاً حکمفرما شود ، و ایرانی بعد از مدتها
رحمت و محنت به آتیه سعادت‌مندی برسد .

از سخنان شاهنشاه در ضریابی
هیئت رئیسه دانشگاه تهران -
۱۵ بهمن ۱۳۲۲

در اینکه مراعات مصالح سیاسی لازم است
تردیدی نیست ؛ گذشته هم بما ثابت کرد که اگر اصول
سیاسی مراعات نشود چه مضراتی عاید میشود و بالعکس
اتخاذ یک سیاست صحیح چه منافی دارد . ولی تمام
این مراعاتها باید بدور محور مصالح مملکت بچرخد .

ما دوستی را با سیاست خارجی موقعی طالبیم که بنفع
ایران باشد ، و در غیر اینصورت نام آن را دوستی نمیتوان
گذاشت .

از سخنان شاهنشاه در شرفیایی
نمایندگان مجلس شورای ملی -
مرداد ۱۳۳۶

هیچ کشوری در دنیا نمیتواند بیشتر از ایران امروز
بوضع آینده خویش خوش بین باشد . البته سالها تجاوز
خارجی و وضع ناگوار داخلی و خیانت‌های گوناگون ایجاد
روحیه یأس کرده است ، ولی یقین دارم که با فداکاری
ما و با کارهای مثبت روز بروز مردم به آینده خود
امیدوارتر خواهند شد و بهمین نسبت نیز روز بروز ایران
رو به ترقی خواهد رفت .

از سخنان شاهنشاه در شرفیایی
نمایندگان مجلسین سنا و شورای
ملی - ۱۰ اردیبهشت ۱۳۳۷

ما نباید برای رسیدن بمنافع ملی بکسی باج بدهیم
و یا منت کسی را بکشیم ، زیرا قدرت آنها داریم که
هرچه در نفع ملت است بآن عمل کنیم .

از سخنان شاهنشاه در شرفیایی
نمایندگان مجلسین سنا و شورای
ملی - ۱۰ اردیبهشت ۱۳۳۷

- بعقیده من آنها که خود را ناسیونالیست منفی
میخوانند دروغ میگویند. ناسیونالیسم عبارت از حفظ
منافع ملی است، و منافع ملی وقتی حفظ میشود که کشور
آباد و معمور باشد. اگر کشور ویران و مردم گرسنه باشند
چه منفعتی میماند که آنها آنرا حفظ کنند؟

از سخنان شاهنشاه در شرفیابی
نمایندگان مجلسین منا و شورای
ملی - ۱۰ اردیبهشت ۱۳۳۷

ملت ایران حتی پس از چندین بار دوره انحطاط
و زوال خوشبختانه استعداد ذاتی و هوش فطری خود را
ابراز داشته و طوری بوده است که دوباره عظمت و ترقی
خودش را بازیافته و مجد دیرینه را بدست آورده است.
بنا بر این در این ملت آن استعداد ذاتی و شرافت جبلی
همیشه موجود بوده که بتواند اگر از سایرین جلو نیفتد
مسلماً پایپای دیگران پیش برود، و حالا موقع آن است
که ما ایرانیها، هم بفکر گذشته خود باشیم و هم آینده
روشن خویش را در نظر بگیریم و پیش برویم. خوشبختانه
تمام وسایل و موجبات آماده است که بتوانیم در این راه
پرافتخار قدم برداریم.

از سخنان شاهنشاه در شرفیابی
نمایندگان مجلسین منا و شورای
ملی - اول مرداد ۱۳۳۷

ما بزرگی و ترقی خود را در اتخاذ یک سیاست منفی و مخرب نمیدانیم. ما هم از نعمتهای الهی برخورداریم، هم ثروت داریم، هم از نژادی هستیم که با وجود اینکه هزاران سال عمر دارد هنوز زنده است.

ایرانی قرن‌ها با مشکلات بزرگ دست و پنجه نرم کرده و خود را حفظ نموده است. پس استعداد در ما هست و ما با تکاء ناسیونالیسم مثبت خود میتوانیم حقوق و حیثیت و احترام ایران را بسرحد کمال محفوظ داریم و با سایر ملل زنده دنیا همکاری کنیم.

ما برای اینکه ثابت کنیم ناسیونالیست هستیم احتیاج نداریم عمارات را منفجر کنیم، قتل و غارت کنیم و باین و آن فحش بدهیم. این کار دلیل رشد اجتماعی و نیرومندی نیست، بلکه نشانه ضعف است. ما میتوانیم با حفظ شعائر و سنن باستانی حداکثر منافع را برای ملت خود بدست آوریم و با همین رویه بیش از آنهایی که هیاهو و جتجال میکنند منافع خود را حفظ کرده ایم. بکرات گفته ایم که ما آنچه را که متضمن منافع ایران است انجام میدهیم و هیچ ملاحظه‌ای جز حفظ منافع خودمان نداریم.

ناسیونالیسم ما مثبت است از آن جهت که خلایق است و با حسن سلوک و ادب همراه است. ما خوشبختی خود را در بدبخت کردن سایرین نمیدانیم.

از مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه
با روزنامه نگاران ایران - ۲۵
مهر ۱۳۲۷

من بهمین اندازه قناعت نمیکنم که ایران کشوری
 مبرقی باشد . من میخواهم کشورم کشوری نمونه باشد ،
 زیرا خداوند بما همه چیز داده است : نه فقط ثروتهای
 زیرزمینی و روی زمینی فراوان نصیب ما کرده ، بلکه اصولاً
 ملت ایران را خوب خلق فرموده است . ایرانی باطناً
 وطن پرست ، با هوش و شریف است و نفع و صلاح واقعی
 خود را خوب تشخیص میدهد . آنچه برای ما مهم است
 تأمین عظمت ایران و مقامی است که شایسته گذشته
 و تمدن تاریخ این کشور است . ما در میان همه طوفانهای
 که دنیا را فرا گرفته میتوانیم محکم و مطمئن و با اید
 بآینده اصلاحاتی را که لازم است انجام دهیم ، بی آنکه
 احتیاجی به هیاهو یا هرج و مرج و یاسلب آزادی افراد داشته
 باشیم .

از مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه
 با روزنامه نگاران ایران - ۲
 آبان ۱۳۲۷

در حفظ منافع ایران ما نه میتوانیم کوچکترین
 تردیدی داشته باشیم و نه میتوانیم اجازه دهیم که سایرین
 منافع ما را در نظر بگیرند یا احیاناً پایمال کنند .

اگر مسالک بزرگ که دارای نیروی بیشتری
 هستند بخواهند باتکاء این نیرو زور بگویند مسلماً عاقبت
 خوبی نخواهد داشت . ما نمیتوانیم تا موقعیکه خودمان را

مستقل میدانیم و بعنوان کشور مستقلی در میان ملل دنیا
شرکت میکنیم هیچ حق بیشتری را برای کسی قائل باشیم
و حق کمتری را برای خودمان .

از مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه

با روزنامه نگاران ایران - ۶

دی ۱۳۳۸

تا چند سال پیش عده ای عادت کرده بودند
هر موضوعی را سیاست خارجی ارتباط دهند ، و هراتفاقی که
میافتاد میگفتند فلان پایتخت یا فلان مملکت چنین خواسته
و یا بدستور و نفوذ آن مملکت بوده است . البته این طرز فکر
مربوط بگذشته بود . اما ما توانسته ایم ثابت کنیم که
اگر خودمان نخواهیم خارجی کوچکترین نفوذی نمیتواند
داشته باشد ، و اگر همه مردم تصمیم گرفته اند سیاست
ملی خود را پیش برند قطعاً همین طور خواهد شد .

از مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه

با روزنامه نگاران ایران - ۵

بهمن ۱۳۳۷

سیاست ما یک سیاست ملی است که تابع جریانات
روزیست ، و ما هر چه را که وجدان و منافع ملی ماحکم
میکند انجام خواهیم داد . در اتخاذ این سیاست ما نه

تحت تأثیر هیچگونه عاملی قرار گرفته ایم و نه بعنوان یک
ملت و مملکت مستقل میتوانیم تحت تأثیر چنین عواملی
قرار بگیریم .

از مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه
با روزنامه نگاران ایران - ۳
اسفند ۱۳۳۷

کارهای ما پاسخ مثبتی به خواسته های روزانه
ملت ایران است که از قلب و فکر هر فردی سرچشمه
میگیرد و با ابراز وفاداری و پشتیبانی ما را در پیشرفت کار
تشجیع مینماید .

امید و اعتماد ما به آینده بر عشق و ایمان جاودانی
مردم کشورمان به آزادی و حریت و ذوق سلیم آنان استوار
است .

ایران امروز در آستانه عصر جدید تکمیل و اجرای
نقشه های آبادانی خود قرار دارد . ما قبلاً بدینا نشان
داده ایم که کارهای بزرگی از ما ساخته است ، و امروزه
نیز نقشه های ما بطور رضایت بخشی در حال پیشرفت و تکمیل
است و آینده امید بخشی را نوید میدهد .

از نطق شاهنشاه در انجمن
روزنامه نگاران خارجی در لندن -
۱۸ اردیبهشت ۱۳۳۸

تصمیم ما این است که در میان افراد ایرانی
افراد منحرف را نپذیریم . ما حق نداریم نسبت به کسانی که
بوطن مهر نمی ورزند اغماض کنیم . من نسبت به هر فردی
که بخودم صدمه بزند میتوانم اغماض کنم ، و اینکار
را کرده ام ، ولی در مورد اجتماع نه من میتوانم صرف نظر
کنم و نه شما . گذشت خصلت خوبی است ، ولی اگر
بر اثر چنین گذشتی فرصت بدست دشمنان ما برسد مهلت
نخواهند داد . ما نمیتوانیم نسبت به مسئولیت خود در
برابر ایران و تاریخ مملکت خویش اجازه چنین گزندی را
به دیگران بدهیم .

از سخنان شاهنشاه در شرفیابی
دانشجویان ایرانی مقیم پاریس -
۱ خرداد ۱۳۳۸

ما برای هیچکس حقوق بالاتری از حقوق خود قائل
نیستیم . حفظ حقوق و احترام دیگران را در مراعات حقوق
و احترام خویش میدانیم و استقلال و حاکمیت ملی ایران
را بالاتر از هر چیز می شماریم ، و اصرار خواهیم داشت این
حقوق مسلم ملی ما را دیگران با دیده احترام بشناسند .

از پیام شاهنشاه به ملت ایران
در بازگشت از سفر اروپا - ۹
خرداد ۱۳۳۸

ما نمیخواهیم و نمیتوانیم از ترس تهدیدهای

بی اساس و از روی بزدلی حقوق ملت مستقلی را از دست بدهیم . این کار را تا بحال که کرده است که ما بکنیم ؟ امروز ملل اسیر و مستعمره از تساوی حقوق صحبت میکنند . ما که هرگز مستعمره نبوده و پیوسته آقائی داشته ایم ، چطور میتوانیم این حق تساوی را از دست بدهیم ، و برای چه اینکار را بکنیم ؟

از مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه
باروزنامه نگاران ایران - ۲ تیر
۱۳۳۸

ملتی که ۲۵۰۰ سال سابقه سلطنت دارد ، و عمیقترین سنن ملیت بطوری با روح و خون او عجین شده که بصورت جزء لاینفک آن در آمده است ، دارای چنان فضائی است که شاید به آسانی بعظمت آن نتوان پی برد . راست است که در طول تاریخ کهنسال این کشور دوره های انحطاطی نظیر آنچه برای هر ملت دیگری روی داده برای ما پیش آمده و ما را مدتی در حال عقب ماندگی نگاهداشته است ، ولی همان غریزه ذاتی و لیاقت نهانی و فطری ملت ما بکرات بصورتی معجزه آسا بروز کرده است و ما هر بار نشان داده ایم و در آتیه نیز نشان خواهیم داد که چطور میتوانیم با نیروی روحی شگفت آور خاص این ملت کهنسال که در طول قرون در کوره حوادث بصورت

بولادی آبدیده در آمده است خود را بپایه مترقی‌ترین ملل
و سعادت‌مندترین جامعه‌ها برسانیم .

ما بخواست خداوند و با اراده‌ای راسخ ایرانی
مترقی و آماده برای پیشرفتهائی بیشتر و درخشانتر
را بدست نسل جوانی که امروز در مدارس و کارگاهها
و شهرها و روستاها با اعتماد و ایمان به موفقیت و با حس
غرور ملی و سربلندی تربیت میشود خواهیم سپرد ، تا این
نسل بتواند با روح ابتکار و با استعداد و هوشمندی خاص
نژاد ایرانی آن دینی را که بگذشته پرافتخار این سرزمین
مقدس دارد ادا نماید ، و ایران عزیزی را که ما زندگی
و روح و جسم خویش را وقف آن کرده‌ایم روز بروز آبادتر
و سعادت‌مندتر و مترقی تر سازد .

از پیام شاهنشاه بمناسبت سالروز
بیست و هشتم مرداد - ۲۸ مرداد
۱۳۳۸

ما کسی را تهدید نمی‌کنیم و خودسان نیز از
تهدید دیگران نمی‌ترسیم . ما چه بخواهیم و چه نخواهیم
ناگزیریم مثل هر مملکت مستقل و ملت آزادی از حقوقی
که برای هر ملت و مملکت آزاد معین و مقرر شده است
پیروی کنیم .

از مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه
با روزنامه نگاران ایران -
۴ مهر ۱۳۳۸

وقتیکه همه افراد یک ملت در راهی قدم بردارند،
خواه این راه حفظ استقلال مملکت یا کوشش در صنعتی
کردن آن یا تجدید وضع کشاورزی و غیره باشد، طبعاً
نیل به هدف آسان میشود. این همکاری و اشتراك مساعی
عمومی بزرگترین نیروئی است که هر مملکت میتواند
در اختیار داشته باشد.

از مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه
باروزنامه نگاران ایران - ۴ مهر
۱۳۲۸

من بخوبی یک دورنمای روشنی از مملکت می بینم
که در آن ملتی آزاده، مرفه، خوشبخت و ثروتمند زندگی
میکند. من مردمی را می بینم که پیشرفت سریع آنها سایر
ملل را به تعجب انداخته است.

اگر همه با هم همت بخرج دهند و اگر همه با هم
کوشش کنند، برای رسیدن باین کاخ سعادت حداکثر
بیست سال بیشتر نمانده است، زیرا ما قسمت عمل راهها
و نشیب و فرازها را پیموده ایم.

از سخنان شاهنشاه در جلسه
هیئت دولت - ۲ آبان ۱۳۲۸

برای من جای خوشوقتی فراوان است که می بینم
در مملکتی زندگی میکنم و با مردمی سروکار دارم که

در مواقع بحرانی رشد اجتماعی و حس عمیق وطنخواهی
خود را از هر حیث نشان داده‌اند . زندگی یا این مردم
و خدمت کردن به چنین ملت و چنین مملکت مایه مسرت است .
اطمینان دارم که تا توجهات الهی شامل حال
ملت ایران است هیچ مانع و رادعی نمیتواند جلوی ترقی
ما را بگیرد و هیچ سیاست و پیش آمدی ما را از هدفی
که در پیش داریم مانع نخواهد شد . در این راه همه
شرکت خواهند داشت و از این لحاظ مقام و موقعیت هر
کسی که بالاتر باشد بهمان نسبت مسئولیت او بیشتر
و سنگینتر خواهد بود و باید فعالیت زیادتری بخرج دهد .

از سخنان شاهنشاه در اسلام چهارم
آبان - ۴ آبان ۱۳۳۸ .

ما بعظمت باستانی و میراث گرانبهای نیاکان
خود می‌بالیم ، زیرا این میراث پرافتخار که کمتر ملتی
در جهان از نظیر آن برخوردار است برای ما منبع نیرو
و الهامی برای ساختن ایران آینده است . ولی نباید تنها
بدین افتخارات قناعت کنیم ، بلکه باید در دنیای جدید
افتخارات تازه‌ای بمفاخر کهن بیفزائیم و وضع خود را با
ترقیات جهان امروز هماهنگ سازیم و از هر حیث با کاروان
تمدن همگام شویم .

از پیام شاهنشاه بمناسبت آغاز
برنامه انتشاراتی کشور - ۲۹
آذر ۱۳۳۸

ما بار دیگر نشان دادیم که با آنکه مات قدیمی
و کهنی هستیم در میدان پیشرفت و مبارزه از هر نیروی
جوانی جوانتریم ، و همین ما را امیدوار میکند که این
ملت کهنسال جوانی خود را از سر میگیرد ، یعنی در عین
حال که از تمام نعمتهای جدید و امروزی برخوردار است
و دوش بدوش ملل متری پیش میرود تمام خصائل پسندیده
و سنن ملی قدیمی خود را حفظ کرده است .

از سخنان شاهنشاه در سلام
نوروزی - اول فروردین ۱۳۲۹

ما تصمیم گرفته‌ایم تا قوه در بدن داریم و تا
آنجائی که میتوانیم و تا زنده هستیم فاصله عظیم عقب
افتادگی خود را از دنیای جدید از میان برداریم و طوری
در اجرای برنامه‌ها بکوشیم که از لحاظ اجرای پروژه‌های
اساسی زحمت زیادی برای نسلهای بعد باقی نگذاریم .
البته اینکار دشوار است ، ولی با همه دشواری و سختی
کاری است که به انجام آن تصمیم گرفته‌ایم و بخواست
خداوند توفیق خواهیم یافت .

از سخنان شاهنشاه در جلسه هیئت
دولت - ۲۹ فروردین ۱۳۲۹

ما از لحاظ تاریخ کشور خود و سهمی که در تمدن
جهانی داشته‌ایم بر خویش می‌ایم ، ولی نمی‌خواهیم تنها

با افتخارات گذشته خود زندگی کنیم . زمان اقتضا میکند که ما پیوسته در راه پیشرفت اجتماعی و پیشرفت اقتصادی باشیم . بنظر من هیچ کشور و ملتی نمیتواند وقت و فرصت را از دست بدهد .

ما و شما نباید فراموش کنیم که قبل از هر چیز ایرانی هستیم و نسبت بحفظ این آب و خاک مقدسی که نسلهای بی شمار نیاکان ما آنرا بقیمت فداکاریها و تلاشها و جانفشانیهای دائم با سربلندی و افتخار بدست ما سپرده و خودشان نیز برای همیشه در دل همین خاک مقدس بخواب رفته اند مسئولیت سنگینی داریم که نباید حتی یک لحظه آنرا از یاد ببریم .

دیر یا زود همه ما به ایشان خواهیم پیوست ، ولی این مملکتی که ایران نام دارد و مقدر بوده است که در تاریخ جهان مشعلداریکی از پرافتخارترین و درخشانترین تمدنهای روی زمین باشد باید جاوید بماند .

از نطق شاهنشاه بمناسبت سالروز

بیست و هشتم مرداد - ۲۸ مرداد

۱۳۴۰

ممکن است مملکت ما مثل تمام ممالک دیگر دنیا دارای معایب و مفاسد و نواقصی باشد ، ولی ما قادریم که خودمان بهتر از هر کس دیگر و با دلسوزی بیشتری رفع تمام این مشکلات را بکنیم ، و اگر بخواهیم که ما نیز معایب سایرین را بشماریم آن وقت خواهیم دید که

این کار، هم خیلی آسان است و هم معلوم نیست در چنین مقایسه‌ای کفه ترازوی کدامیک سنگین‌تر بشود .

از نطق شاهنشاه بمناسبت سالروز
بیست و هشتم مرداد - ۲۸ مرداد
۱۳۴۰

امروزه دیگر امپریالیسم و استعمار بمعنائی که سابقاً وجود داشت از بین رفته و مرده و جزء خاطرات گذشته شده است و اکنون دنیا آخرین بقایای این استعمار را تشییع جنازه میکند. منتها باید با هشیاری تمام مراقب نوع جدید استعمار باشیم و مملکتمان را از آن حفظ کنیم.

از نطق شاهنشاه بمناسبت سالروز
بیست و هشتم مرداد - ۲۸ مرداد
۱۳۴۰

سیاست ما کاملاً روشن است : ما طرفدار حقوق بشر و آزادیهای اساسی هستیم و با استعمار مبارزه میکنیم ، ولی نوع جدید استعمار را هم نمی‌پذیریم . ما معتقدیم که همه ملتها دارای حقوق یکسان هستند و این حقوق باید مورد احترام باشد .

از سخنان شاهنشاه در باشگاه
روزنامه نگاران فرانسه - ۲۶ مهر
۱۳۳۴۰

من هیچکس را فهمیده‌تر از ایرانی در هیچ جا ندیده‌ام . تنها مسئله‌ای که هست تشکل این افراد است

که چطور اجتماع آنها همان درایت و فهم انفرادی را پیدا بکند . چیزی که باید آرزومند آن باشیم اینست که همان فهمی که فرد فرد مردم ایران دارند همان را اجتماع آنها هم با هم پیدا بکند . البته این مستلزم این است که غرضها کمتر بشود ، و اگر چنین شد و هر فردی فهمید که بقای او بسته به بقای اجتماع است این مشکل حل میشود .

مطمئن هستیم که در آینده نزدیکی ، حتی خیلی قبل از اینکه حیات ما خاتمه پیدا بکند ، چنان مملکت آباد و سربلندی خواهیم دید که غرور و خشنودی در سیمای همه ما پیدا باشد و مطمئن باشیم که اولاد ما بارفاهیت و افتخار و سربلندی زندگی خواهند کرد . همان آرزویی را که من دارم که بعد پسر من در آن محیط زندگی بکند مطمئناً شما نیز برای اولاد خود دارید ، و انشاء الله این بچه های فعلی و مردان آینده و زنان آینده همه سربلند و مفتخر به اسم ایرانیت زندگی خواهند کرد .

از سخنان شاهنشاه در شرقیایی
نمایندگان مردم استانها و عشایر -
۹ آبان ۱۳۴۰

برای تأمین آینده ای مرفه و سعادت مند ما از همه مواهب الهی که بصورت سرزمینی پهناور و غنی و ذخایر سرشار زیرزمینی و هوش و استعداد فراوان نژادی به ما اعطاء

شده است بهره مند هستیم ، و اگر قصوری در استفاده از این نعمتها و موهبتها بشود گناه آن تنها متوجه کم همتی خود ما خواهد بود . بدیهی است برای هر مملکتی که بخواهد در عرض چند سال راهی را که دیگران در طول چندین قرن پیموده اند طی کند و ناگزیر باشد که در همه شئون مادی و معنوی و اجتماعی و اقتصادی به سوازا یکدیگر دست به تحول دامنه دار و سریعی بزند تحمل سختی ها و مرارتها و حتی بحرانهای اجتماعی و اقتصادی اجباری است . ولی باید همه ما متوجه باشیم که این ناراحتیها و مرارتها که دیگران نیز نظایر آنها را بصورت شدیدتری گذرانیده اند زود گذر است و این رنجی است که راحت و سعادت در دنبال خواهد داشت .

از پیام نوروزی شاهنشاه - اول

فروردین ۱۳۲۱

تاریخ چند هزار ساله کشور من که روزی بزرگترین امپراتوری جهان را تشکیل میداد بخلاف بسیاری از موارد مشابه تاریخ یک سلسله کشورگشائیها و قتل و غارتها و زورگوئیها نیست ، بلکه تاریخی است که بیش از هر چیز بر پایه عدالت و آزادگی استوار است .

در طول قرون متمادی بارها کشور من دستخوش حملات و مهاجماتی شده که هر یک از آنها برای نا بود کردن مملکتی کافی بوده است ، ولی هر باره مهاجمین

در مدنیت و فرهنگ درخشان ایران حل و مستهلک شده‌اند ،
 و بدین ترتیب چراغی که هزاران سال پیش در این سرزمین
 افروخته شد از خلال ظلمتها و طوفانها همچنان فروزان و تابناک
 بدست ما که وارث این میراث عظیم مدنیت هستیم رسیده است .
 ما ملت مستقلی هستیم که هیچگونه احساس
 حقارتی در مواجهه با خارجی نداریم ، و چون خودمان را با
 هر کشور و ملت دیگری از حیث حقوق مساوی میدانیم
 برای ما همکاری با ملل دیگر سهل و آسان است .
 ما احتیاج نداریم که از صبح تا شب بملت خودمان
 حس کینه توزی و دشمنی یا خارجی را تلقین کنیم ، بلکه
 بالعکس احساس دوستی و همکاری را با دیگران ، البته
 با حفظ تمام منافع ملی خودمان ، تقویت میکنیم .

از نطق شاهنشاه در کنگره
 امریکا - ۲۲ فروردین ۱۳۴۱

ما امروز وقتی صحبت از وطن و مملکت میکنیم
 منظورمان فقط یک اصطلاح کتابی و یک چیز خشکی که
 تنها مربوط به گذشته و یا صرفاً عامل تحریک احساسات
 وطن پرستی و عرق ملیت ما باشد نیست . وقتی صحبت
 از وطن و آینده میکنیم نظرمان مملکتی است که در دنیای
 امروز بتواند همگام پیشرفته‌ترین ممالک دنیا به زندگی
 پر افتخار خود ادامه دهد .

از سخنان شاهنشاه در شرفیابی
 دانشجویان ایرانی مقیم آنکارا -
 ۷ آبان ۱۳۴۱

سوابق ملی ما و عظمت گذشته ما و رشد باطنی
و عبقی ما و شایستگی مردم این سرزمین و همچنین ثروتهای
طبیعی و خداداد ما در واقع ما را ملزم و محکوم میکند که
در زمره ملل زنده و بزرگ دنیا قرار بگیریم . برای تأمین
این منظور می بایستی ما از هر جهت دوشادوش پیشرفته ترین
ممالک دنیا قدم برداریم .

از سخنان شاهنشاه در سلام عید
غدیر - ۲۳ اردیبهشت ۱۳۱۲

در کشور ما اکنون ملتی کهن برای آنکه در
عین حفظ سنن پرافتخار مدنی و فرهنگی چند هزار ساله
خود کشور خویش را بیای متریقی ترین و پیشرفته ترین
ممالک دنیای کنونی برساند و از ترکیب دو عامل نو و کهن
جامعه ای سعادت مند براساس توازنی شایسته میان نیروهای
معنوی و مادی پی ریزی کند دست بتلاشی وسیع و بی سابقه
زده است .

از نطق شاهنشاه خطاب به
اعلی حضرت اولاف پادشاه نروژ-
۱۹ دی ۱۳۱۳

ما دوستانی داریم ، ولی نمیتوانیم سرنوشت خودمان
را صرفاً در اختیار تصمیم دیگران بگذاریم که اگر روزی
خواهند بما کمک بکنند و اگر روزی نخواهند نکنند .
این نه فقط از لحاظ ملی نوعی ننگ است ، بلکه

از لحاظ بین‌المللی نیز قابل اعتماد نیست . باین جهت
 ناچاریم که نسبت به تقویت قوای دفاعی خودمان البته
 در حدود معقول بیندیشیم . در عین حال که برنامه‌های
 صنعتی و عمرانی ما باید با قدرت هرچه تمامتر پیش
 رود ، ما نمیتوانیم از تقویت نیروهای دفاعی کشور غافل
 بمانیم .

از سخنان شاهنشاه در شرقیایی
 نمایندگان مجلس شورای ملی -
 ۱۰ اسفند ۱۳۴۴

اگر در خلیج فارس حتی یک دانه ماهی هم پیدا
 نمیشد و یا یک چاه نفت نیز وجود نداشت و یا یک کشتی
 تجارتی رفت و آمد نمیکرد ، و اگر هم جنوب ایران
 و خوزستان و منابع نفت ایران فقط تیغزاری بود ، باز هم
 وظیفه ملی ما ایجاب میکرد که از هر وجب خاک خود
 دفاع کنیم .

از سخنان شاهنشاه در شرقیایی
 نمایندگان مجلس شورای ملی -
 ۱۰ اسفند ۱۳۴۴

در دنیائی که در بسیاری از نقاط آن بدیهی‌ترین
 اصول دموکراسی پایمال شده است ، برای ملت کهنسال
 ما که همواره مشعلدار اصول عالی معنویت بوده است مایه
 سربلندی واقعی است که نه تنها توانسته است اساس

دموکراسی سیاسی خود را استوار نگاه دارد ، بلکه آن را با کاملترین اصول دموکراسی اقتصادی و دموکراسی اجتماعی در آمیخته و از این راه بصورت سرمشقی برای بسیاری از اجتماعات و ملل دیگر در آمده است .

از پیام شاهنشاه بمناسبت جشن

مشروطیت ایران - ۱۴ مرداد

۱۳۴۵

ما در تمام شئون ملی تاکنون کارهایی انجام داده و قسمهائی برداشته ایم که هر یک از آنها به نسبت خود و به نوبت خود میتواند نمونه و سرمشقی باشد .

با همه اینها شاید احتیاجی بتذکر این حقیقت نباشد که همه پیشرفتهائی که تاکنون حاصل شده تازه نتایج اولیه این تحول عظیم است و ما بایستی منتظر بهره گیری بسیار وسیعتری از این بابت در آینده باشیم . باید صراحتاً بگویم که هیچ چیز مرا راضی نخواهد کرد مگر آنکه ایران را در صف اول ملل متمدن جهان ببینم .

از پیام شاهنشاه بملک ایران

بمناسبت سالروز بیست و هشتم

مرداد - ۲۸ مرداد ۱۳۴۵

منظور ما از هراتحادی تأمین منافع آشکار ما است .

ما دوستی هر کشوری را میپذیریم و حاضریم از تجارب علمی و فنی آن کشور استفاده کنیم ، بشرط آنکه چنین دوستی

بمنافع یا استقلال مالطمه وارد نسازد. این رویه بما آزادی عملی میدهد که از آنچه در کشورهای که اسیر فرضیه های مختلف هستند مشاهده میشود به مراتب بیشتر است.

از کتاب مأموریت برای وطن

ناسیونالیسم مثبت بنظر من عبارت از رویه ای است که حداکثر استقلال سیاسی و اقتصادی کشور را بطوریکه با منافع آن کشور موافق باشد تأمین نماید. برای ما ایرانیان ناسیونالیسم مثبت مفهوم گوشه گیری و جدائی ندارد، بلکه معنای آن این است که بدون توجه به امیال و سیاستهای کشورهای دیگر هر قراردادی را که بنفع کشور مان باشد منعقد سازیم و از تهدیدات کسانی که میخواهند برای ما رفیق انتخاب کنند نهراسیم.

از کتاب مأموریت برای وطن

برای تمیز بین ناسیونالیسم حقیقی و ناسیونالیسم دروغین، باید از رهبران آنها با کمال سماجت و صراحت خواست که برنامه ای را که برای پیشرفت و ترقی کشور دارند ارائه دهند، و هرگاه برنامه مثبتی نداشتند و یا برنامه آنها از جمله های فریبنده و مبهم و بدون عمق و معنی مشحون بود و یا برنامه معقولی داشتند ولی طرق عملی برای اجرای آن نداشتند، باید از فکر ناسیونالیستی آنها مشکوک و مظنون

بود . بر عکس اگر برنامه صحیح و مثبتی ارائه دادند و طرق معقولی برای اجرای آن داشتند و نشان دادند که باعزمی راسخ برای یک چنین خدمتگزاری آماده‌اند، آنوقت دلائلی برای اینکه بتوان نسبت به ناسیونالیسم آنها اعتماد و اطمینان حاصل نمود بدست خواهد آمد .

هر کس فکر ناسیونالیسم منفی را تبلیغ میکند باید او را مظنون و مشکوک شمرد ، زیرا خراب کردن از عهده همه بر می‌آید ، ولی آباد کردن کار هر کس نیست . متأسفانه طینت و طبیعت بشر در همه جای گیتی آنست که مردم غالباً به هیاهو و جنجالی که نسبت به شیطان موهوم برپا میشود بیشتر دل می‌سپارند تا به تبلیغی که برای پیشرفت و احیاء کشور میشود . علت اینست که برافکندن بنیانها تماشائی و هیجان انگیز است ، ولی ساختن بنا کاری آهسته و تدریجی است که احتیاج به صرف وقت دارد .

از کتاب مأسوریت برای وطنم

قرنهاست ایران از اختلاف طبقاتی و نژادی چنانکه در بعضی از کشورها رایج است آزاد بوده است . راست است که افرادی در کشور ما از امتیازات زیادی برخوردار و عده دیگری فاقد آن امتیازات بوده‌اند و فاصله بین آنها بسیار زیاد بوده است ، ولی همیشه امکان آن بوده است که افراد شایسته از طبقات پائین اجتماع به مقامات عالیه برسند . صفحات تاریخ ایران مشحون از موارد پیشماری

است که نشان می‌دهد بسیاری از سلاطین و سرداران
و وزیران و علما و شعرا و نویسندگان بزرگ از طبقات
پائین اجتماع به مدارج عالیه شهرت رسیده‌اند.
از کتاب ماسوریت برای وطنم

برای بارزه علیه سیستم امپریالیستی جدید و یاقدیم
ترس و واهمه و خضوع و خشوع اثری نمی‌بخشد. امروزه
ملل کوچک باید جرأت و جسارت آنها داشته باشند که
در برابر نیرومندان استقامت و پایداری نمایند و کوچکترین
پروائی از عظمت و قدرت آنان نداشته باشند.
از کتاب ماسوریت برای وطنم

مانده نقشه‌های پنهانی برای توسعه و تجاوز داریم،
ند افکار جاه طلبانه‌ای بزیان دیگران در سر می‌پرورانیم و نه شیوه
اختناق افکار و سلب آزادیهای فردی و اجتماعی را برای پیشرفت
ظاهری خود برگزیده‌ایم. بعکس، آنچه ما بعنوان اصول کار
خویش برای آینده در نظر گرفته‌ایم اصلاحات وسیع اجتماعی،
سازندگی اقتصادی توأم با اقتصاد دموکراتیک، پیشرفتهای
فرهنگی، همکاری بین‌المللی، احترام بمعتقدات معنوی و به
آزادیهای فردی و اجتماعی ماست. تصور میکنم کشور من
اصولاً نمیتواند راهی بجز این برای ساختن آینده خویش در
پیش گیرد، زیرا این تنها راهی است که با سنن دیرینه
تاریخی و ماسوریت معنوی و جهانی این ملت مطابقت دارد.
از کتاب انقلاب سفید

شاهنشاهی ایران

عظمت و شکوه مقام سلطنت مرتبط و وابسته بقدرت
و عظمت ملت است. هر قدر ملت توانا و مقتدر باشد بهمان
اندازه نیز مقام سلطنت که نماینده قدرت ملت است قوی
و معظم خواهد بود.

از پیام نوروزی شاهنشاه -

اول فروردین ۱۳۲۳

سر واقعی موفقیت ما اینست که رژیم ما رژیمی
طبیعی است که ملت آنرا با راحتی میپذیرد ، زیرا بدان
تحمیل نشده است. چنین رژیمی میتواند خیلی عمیقتر و بهتر
و سریعتر اصلاحاتی را که مطابق با پیشرفت زمان و سیر
تمدن جهانی است انجام دهد.

ما نه مجبوریم با عجله و شتابزدگی وبدون مطالعه

و حساب دست بکارهای حادی بزیم ، و نه دست و بال ما
در مسائل داخلی یا خارجی بسته است که نتوانیم آنچه
را بصلاح خود می بینیم عملی کنیم .

از مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه
باروزنامه نگاران ایران - ۲ آبان

۱۳۳۷

رژیم ایران رژیمی است خیلی قدیمی ، و مسلماً
روش حکومتی که چندین هزار سال برقرار بوده و ادامه
داشته نمیتواند بر خلاف میل ملی مردم باشد . بهمین جهت
می بینید که ما در میان همه طوفانها استوار و محکم و مطمئن
بکارها ادامه میدهیم و میکوشیم تا حداکثر آزادی هارا
. سنهای آزادی در خیانت بمردم بدهیم .

از سخنان شاهنشاه در شرفیابی
نمایندگان مجلسین . سنا و
شورای ملی - ۴ آذر ۱۳۳۷

علت آرامش و ثبات اوضاع کشور ما اینست که
ایران با یک رژیم طبیعی اداره میشود و وضع کشور ما
تحمیلی نیست . این وضع نه از داخله بوسیله عوامل غیر
عادی تحمیل شده و نه خوشبختانه از خارج بوجود آمده
است . وقتی که رژیمی جنبه طبیعی داشته باشد مسلماً آرایش

و سکون هم دارد ، بخصوص که در هر قسمت حساس کار
مملکت اقدامات مؤثری انجام میگردد .

از مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه
پاروزنامه نگاران ایران - بهمن
۱۳۳۷

رشته قدیم و قویمی که ملت را به سلطنت یعنی
قائمیه حفظ مملکت پیوند میدهد امروز از گذشته نیز قویتر
و محکمتر است . این بهم پیوستگی ساخته و پرداخته دیروز
و امروز نیست ، رشته ایست که مر دراز دارد و باید ریشه
آن را در تار و پود سلسله چندین هزار ساله تاریخ قوم بزرگ
ما یافت .

از پیام شاهنشاه باهالی فارس -
۹ اردیبهشت ۱۳۳۸

رژیمی در خطر است که طبیعی نباشد ، در صورتیکه
رژیم ایران یک رژیم طبیعی است که از دو هزار و پانصد
سال پیش تا کنون برای ما باقی مانده است . این رژیم
نیست که از خارج بر این کشور تحمیل شده باشد . حکومت
سلطنتی را دولتهای استعماری در ایران بوجود نیاورده اند .

از سخنان شاهنشاه در
باشگاه روزنامه نگاران
فرانسه - ۲۶ مهر ۱۳۴۰

در عصر کنونی یک پادشاه خوب میتواند بطریقی
مؤثر تر از دوره‌های گذشته بمردم کشور خود خدمت کند ،
ولی پادشاه بد و پادشاهی که لیاقت وی متوسط باشد دیگر
وسیله زیان و اضرار مردم کشور خویش را نخواهد داشت ،
زیرا مردم منورالفکر کشور زربار را نخواهند رفت و ناگزیرش
خواهند ساخت که یا خود را اصلاح کند و یا تخت و تاج را
بدیگری واگذارد .

از کتاب مأسوریت برای وطنم

شاه در ایران ، اگر پادشاهی مورد اعتماد ملت
خویش باشد ، میتواند با اتکاء به حیثیت و تقوّد عظیم
معنوی خود دست بکارهایی چنان وسیع و اساسی بزند که
مشابه آن را در هیچ کشور دیگری جز با توسل به شیوه‌های
انقلابی و سلب آزادیهای مدنی و فردی و یا بطور خیلی
تدریجی و طولانی نمیتوان انجام داد .

از کتاب انقلاب سفید

شاهشاه و سلطنت

امروز که ریاست کشور و ملت ایران را عهده‌دار
شده‌ام، معتقدم که آبرومندی دولت و سلطنت در این
است که ملت آسوده باشد و بخوشی زندگانی کند،
و در سهم خود آن اندازه که بمن مربوط است در ادای
وظایفی که برای این مقصود باید بجا آورد بقدر مقدور
میکوشم؛ اما باید یقین دانست که حصول این مقصود
بسته باین است که همه افراد ملت بوظایف خود عمل کنند،
و رأس آن وظایف این است که نسبت بیکدیگر عدالت
و انصاف را منظور دارند و مصلحت عامه را بر منافع
خصوصی مقدم شمارند.

اگر نظر حقیقت بین باشد روشن است که بندگان
خدا همه در خوشی و ناخوشی یکدیگر شریکند و ممکن
نیست یکنفر شاد باشد در حالیکه دیگران همه غمناکند،

و اگر عدم سعادت منند باشند البته افراد هم خوش خواهند بود .
از پیام نوروزی شاهنشاه - اول
فروردین ۱۳۲۱

من هر قدر خود خواه باشم خوب تشخیص میدهم
که قدرت سلطنت متکی بر قدرت ملی است و پایه های
تخت و اورنگ پادشاهی بر قلوب مردم استوار است .
من خواهان آنم که ملت من از سعادت و نیک
بختی و رفاه و آسایش و امنیت و عدالت و تندرستی بهره مند
باشد ، و برای اجرای تمام این مقاصد حد اکثر مساعی
خود را بکار خواهم برد .
حکومت و سلطنت بر یک مشت مردم فقیر وضعیف
و رنجور و محروم از عدالت مورد رضایت خاطر من نبوده است
و نخواهد بود .

از بیانات شاهنشاه در پاسخ
رئیس مجلس شورایی و سایر
مستقبلین (در ۲۴ کیلومتری
قزوین) - ۱۹ خرداد ۱۳۲۶

من فطرتاً دارای روحیه دموکراتیک هستم ،
ولی هنگامیکه پای مصالح کشورم در میان باشد میتوانم
مانند هر فرد وطن پرست دیگر بسیار سخت گیر باشم .
من هرگز بکسانی که بملکت خیانت کرده اند رحم نمیکنم .
از مصاحبه شاهنشاه با نماینده
مخصوص روزنامه نیویورک
تایمز - ۵ مهر ۱۳۲۹

در آنچه مربوط بخود من است ، هیچگونه نظر
آکینه توزی ندارم و قلب صاف من کانون بغض نبوده
و نخواهد بود .

اما در مورد تجاوز بمقدمات ملی و قانون اساسی
نمیتوانم هرگز گذشت داشته باشم .

از پیام شاهنشاه بملت ایران
هنگام بازگشت بکشور پس از
قیام ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ - اول
شهریور ۱۳۳۲

ضمامن همه موفقیت‌های من اراده خداوندی
است ، و من حس میکنم که فقط بنده کوچک او هستم که
مجری نیات و مشیت کامله الهی نسبت بدین ملت و مملکت
میشم .

از سخنان شاهنشاه در سلام چهارم
آبان - ۴ آبان ۱۳۴۳

همانگونه که مردم نسبت پیا د شاه خود تا این حد
احساسات و عواطف پاک دارند و برای فداکاری حاضرند ،
من نیز نسبت به ملت در همین حال هستم و این امریست
که در مدت سلطنت خود بارها بشبوت رسانیده‌ام .

در شهریور ۱۳۳۰ که قبول مسئولیت کردم
و سوگنده یاد نمودم آینده‌ای بسیار تاریک در برابرم بود ،

معهدا یا تو کل بخدا و توجه بهمین احساسات مردم با همه
 سختیها و دشواریها مبارزه کردم . در تمام مدت سلطنت
 چه با مقاومت مثبت و چه با مقاومت منفی در راه حفظ
 ملک کوشیدم ، و با آنکه خطراتی برای من بطور سری
 یا علنی وجود داشت بهیچوجه بیم و هراسی در دل راه
 ندادم و همیشه بسوگندی که یاد کرده بودم وفادار ماندم ،
 و تا زنده هستم باین سوگند وفادار خواهم بود .

از بیانات شاهنشاه در شرفیابی
 نمایندگان طبقات مختلف
 پایتخت - ۹ اسفند ۱۳۲۸

امید وارم با عزمی راسخ وظایفی را که برای
 بنیان گزاری ایران نوین بعهده گرفته ام ولو بقیمت جانم تمام
 شود بپایان برسانم . ما از هیچ فرصتی برای رسیدن بههدف
 خود غفلت نخواهیم ورزید و با استفاده از آخرین تجارب
 دیگران که سالهای دراز وقت خود را صرف رفع اشتباهها
 و اصلاح کارها کرده اند در مدتی کوتاه و کمتر خود را
 بمقصد میرسانیم .

از سخنان شاهنشاه در جلسه
 هیئت دولت - ۲ آبان ۱۳۲۸

برای من عید واقعی هنگامی است که وقتی که
 بعنوان پادشاه این ملت ومسئول سر نوشت آن بکشور خود

می نگرم ، در سر تا سر آن سدها ، کارخانه ها ، راهها ،
 راه آهن ها ، بنادر ، آموزشگاهها ، بیمارستانها و درمانگاهها
 و پرورشگاهها ، سازمان های بیمه های خیریه و اجتماعی ،
 مراکز ورزشی ، کشتزارها و مزارع آباد ، و بسیار چیزهای
 دیگر از این قبیل را که همه از زندگی و پیشرفت و تکامل
 حکایت میکنند در حال فعالیت ببینم ، و مردم این کشور را
 همه جا سرگرم کار مثبت و خلاقه ای یابم که هدف آن
 ساختمان بنای عظیم ایرانی آباد و سعادت مند و مترقی است
 که با تأییدات الهی میباید از هر حیث بصورت کشوری
 نمونه در آید .

از پیام نوروزی شاهنشاه - اول
 فروردین ۱۳۴۰

از نظر شخص خودم باید بی پرده بگویم که انجام
 وظایف سنگین سلطنت برای من بجز رنج و کوشش دائم
 چیزی در بر نداشته و مستلزم هیچ گونه آسایش و تفریحی
 نیست ، و اگر هدفهای عالی و مقدس مینهنی و ایمان به لزوم
 این رنج و تلاش در راه حفظ مصالح این مملکت و ملت
 نبود ، و اگر درجه علاقه و محبت شما را نسبت به پادشاه
 خودتان که تا سرحد جان بازی میرسد نمیدانستم ،
 هیچ مشوق دیگری در این راه برای من وجود نداشت .
 تنها انگیزه من در تحمل این مسئولیت خطیر
 عشق به این مملکت و انجام وظیفه وجدانی خودم در برابر

شما مردم فداکار شرافتمند و میهن پرست است ، و با همین احساس من در این راه وظیفه وجدانی خویش را با اتکاء به بیست و دو سال تجربه و آشنائی با رسوزکارها و آنچه در این مدت بحرانها و حوادث گوناگون به من آموخته است انجام می دهم و هر ناراحتی را در این مورد با طیب خاطر تحمل می کنم ، زیرا برای من یک هدف بیشتر وجود ندارد ، و آن رسانیدن ملت ایران به پایه یک اجتماع دموکراتیک متری و پیشرفته و سعادت مند در جامعه ملل جهان امروز است .

من همیشه ایمان داشته ام که در راه تلاش خویش برای نیل بدین هدف مقدس از عنایات کامله الهی برخوردار هستم ، و یقین دارم که در آینده نیز مانند گذشته تأییدات پروردگار که در گذشته من و ملت را بکرات با صورتی معجز آسا از خطرات و مهالک حتمی نجات بخشیده است همچنان شامل حال ملت عزیز من و من خواهد بود .

از نطق شاهنشاه بمناسبت سالروز

بیست و هشتم مرداد - ۲۸ مرداد ۱۳۴۱

از آن نظر که من پادشاه همه مردم ایران هستم طبعاً تمام افراد این کشور در نظرم یکسانند و علاقه و محبت من هر کسی را که نام ایرانی داشته باشد شامل می شود ، ولی به همین دلیل که من پادشاه همه هستم طبیعی است که باید حفظ منافع اکثریت را بر همه چیز

مقدم بشمارم ، و چون این اکثریت را طبقات کشاورز و کارگر و پیشه‌ور و نظایر آنها تشکیل می‌دهند طبعاً قلب و روح من بیشتر متوجه همین مردمی است که از لحاظ شرایط اجتماع و سطح زندگی پائین تری قرار دارند.

از نطق شاهنشاه بمناسبت سالروز
بیست و هشتم مرداد - ۲۸ مرداد ۱۳۴۱

در زندگی هدف من از اول روشن بوده است :
زندگانی من تا آخرین روزی که حیات دارم صرف و وقف
این مملکت و مردم خواهد شد . کسی که از جان و مال
خود صرف نظر کند طبعاً انتظار دارد از اقدامات خویش
نتیجه بگیرد . هدف و آمال من و نتیجه‌ای که می‌خواهم بگیرم
رسانیدن این مردم و مملکت به بالاترین پایه‌ای است که
برای ملت ما امکان دارد .

من همیشه معتقد بوده‌ام که انسان تا جائیکه
بتواند باید منشاء اثر واقع شود . بعضی‌ها در قبال جامعه
مسئولیت بیشتری دارند ، و آن اشخاص به همان نسبت
باید بیشتر تلاش و کوشش کنند و حتی در موقع خود
فداکاری نمایند .

از سخنان شاهنشاه در سلام
چهارم آبان - ۴ آبان ۱۳۴۰

... شاید با این توضیح برای شما روشن شده باشد

که من که این میراث عظیم تاریخی را در دست خود دارم چه مسئولیت خطیری در برابر تاریخ گذشته و آینده کشورم احساس میکنم. من نه فقط میخواهم این ودیعه گرانبها و مقدسی را که به من سپرده شده است برای آینده حفظ کنم، بلکه سعی میکنم که اضافه بر ادامه دادن این سنت تاریخی منشاء تحولات لازمه عصر و زمان خودمان نیز در کشور خویش باشم، و ایران پر افتخار دیروز را بصورت ایران متمدن و سعادتمند فردا در آورم.

از سخنان شاهنشاه در باشگاه
ملی مطبوعات آمریکا - ۲۵
فروردین ۱۳۴۱

از تخت سلطنت بالاتر چیزی نیست، ولی نه تخت
تفرعن و تبختر، بلکه تختی که جایگاه آن قلوب ملت باشد.
از سخنان شاهنشاه در اجتماع
مردم تبریز - ۱۹ مهر ۱۳۴۱

من عادت به این ندارم که از زیر بار مسئولیت
شانه خالی کنم، و پیوسته باید بخواسته های مردم خود
پاسخ بدهم. مادامی که آنها نیاز به رهبری دارند،
همانطور که اکنون مشاهده میشود من این وظیفه رهبری
را بعهده خواهم گرفت؛ در غیر اینصورت چه انگیزه ای

ممکن است مرا وادار به تحمل اینهمه درد سر و نا راحتی ها
بکند ؟ مسلماً انگیزه شخصی در این میان وجود ندارد .

از مصاحبه شاهنشاه با نماینده
خبرگزاری . امریکا تی
آسوشیتدپرس - ۱۵ بهمن ۱۳۴۱

گاهی وقتی انسان حس کند که تنها شخصی است
که می تواند کاری را انجام دهد ، هرگاه از انجام آن تصور
ورزد بمنزله خیانت است . بدبختانه یا خوشبختانه من تنها
کسی هستم که می توانستم این کارها را انجام دهم و انجام
دادم .

من نمی توانم از زیر بار این مسئولیت شانه خالی
کنم ؛ هرگاه شخص طفره نرود و تزلزل بخرج ندهد انجام
کار مشکل نیست ، بخصوص در این مملکت که مردمانش
اشتیاق و احتیاجی اینقدر شدید دارند که بصورت ملتی
عظیم درآیند . ما در گذشته طی قرون متمادی از کشورهای
برجسته جهان بوده ایم ، ولی اکنون دیگر در فکرفتوحات
و تسخیر زمینهای دیگر نیستیم . ما نقشه های امپریالیستی
نداریم و آن دوران دیگر گذشته و تمام شده است . اکنون
- تنها هدف من این است که کشور خود را بصورت یکی از
- پیشرفته ترین و خوشبخت ترین اجتماعات جهان در آورم .

از مصاحبه شاهنشاه با نماینده
خبرگزاری انگلیسی رویتر -
۱۲ آبان ۱۳۴۲

اگر در مدت سلطنتم چندین مرتبه مواجه با خطراتی شدم که هر یک از آنها مسلماً میتوانست با استقلال این کشور خاتمه دهد و با تفضل خداوند معجزه آسا از راه تدابیری که بکار بسته شد بر هر یک از آن خطر ها فائق آمدم ، هیچیک از این مجاهدتها که شده بمنظور حفظ منافع شخصی و ادامه سلطنت شخص خودم نبوده است . بخصوص در ششم بهمن اگر ما انقلاب سفید ایران را پی ریزی و شروع کردیم این اقدام بزرگ برای ادامه سلطنت نبود ، زیرا سلطنت بخواست خداوند خود بخود ادامه پیدا میکرد .

از سخنان شاهنشاه در شرفیابی
اصناف تهران - ۲۵ آبان ۱۳۴۳

من تشنه قدرت نیستم که تنها بخاطر آن زندگی کنم . من روزی شانزده ساعت کار میکنم و هدفم اندوختن ثروت نیست ، زیرا لااقل نود درصد از ثروت خود را تا کنون برای اصلاحات مملکتی واگذار کرده ام . علت پیشرفتهای اخیر ما نیز این است که من تنها به شخص خودم فکر نمیکنم . هرگاه شما باین مرحله از تفکر برسید و تنها منافع و مصالح کشورتان را در نظر بگیرید و بمنافع شخص خودتان فکر نکنید ، آنوقت است که پیروز میشوید .

از صاحبده شاهنشاه :! نماینده
مخصوص روزنامه « سندی
اکسپرس » لندن - ۱۶ اسفند
۱۳۴۳

خداوند سرنوشت هر کس را معلوم کرده است ،
و من فکر میکنم مشیت الهی برای من تکالیف و مأموریتی
را معین کرده است که باید بدست من در راه تأمین سعادت
ملت اجرا گردد ، و هیچ عاملی نمیتواند این مشیت را
متوقف سازد .

انسان از چه چیز باید بترسد ؟ اگر زندگی فقط
عبارت از خوردن و خوابیدن و وقت گذراندن و تکرار دایم
روزها و سبها بر همین اساس باشد ، چنین زندگی اصولاً
چه فایده‌ای دارد که از دست رفتن آن مایه نگرانی باشد ؟
بخصوصی که بهر حال پایان آن سرگ است . زندگی فقط
وقتی ارزش واقعی دارد که توأم با هدفی بزرگ و انسانی
و کوشش برای نیل بدین هدف باشد ، و وقتی که چنین
هدفی در کار بود استقبال هر خطری آسان است .

لذت زندگی برای من خوردن و خوابیدن و تفریح
نیست ، زیرا اگر چنین بود مسلماً این منظور در محیط
بی مسئولیتی بهتر فراهم بود و مضافاً خطرات احتمالی نیز
در کار نبود . ولی من در زندگی خودم دنبال هدفی هستم
و آن انجام کارهاییست که بدان قلباً ایمان و اعتقاد دارم .
این کاری است که بخاطر تأمین سعادت ملت ایران صورت
میگیرد .

از سخنان شاهنشاه در سلام عید
عید غدیر - ۲ اردیبهشت ۱۳۴۴

تنها هدف زندگی من ارتقاء روز افزون کشور

و ملت ایران است ، و آرزوئی بجز این ندارم که استقلال
و حاکمیت این مملکت را حفظ کنم و ملت ایران را پویای
مترقی ترین و سعادتمندترین جوامع جهان برسانم و عظمت
دیرینه این سرزمین و افتخارات تاریخی آن را تجدید کنم ،
و در این راه در آینده نیز مانند گذشته حتی از بذل جان
دریغ نخواهم داشت .

برای من این احساس مایه خوشوقتی و مباهات
است که امروزه من و ملت من با پیوند قلبی ناگسستی بیکدیگر
پیوسته ایم ، و دست در دست هم در راهی که متضمن
عظمت و ترقی و سعادت ایران است پیش میرویم .

از . نطق شاهنشاه هنگام
تاجگذاری - ۴ آبان ۱۳۱۶

من این درس را بخوبی فرا گرفته‌ام که باید
بمقام خود و وظیفه سلطنت با بیطرفی محض بنگرم ، و اگر
تاکنون احساس کرده بودم که سلطنت ایران از نظر طول
دوران از انتفاع افتاده است با خرسندی از آن مقام استعفا
میدادم و حتی خودم نیز برای بر انداختن آن مساعدت
میکردم . ولی وقتی منطق مانند روشنائی بامدادی حاکم
میشود میبینیم این دستگاه شاهنشاهی بکشور ایران خوب
خدمت کرده است ، و همانطور که در دوران عظمت نخستین
برای مردم این کشور سودمند بوده است امروز یعنی در عصر
اتم نیز این فایده و ثمر بخشی باقی و پای برجاست .

از کتاب مأموریت برای وطنم

از اوان کودکی دانسته‌ام که دست تقدیر مرا
 بسر پرستی یک کشور باستانی و دارای تمدنی بزرگ که
 مورد ستایش من است خواهد گذاشت و باید در بهبود وضع
 مردم کشور مخصوصاً طبقه معمولی آن کوشش کنم.
 احساس میکنم که ایمان واقعی من بخداوند مرا در انجام
 این منظور مقدس کمک خواهد نمود، و آنقدر خود بین
 نیستم که تصور کنم هر پیشرفتی که در این راه نصیب
 من گردد جز بیاری خداوند یگانه میسر تواند بود.

از کتاب مأموریت برای وطنم

آن عامل نیرومندی که مرا در مقام سلطنت از
 تنهایی نجات میبخشد اتکاء بمدد پروردگار است که
 معتقدم مرا در هرکاری یاری و دستگیری میفرماید. این
 ایمان و اعتقاد هرگز مرا مغرور و خود بین نساخته و
 برعکس در من این اطمینان خاطر را بوجود آورده است که
 در این جهان کوشش و تلاش مصدر خدمت و وظیفه‌ای
 هستم. از همین جهت گذشته از انجام فرائض روزانه
 مذهبی گاه گاه از درگاه ایزد چاره ساز درخواست کمک
 و یاری میکنم. من دعوی ندارم که با عالم علوی ارتباط
 غیرعادی دارم، ولی بطور ساده و بی هیچ گونه گزافه‌ای میگویم
 که دعاها و پریای من هیچوقت بدون اجابت نبوده است.

از کتاب مأموریت برای وطنم

بر من مسلم است که سرنوشت من در دست
 قدرت بالغه‌ای است و من باجرای آنچه تقدیر ازلی برای

من مقرر ساخته است مأمورم. ولی این حقیقت نیز مسلم است
که برای اجرای این مأموریت باید از خیال و تصور درگذشت
و بفعل و اقدام پرداخت.

از کتاب مأموریت برای وطنم

هیچکس در چنین مقامی که من هستم نمیتواند
از وسوسه هائی که قدرت بوجود میآورد برکنار باشد،
ولی خوشبختانه سائق من در حیات چیز دیگر است و برای
من فلسفه وجود معنی و مفهومی دیگر دارد.

از کتاب مأموریت برای وطنم

داشتن قدرت برای آدمی محک آزمایش است.
بعضی از آنها که قدرت بدست میآورند بمسئولیت اخلاقی
که برای صاحب قدرت ایجاد میشود پی. میبرند و بزرگتر
و عالیقدرتر میشوند. برخی دیگر بعکس در نتیجه همین
کسب قدرت حقیر تر و کوچکتر میگردند.

از کتاب مأموریت برای وطنم

وظیفه من این است که این میراث گرانبها و
کهنسالی را که استقلال و حاکمیت و شرافت ملی ایرانی
نام دارد، و تاریخ آنرا بصورت ودیعه مقدسی بدست من
سپرده است، کاملتر و غنی تر از آنچه تحویل گرفته ام
بدست نسلهای آینده بسپارم.

از کتاب انقلاب سفید

فرنگ و مغنویت

فرهنگ ما یکی از فرهنگهای باستانی جهان است .
ما معتقدیم اصل و منشاء عالی واصل و گوهری که تمدن
را بوجود آورده مفهوم حیاتی و بسیار مهمی دارد ، زیرا
دردنیای برآشوب کنونی که براساس احترام ارزش و منزلت
مقام بشری و اصول و معتقدات عالی اخلاقی استوار است
سنن باستانی ، ما را حیات و نیرو میبخشد و سرچشمه الهامات
میشود . اصول و مبانی عالی در آنموقع که مسیر ما از هر
طرف با هرج و مرج و آشوب و بی نظمی احاطه شده تکیه گاه
استواری برای ما خواهد بود .

از سخنان شاهنشاه بمناسبت
دریافت دکترای افتخاری از
دانشگاه میشیگان - ۵ آذر ۱۳۲۸

جامعه‌ای که باید آرزوی وجود آنرا داشته باشیم

یک جامعه اخلاقی است که مجهز بقانون جدید و تمدنی که برای امروز لازم است باشد. وقتی جامعه‌ای دارای صفات اخلاقی راستگویی و پرهیزکاری و عدالت و مساوات بود و از طرف دیگر بعلم و دانش هم مجهز شد چنین جامعه‌ای خوشبخت و سعادتمند خواهد بود.

از سخنان شاهنشاه در سلام عید
غدیر - ۴ مرداد ۱۳۳۵

امروزه مردم با وجود وسائل مادی بزرگی که در اختیار دارند از آرامش روحی چنانکه لازمه تمدن عالی است برخوردار نیستند، و این یکی از نارسائیهای تمدن ما است که بتنهائی قادر نیست از لحاظ روحی و اخلاقی ما را بدانگونه مجهز سازد که از علم و دانش در راه سعادت خود استفاده کنیم. در چنین موقعی که این تمدن چند هزار ساله مورد تهدید جهل و نادانی است، انسان بیشتر از هر چیز براهنمایی احتیاج دارد که بتواند بشر را از زوال و بدبختی نجات دهند و بفضائل اخلاقی بیاورند.

از پیام شاهنشاه به کنفرانس
هزار و چهارصدمین سال میلاد
حضرت علی علیه السلام در
کراچی - ۱۸ بهمن ۱۳۳۵

آرزویند فرا رسیدن آنروزی هستیم که فروغ معنویت
بر سراسر جهان پرتو افکن شود و تاریکی اختلافات

و خودخواهیها و اغراض ناچیز را از میان بردارد و نیروهای را که متأسفانه امروزه در راه تخریب و جدائی بکار میروند برای نزدیکی و پیوستگی مردم جهان و ایجاد دنیائی بکار اندازد که فرزندانمان بتوانند در آن فارغ از ترس و کینه و فقر و جهل از زندگانی سعادت آمیزی که غایت آرزو و هدف کمال و دانش و فرهنگ است برخوردار گردند.

از نطق شاهنشاه بمناسبت دریافت
گواهینامه دکترای افتخاری از
دانشگاه بیروت - ۲۸ آذر ۱۳۳۶

اصل عالی برادری جهانی که کتاب مقدس آسمانی ما بزرگترین مبشر آن است از قرنهای پیش اساس حکمت و فلسفه و عرفان ایران بوده و گنجینه گرانبهای ادب فارسی نیز آکنده از شواهد بیشمار در ترویج و تبلیغ این نظریه بزرگ و عرفانی و معنوی است. در روزگاری که قسمت اعظم جهان غرق در تیرگیها و اختلافات و کوتاه نظریها و قتل و غارتها و وحشیانه بود، عرفا و حکمای بزرگ ایران مشعلدار اصل پیوستگی و وحدت نوع بشر بودند و با حق پرستی و فداکاریهای خود کشور ما را همواره یک کانون بر فروغ معنویت نگاه داشتند، و طبعاً ما که وارث این سنت پر افتخار بشر دوستی و نوع پرستی هستیم بهتر از هر کس با اصل برادری و برابری بشر آشنائی داریم.

از پیام شاهنشاه بمناسبت آغاز
هفته سازمان برادری جهانی
در ایران - ۲۷ بهمن ۱۳۳۶

کشور ما با سابقه درخشان مدنی و فرهنگی خود
و با مقام شامخی که پیوسته در عالم فکر و اخلاق داشته
و از این حیث همیشه یک کانون فروزان معنویت بوده است
امروز در نشر و توسعه اصول عالی اخلاق مسئولیت سنگینتر
و خطیرتری را نسبت بدیگران بعهدہ دارد.

از پیام شاهنشاه بشورای ایرانی
الجمین برادری جهانی - ۱۲ آبان
۱۳۳۷

در دوران کنونی که قدرت دانش وسائل تخریبی
موحشی را در اختیار انسان نهاده است ، تنها راهی که
برای نجات بشریت از نابودی وجود دارد همکاری صمیمانه
مردم جهان و رعایت حقوق انسانی و پای بندی دول
بزرگ باصل تساوی ملل بزرگ و کوچک و عدم تجاوز
به آزادی و معتقدات دیگران است. فقط در پرتو این اصول
عالی اخلاقی و معنوی است که نوع بشر خواهد توانست
راه خویش را بسوی آینده‌ای امید بخش و درخشان دنبال
کند.

از پیام شاهنشاه بمناسبت سالروز
حقوق بشر - ۱۹ آذر ۱۳۳۷

کافی نیست که بگوئیم مرزهای امپراتوری ما از
کجا تا کجا بوده است و ما چه قدرتی داشته‌ایم ، بلکه
باید ببینیم ریشه این قدرت و عظمت در کجا بوده و چطور

نیروی فعالیت و ایمان و بیغرضی و شهامت بنائی چنین استوار
پدید آورده که بیش از بیست و پنج قرن دوام کرده است.
یقین دارم این فضائل و محاسن هنوز هم در نهاد
ملت ما نهفته است و فقط میباید چنانکه لازم است بمعرض
بروز در آید.

از سخنان شاهنشاه در شرقیایی
اعضای شورای مرکزی جشن
دوهزار و پانصدین سال بنیاد
شاهنشاهی ایران - ۹ - بهمن
۱۳۳۸

ما از زمانی که در جاده تمدن گام نهاده ایم راه
همکاری فکری و معنوی با ملت های دیگر را دنبال کرده
و بر این عقیده بوده ایم که فرهنگ و تمدن ما و ملت های
دیگر میراثی است که به همه ملت ها تعلق دارد، و امروز
هم با همان ایمان و اعتقاد به این سنت چند هزار ساله
در جستجوی همکاری صمیمانه با همه ملت ها برای رسیدن
به آرمانهای مشترک انسانی هستیم.

از سخنان شاهنشاه در شهرداری
پاریس - ۲۱ مهر ۱۳۴۰

باید مردم بفهمانیم که چرا در گذشته و در
دوران شاهنشاهی بزرگ ایران ما توانستیم چنان قدرت
و مقامی برای کشور خویش تحصیل کنیم. البته منظور من

در این جا توجه به جنبه کشورگشائی و لشگرکشی نیست، زیرا که هر چند ممکن است عظمت ظاهری باین قبیل زور آزمائیها و پیروزیها مربوط باشد، ولی چنین مظاهر قدرت هم زود از میان می‌رود و هم دامنه آن‌ها محدود است و ما نیز امروزه نظری بخاک دیگران نداریم. آنچه واقعاً درین میان اهمیت دارد آن عوامل روحی و معنوی است که عظمت و جلال حقیقی شاهنشاهی ایران را پدید آورد، یعنی روح فضیلت و ایمان مردم با اصول و مبانی استوار پرهیزکاری و راستگوئی و سایر اصول اخلاقی که این شاهنشاهی حاصل آن بود.

از بیانات شاهنشاه در سلام
نوروزی - اول فروردین ۱۳۴۱

تاریخ چند هزار ساله کشور من که روزی بزرگترین امپراتوری جهان را تشکیل میداد بخلاف بسیاری از موارد مشابه تاریخ یک سلسله کشورگشائیها و قتل و غارتها و زورگوئیها نیست، بلکه تاریخی است که بیش از هر چیز بر پایه عدالت و آزادگی استوار است.

در طول قرونتمادی بارها این کشور دستخوش حملات و مهاجماتی شده که هر یک از آنها برای نابود کردن مملکتی کافی بوده است، ولی هر بار مهاجمین در مدنیت و فرهنگ درخشان ایران حل و مستهلک شده‌اند، و بدین ترتیب چراغی که هزاران سال پیش در این سرزمین

افروخته شده از خلال ظلمتها و طوفانها همچنان فروزان
و تابناك بدست ماكه وارث اين ميراث عظيم مدنيت
- هستيم رسیده است .

از نطق شاهنشاه در كنگره امريكا -
۲۲ فروردین ۱۳۴۱

وجه استیاز همیشگی هنر و فرهنگ ایرانی این بوده
است كه دلها را از راه دور با يكديگر نزديك كند ، زیرا این
فرهنگ و هنر همواره جنبه ای جهانی داشته و در خدمت همه
جامعه بشری بكار رفته است . این فرهنگی است كه از آغاز
وظیفه اصلی خود را در آمیختن اندیشه ها و فلسفه ها و هنر های
مختلف جهان با يكديگر و ایجاد يك اندیشه و فلسفه و هنر
مشترك از آنها قرار داده است . بهمین جهت است كه هنر
و علم و ادب و سایر مظاهر فكر و معنی هیچوقت در ایران
محدود به چهار دیوار این مملكت نشده بلكه پیوسته
در خدمت تمام بشریت بكار رفته است .

از سخنان شاهنشاه هنگام گشایش
نمایشگاه « هفت هزار سال هنر
ایران » در واشنگتن - ۱۶ خرداد
۱۳۴۳

شاید هنوز ما نتوانیم از لحاظ علمی و صنعتی
و نظایر آن ارمغانی بدنیابدهیم ، ولی مسلماً میتوانیم از لحاظ
امور روحی و معنوی و موازین انسانی و اخلاقی كه میراث

عظیم تمدن و فرهنگ گذشته ما بما امکان آنرا میدهد نقش
مؤثری در جامعه بشری داشته باشیم.

از سخنان شاهنشاه در سلام چهارم
آبان - ۴ آبان ۱۳۴۳

در ایران امروز که دوران سازندگی مادی و معنوی
وسیمی بر اساس میراث عظیم تمدن و فرهنگ کهن ایرانی
آغاز شده است ، توجه بمفاخر گذشته مخصوصاً ارزش های
واقعی فکر و ادب و دانش و هنر این سر زمین روز بروز
اهمیت بیشتری پیدا میکند ، زیرا ملت ایران بخوبی وظیفه
و مسئولیت خود را در حفظ و ادامه این میراث عالی و انسانی
و فرهنگی و مدنی احساس کرده است .

از پیام شاهنشاه بمناسبت برگزاری
جشن هزار و صدمین سال تولد محمد
زکریای رازی - ۶ دی ۱۳۴۳

فرهنگ کهن ایرانی که بصورت گرانبها ترین
میراث تاریخی و ملی بدست ما رسیده است مایه سربلندی
و افتخار ما است ؛ ولی ما این میراث معنوی خود را یک
میراث انحصاری ملی نمیدانیم ، بلکه آنرا قسمتی از میراث
عظیم تمدن و فرهنگ بشری می شناسیم که هر یک از ملل
قدیم و جدید جهان در تکمیل آن سهم خاص خود را
داشته اند و دارند .

ما افتخار داریم که فرهنگ ما از روز اول فرهنگی بشری و جهانی بوده و همواره کوشیده است تا در خدمت جامعه بشریت بکار رود. در این راه ما همانقدر که بتمدن یونان و رم و سایر تمدنهای بزرگ شرق و غرب هدیه داده‌ایم بهمان اندازه نیز بدانها مدیونیم. این مبادله‌ای است که ما بدان افتخار داریم، زیرا از همین مبادلات ارزش‌های فرهنگی و مدنی است که تمدن عظیم امروزی جهان زائیده شده است.

از پیام شاهنشاه به کنگره
بین‌المللی «مطالعه درباره تأثیر
تمدن ایران در تمدن یونان
و روم»، در شهر رم-۲۲ فروردین
۱۳۴۴

در بسیاری موارد کوشش شده و میشود که از عامل مهم و مؤثر فرهنگ بعنوان یک وسیله اعمال نظرهای سیاسی و مرامی استفاده شود، ولی چنین فرهنگی اصالت ندارد و بهمین جهت دوام آن نیز طولانی نمیتواند بود. آنچه مایه خوشوقتی است این است که با رشد روزافزون فکر و دانش بشر امکان این نوع سوء استفاده از قدرت و نفوذ عمیق فرهنگ روز بروز کمتر میشود، و در عوض روز بروز بیشتر پایه یک تمدن جهانی و یک فرهنگ جهانی متکی بر یک حقیقت جهانی که همه افراد بشر با حقوق و شخصیت عالی انسانی خود نمایندہ آنند ریخته میشود.

فرهنگ‌های ما و شما و هیچ فرهنگ دیگری
 در جهان از یکدیگر جدا نیستند. اگر در میان اختلافها
 وجدانیهای کنونی جهان که بسیاری از آنها سیرات گذاشته‌اند
 و بهر حال وجود همه آنها مایه تأسف ماست عاملی وجود
 داشته باشد که بجای تشتت و پراکندگی مظهر اتحاد
 و پیوستگی باشد، آن عامل مسلماً تفاهم فرهنگی میان
 کلیه ملل و اقوام جهان و شناخت متقابل ارزشهای معنوی
 یکدیگر است، زیرا فرهنگ به مفهوم واقعی آن چیزی است
 که باید یا بصورت جهانی وجود داشته باشد و یا اصلاً
 وجود نداشته باشد.

از نطق شاهنشاه بمناسبت دریافت
 دکترای افتخاری دانشگاه برزیل،
 در ریودو ژانیرو - ۱۷ اردیبهشت
 ۱۳۴۴

ما در سر زمین خود بدست نسل‌های پیشمار فرهنگی
 کهن خلق کرده ایم و شما در کشور و قاره خود فرهنگی
 نو بوجود آورده‌اید.
 آنچه امروز اهمیت دارد این است که ملل ما و شما
 و اصولاً همه ملل شرق و غرب و شمال و جنوب طرز فکر
 و فلسفه زندگی و ارزشهای معنوی و مادی خود را
 با یکدیگر درآمیزند و از بهترین اجزای آنها دنیای آینده را
 پی‌ریزی کنند.

از نطق شاهنشاه در کنگره ملی
 آرژانتین - ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۴

خداوند بزرگ همه ما را هدایت فرماید که از آن نیروی بی پایانی که امروزه با دست دانش و با اعجاز اندیشه بشری در اختیار ما نهاده شده است ، نه مانند کودکانی که با آتش بازی میکنند، بلکه مانند انسانهای رشد کرده و عاقلی که به مسئولیت خویش در مقابل خداوند و در برابر نسلهای آینده بشری وقوف کامل دارند استفاده کنیم ، و این شمشیر دو دم را بجای آنکه وسیله نابودی خود و ممنوعان خویش قرار دهیم بعنوان سلاح برنده ای فقط در راه مبارزه با دشمنان واقعی بشریت یعنی جهل و قزوییماری و بیعدالتی های قضائی و اجتماعی بکار ببریم .

از پیام شاهنشاه به کنفرانس
صلح جهانی از راه قانون ، در آتن
- ۶ مهر ۱۳۴۴

فرهنگ ایرانی در تمام جلوه های علم و ادب و فلسفه و حکمت و هنر خود پیوسته بر اساس محبت و تفاهم و دوستی متکی بوده و همواره دیدی جهانی و بشری داشته است . این فرهنگ انسانی چنان ریشه دار و عمیق بوده که هیچیک از حوادث سهمگین تاریخ حتی آنها که سوقتاً اساس حاکمیت و استقلال سیاسی ما را متزلزل کردند نتوانستند این ملت را از انجام مأموریت معنوی بزرگی که در تمام تاریخ بر عهده داشته است باز دارند .

از پیام شاهنشاه بمناسبت سالروز
صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر -
۱۹ دی ۱۳۴۴

آنچه مایه اصلی ادبیات و حکمت ایران است
محبت و پیوستگی است ، و آنچه اساس تاریخ کهنسال
ما است نیز همین توجه عمیق باصول معنویت و اخلاق
است .

ما نه از آن جهت طرفدار تاریخ فرهنگ و تمدن
خود هستیم که سابقه پیروزیها و استیلاهای نظامی نداشته
باشیم ، زیرا تاریخ ما آکنده از این نوع پیروزیها است .
ولی ما افتخار اصلی خویش را آن پیروزیهایی میدانیم که
در طول تاریخ در راه توسعه و تکامل تمدن و فرهنگ
بشری و در راه ترویج علم و هنر و ادب و معنی بدست
آورده ایم . پراچ ترین سپاهیان ما طی هزاران سال آن
مردان و زنانی بوده اند که در تمام تاریخ کهنسال ایران
مشعل دانش و فرهنگ را در برابر تند بادهای حوادث
فروزان نگاه داشتند و آن را درخشانتر و فروزنده تر بنسلهای
دیگر سپردند .

برای ما پیروزی واقعی در احساس همین حقیقت
نهفته است ، زیرا هر استیلای جغرافیائی و نظامی خواه
نا خواه با دوران بازگشت و انحطاطی همراه است ، ولی
این ارزشهای معنوی هیچوقت و با هیچ نیروئی از میان
نمیرود .

ما خوب میدانیم که بیش از آنچه بدیگران
داده ایم از دیگران گرفته ایم . ولی شاید در بازار جهان

این تنها کالائی باشد که دهنده آن نه تنها چیزی از دست
نمیدهد ، بلکه چیز زیادتری نیز بدست میآورد .

از نطق شاهنشاه هنگام گشایش
کنگره جهانی ایران شناسان -
۹ شهریور ۱۳۴۵

یک دانشگاه در نظر من مکان مقدسی است که
آینده جامعه بشریت در آن پی ریزی میشود . دیر زمانی
سر نوشت بشر را عوامل متعدد دیگری بجز علم و دانش
تعیین میکرد . بسیار جنگها و ویرانیها ، بسیار کشتارها
و تخریبتها اتفاق میافتاد که اساس آنها تعصب و خود
خواهی و بی خبری یعنی تمام آن چیزهایی بود که از
جهل و نادانی سرچشمه میگرفت . در طول تاریخ ، بشریت
صدها میلیون نفر از بهترین فرزندان خود را در آستانه معبد
جهل و نادانی قربانی کرد . چرا ؟ زیرا فروغ دانش در تنوالی
قرون جز بتدریج و با دشواری نمیتوانست در تاریکی جهالت
و گمراهی رخنه کند .

از نطق شاهنشاه بمناسبت دریافت
دکترای افتخاری دانشگاه صوفیه -
۱۱ شهریور ۱۳۴۵

باید از ترکیب تمدن مادی و پیشرفته عصر جدید
با اصول و مبانی جاودانی معنویت آن مدنیت و فرهنگی

بوجود آید که جامعه آینده بشری را بسوی کمال رهبری کند.

ما میدانیم که دنیای امروز و بیش از آن جامعه فردای بشر میباید در پرتو پیشرفت خارق العاده علم و صنعت و تکنیک هر روز رفاه و آسایش مادی بیشتری را برای افراد بشری فراهم سازد و هر روز سطح زندگی بالاتری را برای جامعه انسانی تأمین کند. ولی در عین حال بدین حقیقت نیز ایمان داریم که پیشرفت مادی بتنهایی برای تأمین سعادت واقعی جامعه بشری کافی نیست، زیرا روح انسان که عالیتین مظهر تجلی الهی است نیز باید باندازه جسم او سیراب شود، و این امر جز با توجه به معنویات امکان پذیر نیست.

از نطق شاهنشاه بمناسبت دریافت
دکترای افتخاری دانشگاه
پیشاور - ۱۶ اسفند ۱۳۴۰

از دوران اسپراتوری روم تا همین عصر ما لژیونهای بسیاری بخاطر پیروزیهای نظامی پدید آمده اند. بیائید این بار لژیونی بین المللی بوجود آوریم که هدفش پیروزی در پیکار با دشمنان واقعی بشر یعنی با فقر، با جهل، با گرسنگی و با یعدالتی های اجتماعی باشد. بگذارید تاریخ آینده گواهی دهد که نیروی معنوی خدمتگزاران بشر از قدرت هر سپاه و نیروی تخریبی هر اسلحه ای قویتر

و پایدار تر است. بگذارید در دنیای مادی ما آنهاییکه
میخواهند خود را وقف خدمت به بشریت کنند بدور هم گرد
آیند و صدای معنویت را بگوش صد هامیلیون نفر از برادران
و خواهران بی پناه و نومید خود در سر تا سر جهان برسانند.

از نطق شاهنشاه بمناسبت
دریافت دکترای افتخاری
دانشگاه هاروارد - ۲۳ خرداد

۱۳۴۷

هر چند ایران در تمدنی قرون به سلحشوری
معروف بوده است ، ولی امتیازات ما در بسط و نفوذ تمدن
و فرهنگ از شهرت ما در سلحشوری بیشتر است ، زیرا از
لحاظ فرهنگ و تمدن ما ملل غالب را همواره مغلوب
ساخته ایم ، یعنی یا آنها را متمدن کرده و یا تحت تأثیر
تمدن خویش قرار داده ایم . عبارت دیگر اگر هم گاهی
از لحاظ نظامی شکست خورده ایم ، از لحاظ تمدن و فرهنگ
همواره غلبه و پیروزی با ما بوده است .

از کتاب مأموریت برای وطن

امروز سرعت تحولات در جهان بدرجه ای شدید
است که هر اجتماعی ممکن است در کمال سهولت محو
و مستحیل گردد . پیشرفت های شگفت آوری که در این
چند سال اخیر در ایران متجلی است بخاطر این است که ما

در عین آن که از تحولات و ترقیات استقبال میکنیم در حفظ
معنویاتی که ویژه تمدن کهنسال ماست ثابت و استواریم .
از کتاب مأموریت برای وطنم

در کشوری مانند ایران که دارای آنهمه سوابق
تاریخی و سنن باستانی است ، سرعت در انجام تحولات
و تغییرات اساسی و اجتماعی طبعاً با بعضی دشواریها
و مضیقه ها همراه است ، و البته این زحمات و دشواریها
را باید تحمل کرد . اما من هرگز در نظر ندارم که در این
راه میراث گرانبها و پر ارزش باستانی خود را از کف بدهیم .
برعکس اعتماد و اطمینان دارم که بر ذخیره معرفت و تمدن
کهن سال خویش خواهیم افزود ، و حتم دارم که در اثر
پیشرفت های اقتصادی ما ، مذهب و فلسفه و هنر و ادبیات
و علوم و صنایع ظریفه ما نیز تجلیات بزرگتری خواهد یافت
و رفاه و نعمتی که مردم عادی و معمولی از آن برخوردار
خواهند شد آنها را برای نمایش ذوق و هنر خویش مجهزتر
خواهد ساخت .

از کتاب مأموریت برای وطنم

ملت ما هرگز به تبعیضات نژادی و یا مذهبی
یا تفاوت بین رنگ پوست افراد اعتقاد نداشته و برعکس
همواره بمدار او سمشات نسبت به نژادها و مذاهب مختلف

مشهور بوده و کشور خود را مایه ستمدید گانی که ملت دیگر داشته‌اند قرار داده است.

از کتاب مأموریت برای وطنم

نباید فراموش کرد که اوضاع و احوال کشور ما با کشورهای غربی بسیار متفاوت است. ما باید آنچه را از علوم و فنون اروپائی که نیازمندیهای ویژه سرزمین ما را مرتفع سازد اقتباس کنیم ولی در این کار بقریحه ابداعی خود نیز توسل جوئیم. عبارت دیگر باید فنون و علوم باختری را با تمدن خود و تمدن خویش را با علوم و فنون فرهنگی هم‌آهنگ و سازگار کنیم و بدین کیفیت کاری بدیع و تازه انجام دهیم. روزی را می بینم که ملت ایران با سوابق عمده علمی خود در امتزاج و تلفیق تمدن شرق و غرب و مآثر کهن و نوین بتواند مقام رهبری را در جهان احراز کند.

از کتاب مأموریت برای وطنم

اصول عالیه مذهبی و اخلاقی و فکری در طول هزاران سال وجه مشخص فرهنگ اصیل ایران بوده است. ما همواره بیعدالتی و دروغ و کینه و خودخواهی را آثار اهریمنی و نشان تاریکی و پلیدی دانسته و پیوسته روی بجانب عدالت و راستی و محبت و بشردوستی داشته‌ایم، و معتقدیم که جامعه انسانی نیز جز در پرتو این اصول نمیتواند به رستگاری و پیشرفت واقعی برسد.

از کتاب انقلاب سفید

خطوط اصلی سیاست بین المللی ما بر پایه اصول
 مشخص - صلح جوئی صمیمانه ، همزیستی و تفاهم با کلیه
 کشورها و جوامع ، طرفداری از هرگونه کوششی برای
 استقرار و تقویت عدالت اجتماعی چه در سطح ملی و چه در سطح
 بین المللی ، پشتیبانی از هر تلاش جهانی برای تعدیل فاصله
 بین جوامع غنی و فقیر ، همکاری بین المللی در مبارزه
 با بیسوادی و گرسنگی و بیماری و سایر بلایای اجتماعی
 عصر حاضر طراحی شده است ، و براساس همین خطوط اصلی
 است که ما در هر مورد با قاطعیت و بدون تردید و تزلزل
 میدانیم در مسائل مختلف بین المللی چه راهی را باید
 در پیش گیریم و از چه اصول و موازینی باید دفاع کنیم .
 از کتاب انقلاب سفید

ایمان

هر قدر در کشوری قوانین کامل و قضات وظیفه شناس باشند ، باز مادام که ملت پای بند اصول اخلاقی نباشد چنانکه باید بساط عدل و انصاف گسترده نخواهد شد .

من شخصاً یقین دارم که اگر هر فردی بتکالیف اسلامی عمل نماید و قواعد و احکام آنرا محترم شمارد ، هم خود از فوائد آن بهره مند میگردد و هم دیگران را متمتع میسازد ، حق کسی را پایمال نمیکند و دستگیری از ضعیف را شعار خود میداند .

از پیام شاهنشاه بمناسبت جشن
مشروطیت - ۱۴ مرداد ۱۳۲۱

باید روح ایمان و فداکاری را که اولین درس
مکتب اسلام است بفرد فرد مردم این مملکت که تشنه

اصلاحات هستند بنحو احسن آساخت ، زیرا تنها راه ترقی و عظمت هر ملتی مجاهدت و از خود گذشتگی افراد آن ملت است ، و دین مبین اسلام در تمام شئون زندگی این درس بزرگ را بما داده است .

از بیانات شاهنشاه در شرفیایی
هیئت رئیسه مجلسین در سلام
خاص عید فطر - ۲۲ اردیبهشت
۱۳۳۵

حق چیزی است که همیشه و در هر حال بالاخره پیروز است . آنچه ما باید از خداوند درخواست کنیم اینست که همه ما را بر راه حق هدایت کند و بما نیز توفیق آن عطا فرماید که همیشه در آن راه برویم و استقامت داشته باشیم .
از سخنان شاهنشاه در سلام
نوروزی - اول فروردین ۱۳۳۸

باید علاوه بر تعلیمات علمی روحیه مذهبی و نیروی اخلاقی و معنوی شاگردان هم تقویت شود ، زیرا وجود ایمان در جوانان و اطلاع آنها بر حقائق تعالیم اسلامی که متمدنی ترین ادیان جهانست آنها را مسلماً وطن پرست ، امین ، صدیق و پرهیزکار بار میآورد .

من معتقدم که از اول خلقت بشر تا کنون هیچ دینی مثل دین مبین اسلام اینهمه اصول اخلاقی را که

توأم یا فعالیت دنیوی بوده و با ترقیات زمان هم موافق باشد در نظر نگرفته است.

خوشبختانه دین ما با سیر تحولات اجتماعی و سیر تمدن و ترقی بشری موافق و مناسب و منطبق است. حیف است که نونهالان ما از فلسفه و مبانی دین خود اطلاع پیدا نکنند و از کوچکی روح ایمان حقیقی که موجب سعادت واقعی است در آنها پرورش نیابد.

از سخنان شاهنشاه در جلسه
هیئت دولت - ۷ آذر ۱۳۲۹

اگر ملل مختلف مسلمان جهان دور از منافع فردی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و جغرافیائی بر روی اصول و تعلیمات اسلامی با هم نزدیکی و پیوستگی بیشتری پیدا میکردند، نه فقط بحال خود آن مجامع و ممالک مفید میشد، بلکه ممکن بود چنین عاملی در وضع تمام جهان و سالم کردن محیط دنیا نیز تأثیر بخشد.

کوشش همه ما باید این باشد که نه تنها مملکت ما بر طبق اصول عالیه اخلاقی و معنوی دین بین اسلام اداره شود، بلکه انشاء الله در دنیا یک جامعه حقیقی اسلامی بوجود آید و دول و ملل مسلمان صرفنظر از مقتضیات خاص جغرافیائی و سیاسی و اقتصادی خود بصورت اتحادیه‌ای در تحت لوای اصول اسلامی در آیند که وظیفه آن تقویت

بنیاد صلح و حسن تفاهم بین المللی و پیشرفت جامعه بشری
بسوی اصول عالی معنوی باشد .

از سخنان شاهنشاه در سلام عید
- بیعت - ۱۲ دی ۱۳۴۰

ایمان و اعتقاد راسخ من با اصول حقه اسلامی
همواره بزرگترین راهنمای من در خدمت بملت و مملکت
بوده است .

همیشه گفته‌ام و باز هم تکرار میکنم که پیشرفت
واقعی هر کشور مستلزم توجه با اصول معنوی است ، و هر قدر هم
که دنیا در زمینه مادیات ترقی کند بدون معنویت این
ترقی ارزشی ندارد .

از سخنان شاهنشاه در سلام عید
غدیر - ۲ خرداد ۱۳۴۱

اسلام مذهبی است ابدی ، و چیزی که ابدی
باشد مسلماً باید با طبیعت و با ترقی دنیا هماهنگ باشد
و این را ما در تمام احکام اسلام می‌بینیم . هر کسی که
غیر از این تعبیری بکند نفع شخصی خودش را می‌بیند .
این مذهب ابدی ما و این احکام مقدس همواره راهنمای
ما خواهد بود: راهنمای عدالت ، راهنمای مساوات ،
راهنمای پیشرفت و ترقی و کار .

از سخنان شاهنشاه هنگام اعطای
استاد مالکیت کشاورزان قم -
۴ بهمن ۱۳۴۱

یقین داریم هر قدر انقلاب بزرگ ما در راه هدف خود که رستگاری ملت است بیشتر رود در واقع ما بیشتر به دین مبین خود خدمت کرده ایم ، زیرا غیر ممکن است تصور شود که جامعه مرفهی جز برای این اصول بوجود آید . هر قدر افراد با سواد تر و فهمیده تر شوند اصول واقعی دین اسلام را بهتر و عمیقتر درك خواهند کرد ، و بالعکس یقین است که پیروی افراد بیسواد و جاهل از تعالیم دینی پیروی کورکورانه و سطحی بیش نیست .

از سخنان شاهنشاه در سلام عید
مبعث - ۱۱ آذر ۱۳۴۳

اصول انقلاب ششم بهمن ما بیش از هر چیز براساس احکام قرآن کریم بنا شده است . ما چه از لحاظ اعتقاد مذهبی ، چه از نظر احتیاج جامعه و چه بمنظور پیشرفت مملکت و اجتماع سعی میکنیم در ترویج و تقویت اصول واقعی دین اسلام بکوشیم . البته سعی ما این است و سعی همه نیز باید همین باشد که دین ما مطابق آنچه خداوند توسط حضرت رسول اکرم بما ابلاغ فرموده است دست نخورده باقی بماند و خدای نخواستہ وسیله تجارت و معامله بعضی افراد قرار نگیرد .

از سخنان شاهنشاه در سلام عید
غدیر - ۲ اردیبهشت ۱۳۴۴

ما سعی میکنیم در تمام افکار و اقداماتمان از تعالیم عالیه اسلامی الهام بگیریم ، و خوشبختانه برنامه های ما که براساس عدالت اجتماعی و ازین بردن ظلم و امتیازات غیر عادلانه طبقاتی و تمام مظاهر عقب ماندگی روحی و جسمی و فکری و استقرار اصول مساوات و برادری و برابری متکی است در واقع همانا اجرای اصول و موازین عالیه دین مبین اسلام است . بدیهی است وقتیکه در جامعه ای برنامه های اجتماعی و روح فلسفه اداره کننده آن اجتماع و ملت با معتقدات مذهبی و دینی توأم باشد و با آنها تطبیق کند استحكام یک چنین جامعه ای خیلی بیشتر میشود . هر قدر دنیا به سمت ترقیات مادی بیشتر برود . احتیاج جامعه به معنویات زیاد تر میشود و این درست همان وضعی است که در اجتماع ما ملاحظه میشود ، یعنی به همان نسبت که ما در زمینه مادیات و ترقیات صنعتی قرن بیستم جلو میرویم این پیشرفتهای را با معنویات که همانا معتقدات واقعی مذهبی و دینی و اجرای روح و مفهوم تعالیم عالیه اسلامی است تطبیق میدهیم .

از سخنان شاهنشاه در سلام عید

مبعث - ۳۰ آبان ۱۳۴۴

در سایه اصول و مفاهیم اسلام روزگاری فروغ تمدن و فرهنگ اسلامی بر قسمت پهناوری از جهان پرتو افکن گشت ، و اگر امروز نیز روح واقعی این اصول و مفاهیم

راهنمای ما باشد یقیناً پیروی از آنها بار دیگر ملل مسلمان
جهان را بنرفی کامل رهنمون خواهد شد.

از سخنان شاهنشاه در پذیرائی
رسمی از اعلیحضرت پادشاه
عربستان سعودی- ۱۷ آذر ۱۳۴۴

ما احکام اسلام را راهنمای عقیده و فکر و عمل
خود قرار داده ایم و خوشبختانه نتیجه و ثمره این رویه را
بخوبی مشاهده میکنیم. شک نیست که در آینده نیز همواره
راهنمای ما همین تعالیم خواهد بود، زیرا تردید نداریم
که بهترین جوابگوی روحی و حتی مادی دنیای امروزه
همانا تعالیم عالیه اسلامی است.

از سخنان شاهنشاه در سلام عید
مبعث - ۲۰ آبان ۱۳۴۵

- بعقیده من آدمی جز با ایمان و سعی و عمل نه حق
دارد منتظر رحمت و عون الهی باشد و نه لطف خداوندی
شامل کسانی میشود که دست روی دست نهاده منتظر فرج
آسمانی بنشینند. برای آدمی تنها کافی نیست که به مشیت
الهی و تقدیر یزدانی ایمان داشته باشد، بلکه باید در
دوران حیات خود در اجرای آنچه مقدر ازلی خواسته است
سهمی داشته و خدمتی انجام داده باشد.

از کتاب مأسوریت برای وطنم

هر قدر هم پیشرفت سادی درخشان باشد ،
اجتماعی که در آن ایمان مذهبی و اصول معنوی و آزادیهای
فردی و اجتماعی وجود نداشته باشد قابل دوام نیست ،
و تازه در آن لطف و جاذبه‌ای نمیتوان یافت . فکر میکنم
اصولا برخوردار نبودن از لذات معنوی و روحی خود ابتلاء
بزرگی است که برای کمتر جامعه‌ای قابل تحمل است .
از کتاب انقلاب مفید

د مټو کراسی

یک ملت آزاد در قبال سرافرازی و تنعم از نعمت
آزادی تکالیف و وظایفی هم دارد که اگر ادا نکند اساس
آزادیش مختل میشود ، و به تجربه رسیده که هر ملت
آزادی که به مقتضیات آزادی عمل نکرده و به مصالح
و منافع عمومی توجه نشده و از آزادی سوء استفاده کرده
و نفع عموم را فدای اغراض شخصی نموده است زود یادیر
از آزادی حقیقی بی بهره شده و راه مذلت و بندگی سپرده
است .

از پیام شاهنشاه بملت ایران -
۴ آبان ۱۳۲۰

آشنائی ما با اصول آزادی و دموکراسی که لازمه
پیشرفت اجتماعی واقعی است ، تازه نیست . ما از بیست
و پنج قرن پیش با این اصول آشنائی داشته ایم ، زیرا

شاهنشاهی ما که در عصر خود بزرگترین امپراتوری جهان بود ، بر همین اساس آزاد منشی و احترام بمعتقدات و حقوق افراد و ملل بنیاد نهاده شد . برای ما بشر دوستی و همکاری با دیگران در راه ترقی اجتماعی یک سنت ملی چند هزار ساله است ، و اکنون نیز مایه افتخار ماست که به پیروی از سنن دیرینه ملی و بر اساس علاقه بحقوق خود و احترام به حقوق دیگران ، در راهی مثبت یعنی راه ترقی مادی و معنوی با حفظ آزادیهای دموکراتیک پیش میرویم .

از نطق شاهنشاه در خیانت
نخست وزیر سوئد ، در استکهلم -
۲۰ اردیبهشت ۱۳۲۹

مشروطیت با بیکارگی و اتهام و افترا فرق دارد .
مشروطیت مثل هر رژیم دیگری باید منتهای قانون و دیسپلین را داشته باشد و انضباطی که در رژیم مشروطیت هست از هر رژیم دیگری بیشتر است ، برای اینکه این انضباط انضباط قانون است .

از بیانات شاهنشاه در شرفیایی
هیئت رئیسه مجلسین سنا و
شورای ملی - ۱۴ مرداد ۱۳۲۹

مفهوم حکومت مردم بر مردم عملاً همین است که
مردم آنچه را بمصلحت خود تشخیص دهند با دست
خود یا تحت نظارت خویش انجام بدهند . دولت فقط باید

سیاست عالیہ مملکتی یعنی سیاست دفاع و حراست حدود و ثغور و تأمین تمامیت ارضی و سیاسی مملکت و حفظ امنیت داخلی و سیاست‌های عالیہ فرهنگی و اقتصادی و بازرگانی و صنعتی و کشاورزی و راهنمایی عالیہ مردم را برای بهره برداری بیشتر از مملکت اداره کند .

از سخنان شاهنشاه در سلام نوروزی -
اول فروردین ۱۳۴۰

برای تأمین واقعی آن دموکراسی که ما در نظر داریم و عبارتست از حکومت مردم بر مردم ، بعقیده من پایه اصلی باید در دور افتاده ترین دهات مملکت کار گذاشته شود ، یعنی ترقیبی داده شود که در هر دهی مردم بتوانند کدخدای خود را انتخاب کنند و کدخدا با نظارت عمومی احتیاجات مردم را انجام دهد و مردم اگر از کدخدای خود ناراضی باشند بتوانند او را برکنار کنند و همینطور سلسله مراتب بدهات بزرگ و شهر برسد و نمایندگان شهر ها را حقیقتاً مردم انتخاب کنند تا تمام کارها با نظر خودشان انجام بگیرد و هر نوع احتیاجی را که دارند با آنها در میان بگذارند و رفع آنها را از ایشان بخواهند .

از سخنان شاهنشاه در سلام
نوروزی - اول فروردین ۱۳۴۰

مشروطیت واقعی با مشروطیت ظاهری ، و آزادی

واقعی با تظاهر با آزادی طلبی فرق دارد. در تظاهر با آزادی خواهی میتوان مواعید و اصول فریبنده درخشانی را مطرح کرد و سرابها را بجای آب در نظرها جلوه گر ساخت، ولی دموکراسی حقیقی آنطور که در کشورهای واقعاً دموکرات جهان میتوان دید بیش از هر چیز متکی به انضباط و قیودی است که از هر انضباط دیگر سخت تر است، زیرا حفظ هر قانون و هر آزادی جز با رعایت و اجرای کامل اصول آن میسر نیست و دفاع از حقوق مشروع فردی و اجتماعی مستلزم آن است که بهمین حقوق در نزد دیگران نیز احترام گذاشته شود. معنی مشروطیت دروغ و عوام فریبی و تزویر یا آن آزادی که بزیان آزادی دیگران تمام شود نیست. هر ملتی که بخواهد واقعاً از نعمت دموکراسی بر خوردار گردد سپاید عملاً خود را شایسته حفظ اصول این دموکراسی نشان دهد، وگرنه تظاهر بمشروطه طلبی و آزادیخواهی بدون مسئولیت و بدون واقع بینی کار آسانی است، منتها جز زیان چیزی از آن عاید نمیکردد. باید همه افراد ملت ایران بدانند که آزادی عبارت از لگام گسیختگی و هرج و مرج نیست. آزادی فقط توأم با مسئولیت و احترام با آزادی همه امکان دارد.

از پیام شاهنشاه بمناسبت جشن
مشروطیت ایران - ۱۴ مرداد
۱۳۴۰

یک مملکت آزاد چه معنی دارد ؟ معنی مملکت

آزاد فقط این نیست که از مداخلات دیگران مصون باشد و به آنها اجازه مداخله ندهد. چه اهمیتی و چه ارزشی دارد اگر انسان از مداخلات خارجی آزاد باشد، ولی خودش برای خودش و در داخله مملکت خودش آزاد نباشد؟

از سخنان شاهنشاه در ساری،
هنگام اعطای اسناد مالکیت
روستائیان مازندران - ۱۵ دی
۱۳۴۱

در هر جامعه رشد کرده‌ای قوام و بقای اصول دموکراسی قبل از هر چیز مستلزم آن است که خود مردم نگاهبان و مدافع صمیمی این اصول باشند و در هر حال و هر موقعیتی منافع ملی و عمومی را با فوق مصالح و تمایلات شخص خویش قرار دهند، زیرا منافع واقعی یک ملت فقط وقتی تأمین میشود که به اغراض خصوصی امکان اخلاص در تأمین منافع اجتماع داده نشود.

اصولی که در شصت سال پیش از این مشروطیت ایران بر اساس آنها بوجود آمد هر چند برای تأمین دموکراسی در کشور ما لازم بود، ولی کافی نبود، زیرا برای اینکه این دموکراسی بصورت کامل آن تأمین شود میبایست آزادیهای قانون اساسی با اجرای اصول عدالت اجتماعی تکمیل گردد و تبعیضها و بی عدالتیهای که در این مورد وجود داشت از میان برود.

مشروطیت واقعی وقتی تأمین میشود که عموم مردم کشور بتوانند از مواهب آن استفاده کنند ، نه اینکه فقط اقلیت محدودی امکان استفاده از آنرا داشته باشند .

از پیام شاهنشاه بمناسبت جشن
مشروطیت ایران - ۱۴ مرداد

۱۳۴۴

ما ایرانیان باید خواهان پیشرفت سریع در وصول به هدف دموکراسی باشیم ، ولی در عین حال نباید از نظر دور بداریم که وصول به دموکراسی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی نیازمند گذشت زمان و تربیت و تعلیم عقلی و منطقی مردم و تطبیق خواسته های افراد است و این کار احتیاج به توجه به ارزش اخلاقی و حس وفاداری افراد و اجتماعات دارد . از اینها مهمتر آنست که افراد کشور بهمکاری و معاضدت با یکدیگر بیش از پیش معتقد و آشنا باشند .

از کتاب مأموریت برای وطنم

امانت و درستی از شرایط مهم خدمتگزاران دموکراسی است ، و همه کس از آنها که وارد سیاست هستند تا کارمندان دولت باید بر نفس خویش غالب آمده بفریب دادن مردم یا گمراه ساختن آنها نپردازند . در یک چنین حکومتی باید از مراقبت و مواظبت دائم دریغ نورزید .

و هر گونه غفلت سیاسی یا اداری یا دورویی و مسامحه را
بدون ترس مجازات کرد.

از کتاب مأموریت برای وطنم

دموکراسی را نمیتوان بهمان کیفیت که یخچال
برقی را بکار میاندازند و هر وقت بخواهند آنرا روشن یا
خاموش میکنند در جامعه مورد عمل قرار داد. برای آنکه
این نحو حکومت بشکل مؤثری صورت اجرا پیدا کند بصیرت
و هوشیاری بسیار لازم است.

از کتاب مأموریت برای وطنم

وقتی تمدن و هنر جدید را از روی کمال هوشیاری
اقتباس و آنچه را برای ما ضرور است انتخاب کنیم بههدف
نهائی خود که دموکراسی حقیقی و سعادت عمومی است
نزدیکتر خواهیم شد. برای وصول باین هدف هر مرارتی
را میتوان با مسرت خاطر تحمل نمود.

از کتاب مأموریت برای وطنم

مردم این کشور و هر کشور دیگر باید از هر گونه
آزادی جز آزادی در خیانت بکشور برخوردار باشند.

بعقیده من همانقدر که باید در برابر سازمان های
مخرب شدت عمل بهخرج داد در مورد کسانی که نظر شخصی
خویش را باستظهار آزادی ابراز میدارند ملایمت و نرمی
ضرور است، و اطمینان دارم که در میان ملت هائی که از

نعمت آزادی برخوردارند اتخاذ چنین رویه در طول زمان به مصلحت عموم خواهد بود ، زیرا بدینوسیله نه تنها کشور از مفاسد منزه و مصفا خواهد شد بلکه موجب آن میشود که معایب و نواقصی نیز که نیازمند اصلاح است آشکار گردد .
از کتاب مأموریت برای وطن

یک دموکراسی سیاسی نمیتواند مفهومی داشته باشد مگر آنکه با دموکراسی اقتصادی تکمیل شود .
در این اقتصاد دموکراتیک هیچگونه عامل استثمار نباید دخالت داشته باشد ، خواه این استثمار بوسیله شخص یا بوسیله دولت و خواه توسط دسته‌ای که مدافع یک اقلیت یا یکی از طبقات اجتماع باشند انجام پذیرد .

از کتاب انقلاب سفید

در دنیای ما دیگر حقوق سیاسی بدون حقوق اجتماعی ، عدالت قضائی بدون عدالت اجتماعی ، دموکراسی سیاسی بدون دموکراسی اقتصادی ، مفهوم واقعی ندارد .
اجرای اصول عدالت واقعی ، یعنی عدالت قضائی توأم با عدالت اجتماعی و حقوق سیاسی همراه با حقوق اجتماعی و دموکراسی سیاسی توأم با دموکراسی اقتصادی ، امروزه نه تنها وظیفه ملی دولتها و حکومتها است ، بلکه هدیه‌ای است که هر حکومتی میباید به جامعه بشری و به صلح جهانی بدهد .

از کتاب انقلاب سفید

عدالت اجتماعی

نفعی که از زیان بدیگری حاصل میشود حرام است . برشدن شکمی که حاصل آن گرسنه ماندن سایرین باشد در حکم قتل نفس است . انباشتن کیسه معدودی که نتیجه اش تهی ساختن کیسه هزاران فرد دیگر باشد مخالف عقل و انصاف و صرف وحشیگری است . محکوم کردن بیگناه مظلوم بزرگترین عامل خرابی کشور است .

از پیام شاهنشاه به ملت ایران
 . بمناسبت جشن مشروطیت .

۱۴ مرداد ۱۳۲۱

ما در عصر و زمانی زندگانی میکنیم که سیر تمدن دنیا در حیات اجتماعی نزدیکی بیشتری را بین افراد ایجاد مینماید ، یعنی باید راحت و سعادت در برابر زحمت و رنج عاید عده بیشتری شود و اصولی برقرار گردد که ثروتی

که از دسترنج مردم حاصل میشود بغراخور استحقاق همه
از آن بهره‌مند بشوند .

از پیام نوروزی شاهنشاه - اول
فروردین ۱۳۲۲

منابع ثروت باید بکار افتد و ثروت کشور بطریق
عادلانه تقسیم گردد و همه مردم از آن بهره‌مند گردند ،
نه اینکه ثروت در بین طبقاتی از مردم تمرکز داده شود .
اولین قدم برای اصلاح حال جامعه عدالت معنوی است ،
و در سایه این عدالت میتوان عدالت اجتماعی بوجود آورد
و قوانین مفید وضع کرد تا بوسیله اجرای آنها مردم بتوانند
در رفاه و آسایش بسر برند و راه تکامل را پیمایند .

از سخنان شاهنشاه در ضیافت
انظار وزارت دربار شاهنشاهی -
۲۰ شهریور ۱۳۲۳

از اموری که باید حتماً بآن متوجه باشیم اینست که
برای فرد فرد افراد این ملت حداقل پوشاک و خوراک و منزل
را تأمین نموده و بهداشت و فرهنگ را برای همه تعلیم
داده و در دسترس کلیه افراد بطور تساوی بگذاریم . این

پنج چیز از اصول حتمیه و اولیه زندگانی یک ملت بوده
و خواهد بود.

از سخنان شاهنشاه در شرفیابی
نمایندگان مجلس شورای ملی
بمناسبت جشن مشروطیت - ۱۴
مرداد ۱۳۲۴

چگونه میتوان تحمل کرد که اکثریت زیادی
از ساکنین این کشور لباس و غذای کافی نداشته باشند
و عمری را با رنج و سختی بگذرانند ؟ اگر در مملکت
قوانینی برای رنجبران و ناتوانان وجود دارد باید کاملاً
بمورد اجرا درآید ، و اگر نیست یا ناقص است باید مقرراتی
راجع باصلاح امور اقتصادی و ایجاد کار و امنیت وضع
و بمورد اجرا گذاشته شود . رعایت احوال ضعیفاً و مستمندان
و تهیه قانونی برای آنها و ایجاد حس یگانگی در میان
مردم که در پیشرفت این مقررات فداکاری نمایند از واجبات
است .

از پیام نوروزی شاهنشاه - اول
فروردین ۱۳۲۷

باید اصلاحات لازم بوسیله وضع قوانین اجتماعی
و شناختن حقوق همه افراد مملکت و دقت و نظارت کامل
در اجرای قوانین مفید که در بهبود حال مردم مؤثر باشد
شروع گردد ، والا اگر بنا شود ما دست باستخراج منابع

ثروت خود بزنیم و کارهای سولد ثروت انجام بشود اما
قوانین اجتماعی ما مفید بحال مردم نباشد باز نتیجه همان
است که ثروت دردست یک عده تمرکز پیدا میکند، و این
نتیجه اصلاحی نیست.

از سخنان شاهنشاه در شرفیابی
نمایندگان مجلس شورای ملی -
۱۰ شهریور ۱۳۲۷

من همیشه بشما توصیه کرده‌ام که بیشتر توجه
خود را بخارج از مرکز و شهرستانهای بزرگ معطوف بدارید .
اکنون هم همین توصیه را تکرار میکنم . سازمان باید بفکر
مردمان دور افتاده قصبیات و دهات باشد ، زیرا برای شهرها
بالاخره روزی اقداماتی انجام خواهد گرفت ، ولی هیچکس
بفکر مردم دور افتاده نیست . فریاد مردم را کسی نمیشنود
و من میخواهم که سازمان بداد این قبیل اشخاص برسد .

از سخنان شاهنشاه در شرفیابی
هیئت مدیره سازمان شاهنشاهی
خدمات اجتماعی - ۲۸ مهر
۱۳۲۷

من با اینکه پادشاه هستم و باید نظر تساوی نسبت
نسبت به عموم طبقات ملت داشته باشم ، و البته این
رعایت را خواهم داشت ، مع هذا میخواهم نظر خود را
بخصوص بطبقه سوم معطوف دارم و نسبت بطبقه اول

با حفظ رعایت کامل تساوی ولی بدون توجه با امتیازاتی ،
پدرانه خشونت داشته باشم تا با توفیق خداوند وضع توده
مردم این سامان بهبود یابد .

از سخنان شاهنشاه در سلام چهارم
آبان - ۴ آبان ۱۳۲۸

ما گذشته‌ای پرافتخار داریم که بان مباحثات میکنیم ،
ولی این کافی نیست . بایستی کاری کنیم که جامعه
خود مخصوصاً طبقات محروم آنرا از زندگانی شایسته‌ای
برخوردار نمائیم . در ایران اقلیت کوچکی زندگانی باجملی
دارند ، درحالیکه اکثریت مردم از وسایل زندگانی محروم
هستند و مثل آنست که این عده محدود نمیخواهند بسایرین
مجال فعالیت بدهند . مبارزه حقیقی من علیه کسانی است
که مانع اصلاحات هستند ، تا در ایران وضعی بوجود آید
که کار بکاردان سپرده شود و افراد لایق بتوانند زمینه‌ای
برای فعالیت بدست آورند . من با سرمایه‌داری و ثروت
مخالف نیستم ، ولی با این که سرمایه در دست عده محدودی
بدون استفاده دیگران متمرکز گردد مخالفم ، و نمیخواهم
اقلیت معدودی بقیمت فقر و بدبختی اکثریت افراد ایران
متمعن و سرمایه دار شوند و در حقیقت سعادت آنها از راه
نابودی دیگران تأمین گردد .

از بیانات شاهنشاه در شرفیایی
ایرانیان مقیم امریکا - ۲۹ آبان
۱۳۲۸

شرط اصلی سعادت افراد جامعه دارا بودن عدالت اجتماعی است ، و بدون آن شخص هر قدری نیاز باشد باز سعادت‌مند نخواهد بود . عدالت اجتماعی وقتی تأمین میشود که افراد جامعه مثل افراد یک خانواده از خود خواهی و خود پرستی برکنار باشند و رفاه و آسایش دیگری را جزء لاینفک سعادت خود فرض نمایند و با فداکاری منافع جمعی را به منافع فردی ترجیح دهند .

از پیام نوروزی شاهنشاه - اول
فروردین ۱۳۲۱

این حقیقت را بدون پرده پوشی میگویم که این مملکت برخلاف گذشته تعلق بیک دسته مخصوص ندارد و ما میدان را برای همه طبقات باز گذاشته ایم .
ما همه چیز را برای همه میخواهیم و در اجرای عدالت اجتماعی همواره کوشش داریم .

از بیانات شاهنشاه در جلسه هیئت
دولت - ۲۲ شهریور ۱۳۳۸

ایران از لحاظ طبیعی و صنعتی و کشاورزی یکی از غنی‌ترین ممالک دنیا است . اما برای نسل فعلی تنها داشتن ثروت کافی نیست . ما جامعه‌ای میخواهیم که برپایه شرافت و وجدان و عدالت اجتماعی و لیاقت بنا شده

باشد . ما نمیخواهیم در مملکت ایران فقط عده‌ای ثروتمند
باشوند ، زیرا این ثروت خدادادی ایران برای همه است .

از بیانات شاهنشاه در شرفیابی
دانشجویان ایرانی در آتریش -
اول خرداد ۱۳۳۹

اساس سیاست ما بر پایه گسترش ثروت طبیعی
در اسرع اوقات و در عین حال تقسیم عادلانه این ثروتها
بین عده زیادی از مردم کشور و در میان آنهاست که میخواهند
شرافتمندانه کار کنند استوار است . منابع ثروت طبیعی
ما عظیم است و برای تقسیم این ثروت باید به اقدامات
اجتماعی دست زد ، و من اطمینان میدهم که کلیه اقدامات
لازم را در این زمینه بعمل خواهیم آورد .

از سخنان شاهنشاه در باشگاه
روزنامه نگاران فرانسه - ۲۶
مهر ۱۳۴۰

اعتقاد راسخ من آنرا از بدو سلطنت خودم
همواره و در هر فرصت مساعد گوشزد کرده‌ام اینست که
بدون قدرت کامل دستگاه قضائی یک کشور هیچ پیشرفت
واقعی استوار در آن کشور اسکان پذیر نیست . ولی من
علاوه بر این بدین حقیقت نیز همواره اعتقاد داشته‌ام و دارم
که عدالت قضائی میباید با عدالت اجتماعی تکمیل گردد ،

زیرا، مخصوصاً در عصر ما که حقوق بشری بصورت اصل
لایتجزای جامعه نوین در آمده است تفکیک این دو از
یکدیگر عملی نیست .

از نطق شاهنشاه در دیوان عالی
برزیل - ۱۵ اردیبهشت ۱۳۴۴

عدالت اجتماعی در هر نقطه از جهان که برقرار
شود به صلاح گیتی کمک میکند . من قبول دارم که باید
به پیشرفتهای مادی دست یافت ، اما این پیشرفت اگر
بر اساس عدالت اجتماعی استوار نباشد بصورت یک خطر
بزرگ در خواهد آمد .

از نطق شاهنشاه بمناسبت
دریافت دکترای افتخاری
دانشگاه برزیل، در ریودوژانیرو-
۱۷ اردیبهشت ۱۳۴۴

در تاریخ بشری کشورهایی موفق بوده‌اند که
بهمصالح اجتماعی توجه بیشتری داشته‌اند . البته بموازات
عدل و مساوات و برابری همه افراد در برابر قوانین و مقررات
باید عدالت اجتماعی نیز اجرا شود .

امروز فقر و بیماری اگر هم توسط دادگاههای
بشری محکوم نشود مسلماً در دادگاه عدل الهی و تمدن

محکوم است. عدالت اجتماعی باید بموازات عدالت محاکم
و دادگاهها اجرا شود.

از نطق شاهنشاه در دیوان عالی
آرژانتین - ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۴

جهل و بیماری و گرسنگی از هم جدا نیستند ،
و وجود هر یک از آنها دو عامل دیگر را نیز به همراه می آورد .
تازمانیکه این نیروهای مخرب وجود داشته باشند به پیشرفت
واقعی جامعه بشری و بصلاح بایدار امیدوار نمیتوان بود .

از بهام شاهنشاه بمناسبت بیستین
سالگرد تأسیس سازمان جهانی
خواربار و کشاورزی در شهر رم -
۵ آذر ۱۳۴۴

امروزه پیروزی واقعی ملتها در درجه موفقیت آنها
در غلبه بر فقر و جهل و بیماری ، غلبه بر بیعدالتیهای
قضائی و اجتماعی ، در تأمین دانش و سطح زندگی
اقتصادی بهتر و رفاه و عدالت اجتماعی زیادتری برای
افراد نهفته است . جنگ واقعی امروزه عالم بشریت ، جهاد
انسانها برای از میان بردن تبعیضها و بیعدالتیهای اجتماعی
و جدائیها و خود خواهیهای است که جوامع مختلف
خانواده بشری را دور از یکدیگر نگاه میدارد ، یا بخاطر
اصولی نامعقول آنها را بجان همدیگر میاندازد .

از نطق شاهنشاه هنگام گشایش
کنگره جهانی ایران شناسان -
۹ شهریور ۱۳۴۵

در جامعه امروزی جهان دیگر استقرار اصول و موازن حقوقی هر چند که کاملاً لازم است ولی کافی نیست. ممکن است مطالعات حقوقی هر روز بیشتر جزئیات و ریزه کاریهای قانونی را دربرگیرد و روشن کند، و ممکن است حاصل این مطالعات حقوقی با بهترین و کاملترین دستگاههای قضائی جهان بمعرض تحقق درآید. با این همه این حاکمیت موازن حقوقی بتنهائی نمیتواند نه کلیه مشکلات موجود جامعه بشری را حل کند و نه خردشعبی و رفاه واقعی توده های عظیم انسانی را تأمین نماید. حتی نمیتواند عدالت را نیز بمفهوم واقعی و کامل آن درجهان برقرار سازد، زیرا عدالت قضائی تا وقتی که با عدالت اجتماعی تکمیل نشده باشد کامل نیست.

عدالت قضائی میباید از هر جهت منطبق با عدالت اجتماعی باشد تا بتواند مفهوم واقعی عدالت را تحقق بخشد. تا وقتی که جامعه بشری بر اصل عدم برخورداری مساوی از حقوق و مواهب طبیعی و انسانی، بر اصل استعمار یا استثمار، بر اصل فقر و گرسنگی و جهل و بیسوادی متکی باشد، تمام مطالعات حقوقی و تمام کوششهایی که برای حاکمیت نتیجه این مطالعات بعمل آید ناقص و عبث خواهد بود.

از نطق شاهنشاه بمناسبت
دریانت دکترای افتخاری
دانشگاه صوفیه - ۱۱ شهریور

۱۳۴۵

در دنیای اسروزی ما جوامع پیشرفته‌ای هستند که
در عین برخورداری از کلیه سواهب مادی از عدالت
اجتماعی بمعنای واقعی برخوردار نیستند . این واقعیت
برای ما قابل قبول نیست ، همچنانکه قابل قبول نیست که
جامعه‌ای بخواهد فقط بر اساس معنویات و بدون توجه
به الزامات مادی زندگی کند .

از نطق شاهنشاه بمناسبت
دریافت دکترای افتخاری
دانشگاه پیشاور - ۱۶ اسفند
۱۳۴۵

من نمیتوانم اجتماعی را تحمل کنم که افراد آن
در جهل و بیسوادی اصرار حیات کنند و قدرت تولیدشان
کم باشد ، و در این جهان که همه کس برای ترقی
و پیشرفت در تلاش است از خود جنبش و کوشش نشان
ندهند .

در نظر من از این وضع غیر قابل تحمل تر وضع
آن اجتماعی است که قدرت تولید دارد ولی در زیر فشار
و تعدی بکار مشغول است .

از کتاب مأموریت برای وطنم

تازمانی که ثروت بطور عادلانه‌ای بین افراد جامعه
توزیع نگردد ، فراوانی آن اهمیت ندارد . اگر میبایست

تمام فعالیتها و بهره برداریها از منابع طبیعی و انسانی
 مملکت، فقط افزایش منافع عده معدودی را در برداشته
 باشد، این کار هیچ منفی برای ملت واقعی ایران نداشت
 و در واقع کوشش بیفایده‌ای بود. آن نظم اجتماعی که
 در طول قرون متمادی برقرار شده بود و در آن وجود
 امتیازات و تبعیضهای طبقاتی امری کمابیش طبیعی شمرده
 میشد با پیشرفت آموزش و رشد فکری و اجتماعی افراد
 امروز دیگر بهیچوجه قابل قبول نیست. انقلابات مانیز بر
 این اصل کلی تکیه داشت که هر نوع آثار استثمار و هر
 وضعی که فقط بنفع یک اقلیت محدود و بزیان اکثریت
 باشد از میان برود.

از کتاب انقلاب سفید

ضرورت استقرار عدالت اجتماعی نه تنها در کشورهای
 در حال توسعه احساس میشود، بلکه تا حد زیادی در
 کشورهای پیشرفته نیز صادق است، زیرا در بسیاری از
 این کشورها با آنکه پیشرفتهای اقتصادی وضع رضایت
 بخشی دارد، عدالت اجتماعی چنانکه باید حکمفرما نیست.
 از کتاب انقلاب سفید

صلى

یکی از بزرگترین خصوصیات ایران همانا توجه
این کشور به صلح است. علاقه و تأکید به صلح از سطور
منظومه‌های حماسی ما می‌چکد و ادبیات ما از آن لبریز است.
این فکر که دنیا یکی است و حیات هر فرد جزء ارجمندی
در هستی مطلق کیهان بزرگ است از فکرهای ویژه سرزمین
ما است.

از سخنان شاهنشاه در پاسخ
بیانات وزیر امور خارجه امریکا،
درواشنگتن - ۲۶ آبان ۱۳۲۸

در تاریخ بشر واقعی بوده است ، و هنوز هم
اثری از آن هست ، که ملل جز خود پرستی و پیروزی
از امیال خویش فکر دیگری نداشته‌اند . آنچه را که
از خودشان نبوده خارجی و دشمن میدانسته‌اند و روابط

خویش را با کشورهای خارجی هم بر روی همین اصول
قرار میداده‌اند.

ولی ما اکنون در دوره دیگری زندگی میکنیم.
امروزه بهترین متفکرین بشر بر این عقیده‌اند که ملل باید
روابط خود را بر اصول حسن تفاهم و علائق فرهنگی
و اقتصادی و خیرخواهی پایه‌گذاری کنند. من از طرف
کشور و ملت ایران میتوانم بگویم که ما حاضریم فقط
در تحصیل صلح جهانی با دیگران رقابت کنیم، البته صلحی
که در اثر همکاری و هم‌چشمی عادلانه و حسن تفاهم
بین ملتها تأمین گردد.

از نطق شاهنشاه در انجمن روابط
خارجی اسرکا - اول آذر ۱۳۲۸

تمام عقاید و نظریات فلسفی که جزو میراث حی
و حاضر ایران است، و سطور ادبیات بزرگ کشور ما،
از سخن صلح و صفا لبریز است و این نکته یکی از اصول
هستی و حیات ملی ما است.

اگر صلح نباشد مساعی ملل کوچک در بالا بردن
سطح زندگانی و عدالت اجتماعی پیشرفت نخواهد کرد،
وضع بازرگانی نا معلوم و دانش و هنر بی اعتبار و حتی
دقیق‌ترین مناسبات انسانی یعنی روابط میان زن و شوهر
و پدر و فرزند آمیخته با ترس و هراس خواهد بود.

اگر صلح باشد هرچیزی ممکن است ، و اگر نباشد هیچ چیز را دوام و ثباتی نیست .

بگذارید ملل گیتی از خرد و بزرگ فقط در پهنه اعمالی که از صلح و صفا سر چشمه میگیرد با یکدیگر رقابت کنند . تا آن روز نیاید انسانیت از ترس آسودگی نخواهد داشت و از زندگی در جهان تابناک و آکنده از شادمانی بهره نخواهد برد .

از نطق شاهنشاه در مجمع عمومی
سازمان ملل متحد - اول آذر

۱۳۲۸

صلح را تنها با خیال بافی و مجامله و جمله پردازی نمیتوان حفظ کرد . حفظ صلح فقط بوسیله تقابل مسئولیت های معنوی و مادی ناشیه از آن امکان دارد ، زیرا وقتی کسی از این مسئولیت فرار میکند طبعاً مسئول متزلزل شدن پایه و مبنای صلح خواهد بود .

انجام این وظیفه و مسئولیت معنوی و مادی با تصمیم باطنی ناشی از قدرت معنوی و بهبود اقتصادی مربوط است . این حقیقت در باره افراد و ملل یکسان صدق میکند . جامعه ای که فاقد قدرت معنوی و اخلاقی باشد بسختی میتواند احترام خود را حفظ کند و در صیانت صلح و آرامش جهان مؤثر باشد . تثبیت وضع اقتصادی ملل راه اتحاد و شخصیت آنانرا محکم نموده و بتمدن و فرهنگ

جهان کمک میکند ، زیرا ایمان راسخ حتی کوهها را هم میتواند از جای حرکت دهد ، مشروط بر اینکه با یک مقصود اجتماعی مربوط باشد . تثبیت اقتصادی ، نیروی اخلاقی و سیاست لازم و ملزوم یکدیگرند ، و درحقیقت سنگ بنای صلح پایدار و دوام تمدن میباشند . اینها هدفهای توانائی هستند که باید مشترکاً دنبال شوند .

فقط مللی که آماده جانفشانی و فداکاری شده باشند قادر خواهند بود که بدین پایه برسند . هنگامیکه نیروهای اخلاقی و اقتصادی سلل صلحدوست تثبیت شود هیچ قدرتی نمیتواند ارکان ایدآلهای مشترک و وحدت آنها را متزلزل سازد .

از نطق شاهنشاه بمناسبت
دریافت دکترای افتخاری
دانشگاه کلمبیا - ۱۵ بهمن

۱۳۳۳

ما برای سیهن خود و برای اهل عالم آرزوی صلح و آسایش داریم ، و از خداوند قادر مسئلت میکنیم دراین موقع که تمدن و بقای بشری بخطر افتاده روح شفقت و انسان دوستی را در خاطر زمامداران دول برانگیزد و مدار فکرشان را بر خویشتن داری و خرد استوار نماید .

از نطق شاهنشاه هنگام گشایش
نهمین دوره مجلس سنا - ۱۴ مهر

۱۳۳۷

اساس پیشرفت ایران مانند همه ممالک دیگر
باید صلح باشد . سراسر ادبیات بزرگ و وسیع ما مملو
از اشاره به اهمیت صلح است . فوائد صلح همه جا در آثار
هنری و در اصول فلسفی که قسمتی از اصول اخلاقی ما
را تشکیل میدهد نشان داده شده است . عشق به صلح از
احساسات زنده در قلوب همه ایرانیان است .

از نطق شاهنشاه در یاشگاه
مطبوعات امریکا - اول آذر

۱۳۲۸

صلح موضوع غیر قابل تجزیه ای است ، و بهمین
دلیل بهبود روابط بین المللی نیز غیر قابل تجزیه میباشد .
اگر فشار مخالف از یک نقطه بنقطه دیگر منتقل شود وجود
آرامش در یک نقطه جهان را نمیتوان بوجود صلح تعبیر کرد .
برای این که صلح در تمام جهان وجود داشته باشد ،
میباید همه جا از نعمت آرامش برخوردار باشد .

از مصاحبه شاهنشاه با نماینده
تلویزیون انگلستان - اول تیر

۱۳۳۹

برای رسیدن به صلح پایدار باید به فداکاریهای
تن داد ، ولی بعقیده ما برای نیل باین ایده آل فدا کاری
ماهر اندازه هم مهم باشد ارزش دارد ، زیرا تنها در سایه

صلح می‌توانیم از مزایای تمدن جدید بهره مند شویم. تنها چیزی که ممکن است در سایه آن صلح بدست آید وجود حسن نیت کامل بین دولتها است.

از سخنان شاهنشاه در باشگاه
روزنامه نگاران فرانسه - ۲۶ مهر

۱۳۴۰

... تشکیل یک نیروی دائمی برای سازمان ملل نه تنها بعنوان وسیله‌ای برای حفظ صلح بلکه بعنوان وسیله‌ای جهت توسعه و اشاعه فرهنگ نیز ضروری است. ما در کشور خود این هدف را در سطح محدودتری با ایجاد سپاه دانش ایران تأمین کرده‌ایم.

استفاده بی‌سابقه از ارتش بعنوان وسیله آموزش در حقیقت وسیله‌ای برای استقرار صلح و خدشت حقیقی به صلح و تعمیم آن است. نسل جوان کشور من که عهده‌دار این وظیفه شده با آغوش باز از آن استقبال کرده است. از این تجربه می‌توان بعنوان یک سرمشق برای تعیین وظایف نیروی بین‌المللی استفاده کرد. بدین ترتیب است که می‌توان افراد کشورهای مختلف جهان را با انضباط صلح بجای انضباط جنگی آشنا ساخت و احساس همدردی و همبستگی نسبت به یکدیگر و نسبت به مردم سراسر جهان را در آنان بوجود آورد. من پیشنهاد می‌کنم که سازمان ملل متحد برای آموزش عمومی و مداوم نیروی صلح طرحی

را تنظیم و اجرا کنند . ما از چنین طرحی با کمال میل پشتیبانی خواهیم کرد و تا آنجا که بتوانیم از دادن کمک ملی و کادر آموزشی دریغ نخواهیم ورزید .

از نطق شاهنشاه بمناسبت
دریافت دکترای افتخاری
دانشگاه نیویورک - ۲۰ خرداد

۱۳۴۳

روزگاری بود که جنگ برای زورسندان جنبه یک تفریح گران قیمت ولی هیجان انگیز ، و برای ملل و کشورهای ضعیف صورت بلائی را در ردیف سایر بلایا داشت که میبایست خواه نا خواه و هر چند یکبار تن بقبول آن در دهند . ولی امروز دیگر جنگ تنهاییک تفنن نامطلوب و بیمارانه نیست . روزگاری ممکن بود همانطور که همه ما در تاریخ خوانده ایم دنیا شاهد جنگهای هفت ساله و سی ساله و صد ساله باشد ، ولی امروز شاید حتی تصور جنگ چند روزه را هم نتوان کرد ، و اصولا از کجا معلوم است که بعد از چنین جنگی مورخی باقی بماند تا طول مدت آن را در تاریخی ثبت کند ؟

از پیام شاهنشاه به کنفرانس
صلح جهانی از راه قانون ،
در واشنگتن - ۶ مهر ۱۳۴۴

منظور از صلحی که همه طالب آنند چه نوع صلحی

است ؟ این پرسش جنبه مباحثه لفظی ندارد ، زیرا آنکه شیفته آزادی است حاضر نیست صلح را بهر قیمت که باشد بدست آورد . مثلاً حبس و زندان خود یک نحو صلح و آرامش است و حتی بعضی از زندانیان بوده‌اند که هیچگونه علاقه‌ای به بیرون آمدن از زندان نداشته‌اند . همچنین با تصفیه و شستشوی مغز چنانکه در روان شناسی معمول است ممکن است در بیمار روانی آرامش و سکونی بوجود آید ، ولی بنظر من آنچه مطلوب واقعی مردم روشنفکر است عبارت از صلح با ثمر و خلاق است که در پرتو آن مردم گیتی و ملل متنوع بتوانند استعداد های خود را بعد کمال بمنصه بروز و ظهور برسانند .

از کتاب مأموریت برای وطنم

آرزوی فرارسیدن آن روزی را دارم که هیچ کشوری دیگر احتیاج پیدا نکند که برای مقابله با تجاوز از خود نیروی دفاعی داشته باشد ، بلکه سازمان ملل متحد یا یک مقام صاحب اقتدار بین المللی دیگر مسئولیت حفظ صلح و امنیت و نظم بین المللی را بعهده بگیرد ، و همانطور که امروز هر فرد از افراد یک کشور برای حفظ امنیت داخلی به دولت خود متکی است در آینده هر کشوری برای نگاهداری صلح بین المللی بیک حکومت جهانی تکیه داشته باشد . در آن روز بدون اینکه هر کشوری

از خود دارای نیروی زمینی و دریائی و هوائی باشد مردم جهان از خطر تجاوز آسوده خواهند بود و احساس ایمنی خواهند کرد . اما برای پدیدار شدن طلعه یک چنین روز با سعادتی گذشت مدتها زمان ضرور است .

از کتاب مأموریت برای وطنم

در تاریخ گذشته جهان با دوره‌هایی مواجه میشویم که قدرت و نفوذ نظامی و سیاسی یک کشور بزرگ در ادواری نسبتاً کوتاه یا طولانی ضامن استقرار صلح در قسمتهای پهناوری از جهان بوده است . ولی امروزه دیگر فقط یک صلح میتواند وجود داشته باشد ، و آن صلح جهانی است . چنین صلحی قبل از هر چیز نه به قدرت نظامی دولتها ، بلکه به تأمین حقوق افراد و جوامع جهانی وابسته است .

از کتاب انقلاب سفید

امروز دنیای ما احتیاج مبرم به انواع تعدیلات و اصلاحات اساسی در همه شئون خویش دارد ، و تا وقتی که جامعه بشری بصورت یک جامعه هم‌آهنگ و یکپارچه در نیامده باشد و تبعیضات و اختلافات فاحش کنونی در این جامعه از میان نرفته باشد ، این الزام بحال خود باقی خواهد بود ، و خواه ناخواه آثار آن بصورت تشنج‌های بین‌المللی ، انقلابها ، کودتاها ، ترورها ، جنگهای سرد و

گرم، و مسابقه‌های کمرشکن تسلیحاتی در گوشه و کنار جهان بروز خواهد کرد.

از کتاب انقلاب سفید

در دنیای کنونی دیگر زور و قدرت مادی پاسخگوی نهائی مشکلات نیست. البته در گذشته نیز توپ خیلی بندرت نماینده حق بوده است، ولی امروزه قدرت اسلحه حتی برای تحمیل اراده خود کفایت نمیکند. حقیقت این است که امروزه اعضای مختلف جامعه بشری برای حفظ موجودیت خویش الزام دارند و بهر قیمت باشد راهی برای تفاهم بایکدیگر بیابند، زیرا در دوران ما دیگر راه حل قدرت نمائی مادی محکوم شده است. امروزه پیروزیهای واقعی و نهائی پیروزیهای صلح است، نه پیروزیهای جنگ.

از کتاب انقلاب سفید

مسائل بین المللی

امروزه بیش از هر وقت دیگری در تاریخ جهان
این حقیقت مسلم شده است که همه افراد بشر اعضاء
یک خانواده بزرگ انسانی هستند و از کلیه جهات وابسته
یکدیگرند ، و بنابراین جز از راه حسن تفاهم و تشریک
مساعی صمیمانه امکان زیستن ندارند .

از پیام شاهنشاه بمناسبت آغاز
هفته سازمان برادری جهانی
در ایران - ۲۷ بهمن ۱۳۳۶

فقر کشورهای توسعه نیافته که امروزه در اصطلاح
اقتصادی به پائین بودن سطح زندگی تعبیر شده است ،
مشکل بزرگی نه تنها برای خود آن کشورها بلکه برای
کشورهای پیشرفته و مترقی بوجود آورده است ، بطوریکه ممالک
راقیه در برنامه های اقتصادی خود ناچارند موضوع کمک

بکشورهای توسعه نیافته را در مد نظر داشته باشند و برای
بالا بردن سطح زندگی کشورهای مزبور چاره جوئی کنند ،
زیرا مادام که فقر بر سرنوشت بشر مسلط باشد امیدی به
صلح و آرامش جهان نمیتوان داشت .

از پیام شاهنشاه بمناسبت روز
جهانی مبارزه با گرسنگی -
۸ شهریور ۱۳۳۹

تا زمانی که سؤنیت و عدم اعتماد و تلخی ناشی
از تسلطها و محرومیتها که نتایج آن چیزی جز جنگ
و ظلم و بدبختی نیست در روح ملل و نمایندگان آنها نفوذ
داشته باشد ، مسائل سیاسی بدشواری حل خواهد شد
و اجرای تصمیمات سیاسی به سختی انجام خواهد گرفت
و بآسانی مورد اعتراض واقع خواهد شد .

از سخنان شاهنشاه در پاسخ
آقای رنه ماهو مدیر کل یونسکو،
در کاخ یونسکو، پاریس - ۲۵ مهر
۱۳۴۰

ما طرفدار حقوق بشر و آزادیهای اساسی هستیم
و با استعمار مبارزه میکنیم ، ولی نوع جدید استعمار را هم
نمی پذیریم . ما معتقدیم که ملتها دارای حقوق یکسان

هستند و این حقوق باید مورد احترام باشد .

از سخنان شاهنشاه در باشگاه
روزنامه نگاران فرانسه ، در
پاریس - ۲۶ مهر ۱۳۴۰

شرق و غرب برای رسیدن به صلح راه دیگری جز
توافق در جهت همکاری و همزیستی با یکدیگر ندارند .
مردم جهان دیگر نمیتوانند بدبختی های خود را ناشی
از تقدیر و سرنوشت بدانند ، و اگر شکاف بزرگ بین جوامع
فقیر و غنی تعدیل نشود این امر در بسیاری از کشورها
منجر به خونریزی میگردد و راه را برای روی کار آمدن
حکومت های مطلقه و دیکتاتوری هموار میسازد .

از سخنان شاهنشاه در مصاحبه
مطبوعاتی ، در لوس آنجلس -
۲۱ خرداد ۱۳۴۳

توجه به لزوم تعدیل وضع موجود جهان باید
برای کشورهای ثروتمند حائز اهمیت بیشتری باشد تا
کشورهای فقیر ، زیرا اگر اتفاق تأسف آوری بیفتد کشورهای
فقیر جهان چیزی از دست نخواهند داد ، ولی کشورهای
توسعه یافته جهان ، کشورهای ثروتمند جهان ، کشورهای

- صنعتی ، خیلی چیزها از دست خواهند داد .

از سخنان شاهنشاه در انجمن
خبرنگاران خارجی انگلستان -
۱۸ اسفند ۱۳۴۳

هنگامیکه پیچیدگی و فوریت مشکلات ایران
را در نظر می‌آوریم و بر مشکلات سایر کشور های در حال
توسعه نیز مینگریم بدین نتیجه می‌رسیم که تهیه یک نسخه
برای بر طرف ساختن درد های حتی یک ملت بینهایت
دشوار است ، و دادن نسخه‌ای کلی برای عموم ملل احتمالا
غیر ممکن بنظر می‌رسد . لکن شاید بتوان یک اصل وقاعده
کلی را بیان داشت که مورد اقبال عمومی است ، و قانون
مزبور اینست که در همه کشور ها مردم عامل اصلی
پیشرفت هستند و تا زمانی که مردم اصلاح نشده‌اند پیشرفت
میسر نخواهد بود .

از پیام شاهنشاه بمناسبت گشایش
کنفرانس بین المللی مدیریت ،
در تهران - ۴ اردیبهشت ۱۳۴۴

دنیای کنونی ما که شاید در ظرف پنجاه سال
تحولات آن از پنج هزار سال گذشته بیشتر بوده است
بسیاری از مسائل و مشکلات اجتماع را حل کرده ولی
بنوبه خود با بسیاری از مشکلات و مسائل تازه مواجه
شده که در اجتماع گذشته وجود نداشته است .

خوشبختانه امروز دیگر راه حل هیچیک از این مسائل توسل به زور نیست ، زیرا امروز برای نخستین بار در تاریخ بشر قدرت اسلحه قدرتی قاطع برای حل اختلافات بشمار نمی رود . در عین حال اکنون دیگر مسائل جهانی را بصورت محدود و در میان چند قدرت بزرگ سیاسی نمیتوان حل کرد ، بلکه در حل هر یک از این مسائل کوچکترین کشور و ملت جهان همان حق اظهار نظری را دارد که به بزرگترین کشورهای دنیا داده شده است .

از نطق شاهنشاه در کنگره ملی
آرژانتین - ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۴

سیر تکامل تاریخ و تمدن جامعه بشری امروز دیگر فواصل جغرافیائی را از میان بر داشته است . در چنین وضعی فواصل اجتماعی بین ملل نیز میباید دیرپازود از میان برداشته شوند . وجود توده‌ای از جوامع محروم با سطح زندگی بسیار پائین و با سطح فرهنگی پائین تردد در کنار جمع دیگری از ملل کاملاً مرفه و برخوردار از تمام سواهب علم و فرهنگ ، نه تنها برای وجدان بشری قابل قبول نیست ، بلکه از نظر صلح جهانی و از لحاظ تأمین آینده قابل اطمینانی برای تمام جامعه انسانی نیز کاملاً خطرناک است .

از سخنان شاهنشاه در باشگاه
مطبوعات زنان کانادا - ۳۰
اردیبهشت ۱۳۴۴

صلح و پیشرفت بین‌المللی ایجاد میکند که یک
 مبارزه جهانی و همه‌جانبه با عواملی که سعادت و ترقی
 جامعه بشری را تهدید میکند، یعنی با جهل و با فقر،
 با بیماری و با بیعدالتی اجتماعی انجام گیرد. اگر روزی
 برسد که تنها مرام سیاسی جهانیان همکاری عمومی برای
 سعادت و پیشرفت جهانی باشد آنروز عالم بشریت به‌دفع
 واقعی خود نزدیک شده است.

از سخنان شاهنشاه در شهرداری
 مونترآل، کانادا - ۲ خرداد
 ۱۳۴۴

دنیای کنونی ما دنیائی است که در آن هر
 پیشرفتی مانند هر خطری، هر مسئله‌ای مانند هر راه‌حلی،
 با تمام ملل جهان در هر مرحله از ترقی که باشند بستگی کامل
 دارد. امروز بیش از هر زمان دیگر سرنوشت جوامع بشری
 به یکدیگر پیوسته است. ما همه با هم زندگی میکنیم،
 بنابراین با هم نیز باید کار کنیم.

از نطق شاهنشاه هنگام گشایش
 کنگره جهانی پیکار با بیسوادی
 در تهران - ۱۷ شهریور
 ۱۳۴۴

در تاریخ بشر هرگز احساس یک‌دگرگونی با این
 قاطعیت سابقه نداشته است. امروزه در پیرامون ما و در

درون خود ما همه چیز در حال تغییر و تحول است . از هر جانب حقایق تازه بما عرضه میشود که حاصل آنها ابطال بسیاری از آن اصولی است که در گذشته بدیهی بنظر میرمید .

فواصل جغرافیائی روز بروز کمتر میشود و سلل مختلف جهان را بیکدیگر نزدیکتر میکند . دنیای ما همواره بیشتر و بیشتر از گذشته خود دور میشود ، و طبعاً یکی از مشخصات اساسی این تحول بزرگ این است که آن تبعیضاتی که پیش از این طبیعی بنظر میرسید امروز دیگر قابل تحمل نیست ، زیرا که مردمان جهان بیش از پیش بحقوق مشروع خود پی برده اند و میبرند .

از نطق شاهنشاه هنگام گشایش
کنگره جهانی پیکار بایسواد
در تهران - ۱۷ شهریور ۱۳۴۴

امروزه رؤسای کشورهای جهان حقاً میباید به تعبیر قراردادی اصطلاح حقوق سیاسی اکتفا نکنند ، بلکه مفهوم واقعی مترقیانه و امروزی این اصطلاح را در نظر بگیرند ، یعنی متوجه باشند که امروزه حقوق سیاسی برای آنکه ارزش واقعی داشته باشد میباید دوش بدوش حقوق اجتماعی و حقوق اقتصادی پیش رود ، و اگر غیر از این

باشد این حقوق جز در روی کاغذ ثمربخش نمیتواند بود.

ازنطق شاهنشاه بمناسبت دریافت

دکترای افتخاری دانشگاه

بخارست - ۶ خرداد ۱۳۴۵

ما اعتقاد راسخ داریم که هر ملتی حق دارد
راهی را که بهتر با مصالح خود سازگار میدانند برای
پیشرفت خویش برگزیند ، ولی در عین حال معتقدیم که
اگر راه ها فرق میکند هدفها نمیتواند متفاوت باشد ،
و از همین جاست که ضرورت همکاری کشورها ، حتی
اگر شیوه های مختلفی برای خود برگزیده باشند ، احساس
میشود . دنیای ما پیش از پیش برای اینکه صحنه اختلافات
و مشاجرات اعضای یک خانواده واحد بشری قرار گیرد
کوچک می شود ، و در مقابل علم و صنعت و تکامل فکری
و روحی جامعه بشری و وابستگی روز افزون ملل هر روز
بیشتر اصل تفاهم و همکاری مشترک را در راه تأمین منافع
مشترک بصورت امری الزامی و حیاتی در می آورد .

ازنطق شاهنشاه بمناسبت دریافت

دکترای افتخاری دانشگاه

بخارست - ۶ خرداد ۱۳۴۵

دیگر وجود تبعیضها و اختلافات فاحش در سطح
زندگی مردم جهان برای آنها که در شرایط پائین تری

بسر میبرند قابل تحمل نیست . امروزه دیگر هیچکس حاضر نیست این اصل را طبیعی و منطقی تلقی کند که جمعی از افراد بشر از حداکثر مواهب ناشی از پیشرفت علم و صنعت برخوردار باشند و جمعی دیگر از استفاده از این مواهب محروم بمانند ، زیرا همه ما این واقعیت مسلم را پذیرفته ایم که تمام افراد بشر از هر نژاد و هر مذهب و هر ملت با حقوقی مساوی بدنیا آمده اند و بنابراین باید متناسب لیاقت و کار خود از مواهب طبیعی و مواهب ناشی از پیشرفت دانش و صنعت بهره مند گردند .

بخاطر سعادت و امنیت جامعه بشری نمیتوان قبول کرد که بر اثر استفاده از امکانات صنعتی کنونی کشورهای ثروتمند هر روز ثروتمندتر و کشورهای فقیر هر روز فقیرتر شوند ، زیرا آنچه در این میان اهمیت واقعی دارد مصالح آن عده معدودی که از این مواهب بهره مند میشوند نیست ، بلکه مصالح اکثریت عظیم جامعه بشری است . تازه از این راه منافع آن اقلیت معدود نیز واقعاً تأمین نمیشود ، زیرا وجود وضع قابل انفجاری که این اختلاف بوجود میآورد خطری است که هر لحظه ممکن است اساس و موجودیت این عدم توازن را بر هم زند .

از نطق شاهنشاه بمناسبت دریافت

دکترای افتخاری دانشگاه صوفیه

- ۱۱ شهریور ۱۳۴۰

ما بعنوان يك واقعيت پذيرفته‌ايم كه راه تأمين مصالح واقعي كشوربان حسن تفاهم و همكاري صميمانه با همه كشورها و ملل جهان بر اساس حفظ حاكميت ملي ما است . ما پذيرفته‌ايم كه صلح و تفاهم بين المللي شرط حياتي و لازم براي پيشرفت اجتماع ما و هر اجتماع ديگر جهان است . در عين حال اعتقاد داريم كه استقرار اين تفاهم و صلح جز بر پايه رفع تبعيضها و بي‌عدالتيهاي كنوني جهان ، كوشش در تعديل اختلاف فاحش سطح زندگي كشورهاي پيشرفته با ممالك باصطلاح در حال توسعه ، حل عادلانه اختلافات نژادي و مذهبي ، رعايت شرافتمندانه اصل همزيستي ايدئولوژي ها و سيستمهاي حكومتي مختلف ، و خودداري كشورها از دخالت در امور داخلي يكديگر عملي نخواهد بود .

از نطق شاهنشاه بمناسبت دريافت
دكتراي افتخاري دانشگاه صوفيه
- ۱۱ شهریور ۱۳۴۰ -

بزرگي ملتها در اين نيست كه بتوانند در يكه لحظه شهرها را ويران كنند و ميليونها كودك و جوان و پير را بهلاكت برسانند ، بلكه بزرگي آنان در اين است كه بتوانند ميليونها افراد بشر را از چنگال بيماري و بيسوادي و ترس و يأس و تهيدستي برهانند ، تا انسانها

بتوانند در جهانی آزاد و آرام در جوار یکدیگر در صلح
وصفا و محبت و صمیمیت زیست کنند .

از پیام شاهنشاه بمناسبت بیست
ویکمین سال تأسیس سازمان
مللی متحد - ۲ آبان ۱۳۴۵

در دنیای امروز مهمترین وظیفه کشورهاییکه
مانند ما میکوشند تا فاصله خویش را با پیشرفته ترین ممالک
جهان در عرض مدت کوتاهی از میان بردارند اینستکه
بر پایه حسن تفاهم و همزیستی و همکاری با سایر ملل
و بر اساس دفاع از حق کامل حاکمیت ملی خود و احترام
همین حق در نزد دیگران تمام نیروی طبیعی و انسانی
خویش را در راه پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی
یعنی در راه صنعتی کردن مملکت خود و بالا بردن سطح
زندگی افراد و مبارزه با فقر و جهل و بیماری و گرسنگی ،
و استقرار عدالت اجتماعی بکار اندازند . ما بخوبی احساس
میکنیم که امروز دیگر دوران ماجراجوئی سپری شده است
و به پیروی از این اصل کلی طبعاً سیاست بین المللی مانیز
بر پایه ای سالم و منطقی یعنی بر اساس صلح جوئی و تفاهم
و اشتراك مساعی در راه ساختن دنیای بهتر برای جامعه
بشری سعادت مند قرار دارد .

از نطق شاهنشاه خطاب به
حضرت رئیس جمهوری ترکیه -
۲۶ خرداد ۱۳۴۶

در نیمه دوم قرن بیستم ، در زمانی که فضا تسخیر شده است ، تعداد زیادی از برادرهای انسانی ما در اکناف دنیا هستند که از گرسنگی میمیرند ، و چون جمعیت دنیا سرعت روبه ازدیاد می رود این خطر گرسنگی و تلف شدن از یغذائی اگر چاره ای برای آن نیندیشیم روز بروز زیادتر خواهد شد . پس این تمدن چه فایده ای دارد که از طرفی بآن مرحله از پیشرفت میرسد ، ولی از طرف دیگر افراد بشر در این دنیا یا از یغذائی میمیرند یا از بیسوادی مثل افراد نایبائی باین طرف و آن طرف میروند بدون اینکه از زندگی حقیقی چیزی فهمیده باشند ؟

از سخنان شاهنشاه در جشن روز
دهقان - اول مهر ۱۳۴۵

در دنیای کنونی دیگر زور و قدرت مادی پاسخگوی نهائی مشکلات نیست . در گذشته نیروی اسلحه خیلی بندرت نماینده حق بوده است ، ولی امروزه این نیرو دیگر حتی برای تحمیل اراده خود نیز کفایت نمیکند .
در عصر کنونی که سرنوشت ملل جهان بیش از پیش یکدیگر پیوسته است تعیین سرنوشت بشر را باید فقط در احترام بقانون و منطق و تفاهم و خردمندی جستجو کرد .

از نطق شاهنشاه هنگام گشایش
پنجاه و پنجمین کنفرانس
بین المجالس ، در تهران - ۵ مهر
۱۳۴۵

در زمان حاضر مردمی هستند که با گرسنگی دست
بگریباندن و جان میسپارند. ما از آزادیهای بسیاری در جهان
خود سخن میرانیم، با آزادی بشر احترام میگذاریم، برای
آزادی فردی احترام قائلیم، و باز هم خواستار آزادیهای
بیشتری اعم از نظری یا عملی هستیم، ولی باید بدانیم
که برای انسان آزادی دیگری نیز ضرورت دارد، و آن
آزادی از گرسنگی است.

از سخنان شاهنشاه در پاسخ
صدر اعظم آلمان فدرال - ۸ خرداد

۱۳۴۶

سازمان ملل بتنهائی یک نیروی مادی مافوق
نیروها نیست تا بتواند حاکمیت خویش را در مشکلات
و اختلافات بین المللی از راه قدرت اعمال کند، بلکه نیروی
آن یک نیروی معنوی است که صرفاً وابسته به تأیید و حسن
نیت کلیه اعضای سازمان است، و چنین حسن نیتی فقط
وقتی میتواند واقعاً تجلی کند که در مسائل مختلف جهانی
منطق و واقع بینی بالاتر از خود خواهیهای ملی و تعصبات
و اغراض خصوصی قرار گیرد. مایه تأسف است که در جریان
عمل غالباً بعکس این اقدام شده، و در نتیجه نه تنها این
سازمان بزرگ جهانی تضعیف گردیده، بلکه آنچه روح
این سازمان و عامل اصلی موجودیت آن است یعنی صلح
و تفاهم بین المللی و حل منطقی و واقع بینانه اختلافات

بخطر افتاده است ، بی آنکه عاملین این اشتباه متوجه این حقیقت باشند که اگر این صلح جهانی بالمره از میان برود جنگی که این بار ممکن است در بگيرد نا بودی خود آنها را همراه با نابودی همه جهان بشری بدنبال خواهد داشت . در جهان امروز با قدرت روز افزون نیروهای تخریبی راهی بجز تفاهم و همزیستی برای بقای جامعه بشری باقی نمانده است ، و پیروزی واقعی برای هر کشور و ملتی بیش از آنکه پیروزی در میدان جنگ باشد پیروزی در میدان صلح است .

از پیام شاهنشاه بمناسبت روز
ملل متحد - اول آبان ۱۳۴۶

- تضعیف سازمان ملل ، یعنی سازمانی که براساس اعلامیه جهانی حقوق بشر انجام وظیفه میکند ، بالمآل بنفع هیچ کشور و ملتی نیست ، ولو آنکه در بدو امر مستلزم تحصیل منافع زودگذر بنظر رسد ، زیرا بدون امکان دخالت مؤثر این سازمان جهانی در حل مشکلات و اختلافات ، بناچار برای حل این مسائل ملاکی بجز اعمال زور نمیماند ، و این راهی است که آزمایش آینده آن نابودی عالم بشریت خواهد بود .

از پیام شاهنشاه بمناسبت
نوزدهمین سالگرد صدور اعلامیه
جهانی حقوق بشر - ۱۹ آذر
۱۳۴۶

در دنیای امروز ما جوامع مختلف بشری چنان در پرتو پیشرفتهای مادی بخصوص آنچه مربوط به وسائل ارتباطی و نقل اخبار و اطلاعات است بیکدیگر پیوسته‌اند که دیگر جایی برای اختلاف سطح زندگی مادی و زندگی فرهنگی و معنوی در آن باقی نمانده است ، و خواه ناخواه میباید همه افراد جامعه بشری از کلیه جهات مادی و معنوی در سطح یکدیگر قرار گیرند و بیکسان از نعمتهائی که خداوند بدانان ارزانی داشته است ، و از پیشرفتهائی که برکت علم و دانش نصیب نوع بشر شده است و میشود بهره مند گردند .

از نطق شاهنشاه بمناسبت دریافت
دکترای افتخاری دانشگامالایا
در کوالالومپور - ۲۸ دی ۱۳۴۶

در دنیای امروز که روز بروز بیشتر بصورت یک واحد جغرافیائی و اجتماعی در میاید دیگر هیچ کشور و ملتی نمیتواند سرنوشت خویش را از سرنوشت دیگران جدا بداند . امروز کلیه حوادث و تحولات جهان چون حلقه زنجیری بهم پیوسته‌اند ، و هر آنچه در یک نقطه گیتی روی میدهد به نحوی از انحاء در سایر نقاط اثر میگذارد . از طرف دیگر در دنیائی که همه جوامع آن روز بروز بیکدیگر پیوسته‌تر میشوند وجود اختلافات فاحش گذشته چه در

سطح زندگی اقتصادی افراد و چه در سطح آموزش فکری و روحی آنان قابل قبول نیست . عصر ما دیگر عصر تبعیضها و جدائیها نیست ، و این حقیقتی است که آنها نیکی نمیخواهند از روی منطقی متوجه آن شوند از راه واقعیات تلخ بدان بی خواهند برد .

از نطق شاهنشاه در جلسه مشترک
مجلسین مالزیایا - ۲۹ دی ۱۳۴۶

امروزه در معادله زندگی جامعه بشری تمام معلومات و مجهولات قبلی عوض شده و معادله اصولاً بصورتی تازه درآمده است . اکنون بشر بر اثر پیشرفتهای صنعتی و علمی خود و بر اثر ارتباط روز افزون جغرافیائی و سیاسی و فکری ، در آستانه عصر تازه ای قرار گرفته است که باید آنرا عصر وحدت جامعه بشری نام نهاد . اگر جبر تاریخ مفهومی داشته باشد ، این مفهوم به بارزترین صورت خود در همین حقیقت تجلی میکند .

در این صورت خواه ناخواه باید بموازات توسعه و سائل ارتباطی و مبادلات خبری و نزدیکی جغرافیائی ، زمینه روحی و فکری افراد و جوامع بشری نیز برای چنین تحولی آماده گردد . این کار مسلماً بمراتب مشکلتر از پیشرفتهای وسائل و مبادلات ارتباطی است ، زیرا در این مورد پای معتقدات و رسوم کهن ، پای تعصبات و خودخواهیهای دیرینه در کار است که در طول قرون یا بر حسب الزامات

زمانی و مکانی و یا بطور عمدی بدست افراد یا طبقاتی که از چنین وضعی بهره میبرده‌اند در روح و فکر جوامع مختلف ریشه دوانده و استوار شده است. اصلاح این وضع دردنیای امروز، که دیگر اقتضای ادامه آن را ندارد، بیش از هر چیز مستلزم تحولی عمیق در طرز فکر و در اصول آموزش و پرورش افراد بشر است.

در تمدن دنیای فردا میباید حقایق مادی و معنوی، پیشرفتهای صنعتی و عوامل اخلاقی، چون عناصر مختلف شیمیائی که در یک لایراتوار ترکیب میشوند با یکدیگر در آمیزند و ترکیب مناسبی برای همه جامعه بشری در تمام نقاط جهان بوجود آورند، زیرا امروز دیگر هیچ قسمتی از اجتماع واحد جهانی نمیتواند برای خود امتیازات خاصی را تجویز کند که مستلزم محرومیت قسمت دیگری از این اجتماع از نظیر همان امتیازات باشد.

از نطق شاهنشاه بمناسبت دریافت
دکترای افتخاری دانشگاه
بانگه کوك - ۲ بهمن ۱۳۴۶

ما در آرزوی دنیائی هستیم که در آن همه اندیشه‌ها و نیروهای مثبت و خلاقه، دور از جدائیهای جغرافیائی و نژادی و مذهبی و زبانی، دست در دست یکدیگر داده و در لوای حقیقتی بالاتر از همه این جدائیها

واحدی پدید آورده باشند که قبل از هر چیز مربوط به جامعه بشری باشد .

از نطق شاهنشاه بمناسبت دریافت
دکترای افتخاری دانشگاه
هاروارد - ۲۲ خرداد ۱۳۴۷

محرومیتها ، تبعیضها ، ستمگریها ، تعصبات ،
کینه توزیها و دشمنیها ، فقر ، جهل ، گرسنگی ، بیسوادی ،
همه اینها بیماریهایی است که از گذشته برای ما بارش
رسیده است . متها تفاوت اساسی وضع امروز ما با گذشته
این است که اکنون ما دریافته ایم وجود این آفات امری
طبیعی و اجتناب ناپذیر نیست ، درست بهمان ترتیب که
دریافته ایم بیماریهایی از قبیل وبا و طاعون بلایائی آسمانی
و غیر قابل اجتناب نیستند ، و لاجرم باید بعنوان یک بیماری
راه درمان آنها را جستجو کرد . نگرانی و اضطراب بشر
امروز ، در واقع محرك آن تلاش مقدسی است که باید
جامعه انسانی را در زمینه اجتماعی نیز مانند زمینه جسمانی ،
بصورت جامعه ای تندرست در آورد .

نباید این واقعیت را فراموش کنیم که اگر ما از
توجه به بیماری اجتماع خویش ناراحت هستیم ، اگر دنیا
را تا حد زیادی تاریک می بینیم و مشاهده بیعدالتیها
و آلامی که نوع بشر با آنها دست بگریبان است ما را رنج
میدهد ، باید خواه ناخواه این فکر در ما بوجود آید که

در برابر این رنج عمومی ناراحتیها و رنجهای خصوصی خود
ما ، چه در سطح خانوادگی و چه حتی در سطح شهری
و مملکتی درجه دوم اهمیت را دارد ، و وقتی جزء میتواند
اصلاح شود که قبلاً « کل » اصلاح شده باشد .

از نطق شاهنشاه بمناسبت دریافت
دکترای افتخاری دانشگاه
هاروارد - ۲۳ خرداد ۱۳۴۷

- دشمنان واقعی بشریت یعنی بیماری ، جهل ، فقر
و یعدالتیهای اجتماعی نیروهای مشترکی هستند که آنها
را از هم تفکیک نمیتوان کرد ؛ بهمین جهت مبارزه با هر یک
از این عوامل فقط وقتی واقعاً ثمر بخشی میتواند بود که
با همه آنها در آن واحد مبارزه شود .

از پیام شاهنشاه بمناسبت تشکیل
کنگره بین المللی پزشکی در تهران
- ۱۶ شهریور ۱۴۲۷

در دنیای امروز ما ، با وجود پیشرفتهای عظیمی
که از نظر علمی در کشف راههای مؤثر برای پیشگیری
انواع بیماریها و درمان آنها بدست آمده هنوز بسیاری از افراد
جامعه بشری از بیماری و نا توانی جسمی رنج میبرند .
در این مورد دیگر گناه از دانش و از دانشمندان نیست ،
بلکه از نواقص مختلف اجتماعی و سیاسی و اقتصادی است

که مانع استفاده کامل از مواهب دانش و از زحمات دانشمندان میشود.

از پیام شاهنشاه بمناسبت تشکیل
کنفره بین المللی پزشکی در تهران
۱۶ شهریور ۱۳۱۷

در سابق ممکن بود که فقر و غنا چندین قرن
در جوار یکدیگر بدون ایجاد تشنج بسر برند و مردم بینوا
و دارنده با هم زندگی کنند ، ولی با پیشرفت وسائل
مواصلات نوین و اطلاع مردم بوجود فراوانی در یکسوی
جهان و قحطی و تنگی معیشت در سوی دیگر ، ازین پس
وجود چنین وضعی امکان پذیر نیست .

از کتاب ماسوریت برای وطنم

امروزه جامعه بشری بطرزی بسیار فاحشی بدو دسته
پیشرفته و عقب مانده و غنی و فقیر تقسیم شده است ، ولی
مسلمانان نه منطقی و نه عادلانه و نه بخصوص منطبق با
مصالح و منافع نهائی خود ملل پیشرفته و غنی است که
بخواهند این وضع همچنان پایدار بماند و بصورت الزامی
بدان دسته از ملل و ممالکی که در شرایط نا مساعد بسر
میرند تحمیل گردد .

از کتاب انقلاب سفید

جامعهٔ امروزی جهان دستخوش دگرگونی و تحول عظیمی است که تاکنون از حیث عمق و وسعت در هیچیک از ادوار تاریخ بشر سابقه نداشته است . این تحول ایجاب میکند که بسیاری از اصول و موازینی که جوامع گذشته بر آنها تکیه داشته‌اند ، ولی امروزه دیگر با احتیاجات و انتظارات جامعهٔ جدید بشری هم‌آهنگ نیستند ، جای خود را به موازین و باصول تازه‌ای بپردازند که بتوانند جوابگوی این انتظارات و احتیاجات باشند .

از کتاب انقلاب سفید

امروزه همه جوامع جهان چون حلقه‌های زنجیری بیکدیگر پیوسته‌اند . بنا براین در دنیای کنونی دیگر نمیتوان به تحقق اصلاحات اساسی و اجتماعی در یک نقطه از جهان توجه داشت بی‌آنکه ارتباط طبیعی و جبری این تحول با آنچه در سایر نقاط جهان میگذرد در نظر گرفته شود .

از کتاب انقلاب سفید

برای رفع تضادها و بحرانهای امروز جهان توسل به زور و قدرت مادی تقریباً هیچ مشکلی را حل نمیکند . بنا براین میباید در این موارد راه حلهای منطقی تری بر اساس درک ماهیت و علل واقعی این تضادها و حل واقع

بینانه و در عین حال عمقی و اساسی آنها اتخاذ کرد .
از کتاب انقلاب سفید

امروزه پیروزی واقعی ملت‌ها در قدرت نمائی نظامی
و مادی آنها نیست ، بلکه در درجه موفقیت آنها در غلبه
بر فقر و جهل و بیسوادی ، غلبه بر بیعدالتیهای قضائی
و اجتماعی ، در تعمیم دانش و تأمین سطح زندگی اقتصادی
بهتر و رفاه و عدالت اجتماعی زیادتری برای افراد نهفته
است .

در سیر تکاملی جامعه بشری دیگر دوران
ماجراجوئیها و استیلا طلبیهای گذشته پایان رسیده است ،
و تنها میدان مبارزه‌ای که امروزه نیروهای انسانی میباید
در آن بکارافتد مبارزه علیه جهل و فقر و گرسنگی و تبعیضات
مختلف اجتماعی و اقتصادی و نژادی و نظائر آنها است .
جنگ واقعی امروز عالم بشریت ، جهاد انسانها
برای از میان بردن تبعیضها و بیعدالتیهای اجتماعی ملی
و بین‌المللی است .

از کتاب انقلاب سفید

مسئولان حکومت در کشورهای مختلف جهان ،
امروزه نه تنها مسئول امور خاص مملکت خود هستند ،
بلکه موظفند در عین حال با دیدی جهانی بدین وظایف
و مسئولیتها نگاه کنند . واقعیت این است که هر کشور ،

امروزه در عین آنکه یک واحد مستقل سیاسی است جزئی از یک واحد خیلی بزرگتری است که دنیای بشری نام دارد ، و در این واحد بزرگ هر جزء همانقدر که برای خود مستقل است مانند افراد یک خانواده در مقابل همه خانواده وظائف و وابستگیها و تعهداتی دارد .

از کتاب انقلاب سفید

لازمه همزیستی و تفاهم جهانی این است که همه دستگاههای حکومتی خود را با شرائط و مقتضیات اجتناب ناپذیر عصر جدید تطبیق دهند . مشکل اساسی عصر حاضر در واقع فهم مسائل تازه نیست ، بلکه گریز از افکار و سنتهای ناصحیح گذشته است .

از کتاب انقلاب سفید

تقریباً هیچیک از حوادث و ناراحتیهای بین‌المللی خود بخود موردی منفرد و مستقل نیست ، بلکه همه آنها مانند حلقه های زنجیری بیکدیگر مربوط است . ما وقوع فاجعه های بزرگ را بعشم میبینیم و شاید اصطکاکهای دیگری را که باشد تی-کمتر در نقاط مختلف جهان صورت میگیرد بهمین وضوح متوجه نباشیم ، ولی همه این برخوردها ، چه مرئی و چه نامرئی ، زاده علتها و معلولهای هستند که غالب آنها نه تنها جنبه محلی بلکه جنبه جهانی دارند ، و علت آنکه آرام کردن یک وضع متشنج در یک نقطه

از جهان تأثیر قاطعی در رفع کلی تشنجات جهانی نمی‌بخشد، همین است که از این راه در رفع ماهیت واقعی بیماری اقدامی نمیشود، بلکه فقط بتسکین عوارض ظاهری آن اقدام میشود.

از کتاب انقلاب سفید

ما بعنوان اصلی قطعی پذیرفته‌ایم که راه تأمین مصالح واقعی کشورمان همزیستی و همکاری صمیمانه با همه کشورها و ملل جهان بر اساس حفظ حاکمیت ملی ما و آنها است. ما پذیرفته‌ایم که صلح و تفاهم بین‌المللی شرط حیاتی و لازم برای پیشرفت اجتماع ما و هر اجتماع دیگر جهان است.

هر قدر این همکاری زودتر و بهتر و بر اساس حسن تفاهم کاملتری عملی شود، جامعه بشری و در درجه اول خود کشورهای مرفی و مرفه از آن بیشتر استفاده خواهند برد، زیرا تحول انسانی بسوی تعدیل تبعیضات و اختلافات و یکدست شدن این جامعه امری است که خواه ناخواه بموجب اقتضا و الزام تاریخ عملی خواهد شد، و تجربه بارها بنا نشان داده است که اگر خود با استقبال یک امر محتوم رویم، نتایجی بسیار بهتر و با قبول خطری بسیاری کمتر بدست خواهیم آورد تا اینکه بگذاریم حوادث بر ما پیشی گیرند.

از کتاب انقلاب سفید

آتش

افسر باید دارای خصائل سه گانه باشد: فرمانده،

پدر، مربی.

فرمانده، یعنی کسیکه واحد مربوط خود را درست داشته و قلوب زیر دستانرا جلب کند و طوری آنها را عادت بدهد که یک نگاه تند آنها را متاثر و بخطای خود متوجه کند. پدر، یعنی کسیکه با نصایح خوب زیرستان را براه راست راهنمایی کند و درستی و شرافتمندی و خدمت بمردم را به آنها تلقین نماید.

مربی، یعنی کسیکه تعلیمات نظامی و اخلاقی را تا سر حد کمال بآنها بیاموزد. مخصوصاً موقعیکه جوانان این کشور بنام سرباز زیر دست شما می آیند باید از کلیه این خصائص برخوردار بشوند تا پایه ارتش آینده ما روی این اساس استوار باشد.

از سخنان شاهنشاه خطاب با افسران

ارتش شاهنشاهی - ه آبان ۱۳۲۰

سربازی یعنی فداکاری ، و معنی دیگری ندارد .
 فداکاری در راه میهن و وظیفه‌ویزر گترین افتخار سرباز است .
 افراد این مملکت و از بین آنها افرادی که حرفه سربازی را
 انتخاب میکنند از اول تصمیم بفاکاری گرفته‌اند .
 گویانکه در ممالک دنیا از فداکاری در راه وطن همه افراد
 یکسان سهم می‌برند و خطرات بطور مشابه متوجه همه است ،
 ولی امتیاز افسران و سربازان اینستکه خونها را در جبهه
 میریزند ، در صورتیکه افراد کشوری سرکار و در کارخانه‌ها
 و پشت گاوآهن و در مزارع فداکاری را ابراز میدارند .

از سخنان شاهنشاه در جشن
 دانشکده افسری - ۳ مهر ۱۳۲۲

معلوماتی که در دانشگاه جنگ کسب میشود باید
 قطعاً با آخرین آزمایش‌ها و اطلاعاتی که در دنیا بدست
 آمده تطبیق کند . اما چیز دیگری که علاوه بر اطلاعات
 و معلومات لازم است اصل ایمان و روح فداکاری است که
 باید بسرحده کمال برسد . چه بسا شکست‌های نظامی که
 در نتیجه استقامت و پایداری و قدرت روحی و قبول نکردن
 شکست جبران شده است !

از سخنان شاهنشاه در دانشگاه
 جنگ - ۶ مهر ۱۳۲۸

ارتش ما باید بکوشد که از نظر معلومات علمی

و عملی همراه با پیشرفته ترین ارتشهای دنیا به پیش برود .
 البته اسلحه و مهمات را خیلی سریع میتوان بدست آورد ،
 اما هیچ سلاحی بدرد نمیخورد مگر وقتی که بتوان بعدا کثر
 از آن استفاده کرد . چون عاملی که برای سراقازی ارتش
 بیش از همه مؤثر است قدرت میهن پرستی افسران است ،
 توصیه میکنم که از این عامل حداکثر استفاده بشود .

از سخنان شاهنشاه در جشن
 فارغ التحصیلی دانشگاه جنگ
 -۹ مرداد ۱۳۳۵

امروز هر فرد ارتشی باید در شغل خویش و در
 وظیفه‌ای که انجام میدهد تبحر و قابلیت خاص داشته
 باشد . ارتشهای امروز دنیا روز بروز فنی تر و کارشان از
 لحاظ وظیفه غامض تر و مشکلتر میشود . بدین جهت
 کادرهایی که ما به آنها احتیاج داریم باید حتماً کادرهای
 نخبه و فنی و برجسته باشند . البته این راهم نباید فراموش
 کنیم که وجود یک ارتش سالم و قوی فقط موقعی امکان
 دارد که بر پایه اقتصاد سالم و قوی در مملکت استوار باشد .

از سخنان شاهنشاه خطاب به
 افسران فارغ التحصیل دوره
 فرماندهی و ستاد کوتاه - ۱۰ اسفند
 ۱۳۳۹

ارتش ایران در هر حدود و در هر مقدار و مقیاسی

که باشد باید از لحاظ روحیه ، از لحاظ صحت عمل ،
از لحاظ شرافت ، از لحاظ وطن پرستی ، از لحاظ علم و تخصص
در فن خود چنان باشد که از آن عالی تر و بهتر در هیچ
جائی پیدا نشود .

از سخنان شاهنشاه در مراسم اعطای
گواهینامه فارغ التحصیلان
دانشکده ستاد مشترک و فرماندهی
عالی - ۴ شهریور ۱۳۴۱

خوشوقتیم که می‌بضم هر روز بر تعداد افراد
تحصیل کرده ارتش ما افزوده میشود ، و اصولاً طرز فکر
و طرز برخورد آنها با مشکلات بکلی با گذشته فرق کرده
و شخصیت نظامی و فردی پیدا کرده‌اند که خود یکی از
بالاترین هدفها است . ما این شخصیت فردی و علمی
و نظامی را باید روز بروز تقویت کنیم ، و این وضع موقعی
بجدا کثر تجلی خود خواهد رسید که اساس دستگاه ارتش
برپا کدانی و وظیفه شناسی و لیاقت و از نظر اداری بر مبنای
بینظری و بیطرفی نسبت به همه باشد .

از سخنان شاهنشاه در باشگاه
افرادان تبریز - ۱۳ مهر ۱۳۴۱

آرزوی ما ، دعای ما ، اینست که همیشه صلح
بر جهان حکمفرما باشد و در این راه اقداماتی بشود که اصل
خطر از بین برود و ملل بتوانند با روح برادری بسر برند ،

و اگر رقابتی با هم دارند این رقابت در راه مسالمت آمیز باشد ، در راه خلافت باشد ، در راه آبادانی باشد . ولی تا آن روز گمان میکنم برای ممالک آزاد هیچ خطری بالاتر از آن نیست که ملتی آماده دفاع نباشد ، برای اینکه این خود یک نوع دعوتی است به تجاوز ، و این دعوت را ما بدست خودمان نخواهیم نوشت .

از سخنان شاهنشاه در باشگاه
افسران تبریز - ۱۲ مهر ۱۳۴۱

سلاحی که ما برای دفاع از مملکت تهیه میکنیم و تأکیدی که هر دفعه در امر فرا گرفتن فنون نظامی بشما میکنیم هیچوقت برای تجاوز و دستبرد به کسی نخواهد بود . خوشبختانه ما احتیاجی باین قبیل سیاستهای ماجراجویانه نداریم . اگر هم این مملکت مملکت فقیری بود باز اخلاق ایرانی و فرهنگ ایرانی با و اجازه تخطی و تجاوز نمیداد . ما هیچوقت قوای مملکت را برای انضمام سرزمینی به وطن خود وارد عمل نخواهیم کرد ، ولی در عین حال میل داریم همه بدانند این سرزمین باستانی که سه هزار سال تاریخ مدون دارد سرزمینی نیست که بشود با آن شوخی کرد و نسبت بآن جسارت ورزید .

از سخنان شاهنشاه در جشن
فارغ التحصیلی دوره پنجم
دانشکده فرماندهی عالی و ستاد
مشترک - ۲ مهر ۱۳۴۵

سرباز ایرانی امروز از هدفی دفاع میکند که عالی

وانسانی و افتخار آمیز است. علاوه بر انجام وظیفه ملی،
یک سرباز ایرانی افتخار آنرا دارد که این انجام وظیفه
توأم با خدمت در راه صحیح و راه پرافتخار و شرافتمندانه است.
از سخنان شاهنشاه در ستاد
نیروی دریائی - ۱۱ اسفند ۱۳۴۰

بتناسب سایر پیشرفتهای مملکتی نیروی دریائی
ایران نیز دوباره زنده میشود. نیروی دریائی که ما بنا
میکنیم برای ابراز قدرت و بمنظور گردش و دریا نوردی
بیهوده و برای تجاوز و تخطی بدیگران نیست؛ نیروی
دریائی ایران حافظ سرحدات این مملکت است، حافظ
منافع حقه کشور و حافظ شرافت و انسانیت و تمدن است،
و چون منافع ایران و سرحدات ایران و اساسی که ما از آن
دفاع میکنیم قابل توجه و اهمیت میباشد نیروی دریائی
ایران نیز بهمان نسبت قادر و مجهز خواهد شد.

از سخنان شاهنشاه در ستاد نیروی
دریائی - ۱۱ اسفند ۱۳۴۰

تقویت و آمادگی نظامی ما باید حتماً توأم
با ازدیاد معلومات نظامی و حس شجاعت و شهامت و جرئت
باشد. وقتی ما این نوع آمادگی روحی را با آمادگی مادی
توأم کنیم آنوقت وظیفه خود را در مقابل تاریخ و هموطنان
خود و ایرانیت انجام داده ایم.

از سخنان شاهنشاه در جشن
دانشکده انصری - ۳ مهر ۱۳۴۶

دادگستری

نباید چنین پنداشت که عدالت تنها وظیفه صاحبان حکم است ، بلکه باید متوجه بود که هر فردی از افراد درزندگانی اجتماعی مکلف به رعایت عدالت است ، زیرا اگر کسی انحراف از عدالت را روا دارد و ظلم نسبت به دیگری را جایز شمارد ، دلیلی نیست بر اینکه دیگری هم نسبت باو از این روش خودداری کند .

از پیام نوروزی شاهنشاه - اول
فروردین ۱۳۲۱

انتظار ما از دستگاه دادگستری اینست که بدون نظر و غرض وظیفه خود را انجام دهد و به تشبثات اشخاصیکه گرفتار دستگاه عدالت شده اند وقتی نگذارد . اگر دادگستری ما بوظایف خود عمل کند همه کارهای مملکت بخوبی اصلاح خواهد شد ، و حتی میتواند

طرز تفکر و طرز رفتار مردم را عوض نماید . ما بهمان اندازه که نسبت به مجازات گناهکاران تأکید میکنیم این عقیده را هم داریم که تا گناه کسی ثابت نشده باشد او را بمقتصر نشماریم . متأسفانه در کشور ما قضیه بر عکس است . شاید علت این است که خیلی از گناهکاران از مجازات فرار کرده‌اند . باید دستگاه قضائی سعی کند که کارها را کاملتر و منزه‌تر انجام دهد و گناهکاران را در هر مقامی که باشند بکیفر برساند . البته دستگاه قضائی هیچ مملکتی بی نقص نیست ، ولی ما باید این طرز فکر را رواج دهیم و این اصل را قبول نمائیم که هیچکس گناهکار نیست مگر وقتی که گناه او در مراجع صلاحیت دار ثابت شده باشد ، و عکس قضیه را از قاموس قضائی حذف نمائیم .

از سخنان شاهنشاه در جلسه

هیئت دولت - ۱۵ شهریور ۱۳۲۸

هم نیت باطنی من و هم پیشرفت امور در مملکت مستلزم وجود دستگاه قضائی مقتدری است که در برابر آن هر فردی در هر مقام و موقعیت اجتماعی از نظر قانون مساوی باشد . پیشرفت کارهای ما و تحقق آرزوها و نقشه‌هایی که من برای این مملکت دارم منوط به طرز کار این دستگاه است .

از سخنان شاهنشاه در سلام

نوروزی - اول فروردین ۱۳۴۰

در ایران مرفی و آبادی که همه آرزوی آن را داریم وظیفه و کار دستگاه قضائی ما یکی از ارکان مهم خواهد بود . دستگاه دادگستری ما باید دستگاهی باشد که غنی و فقیر و زورمند و ضعیف بطور یکسان باخاطرن آکنده از اطمینان بآن رجوع کنند، و سازمان عدالت مابدون نظر و واهمه و باک فقط با در نظر گرفتن وجدان و قضاوت صحیح و بر اساس قوانین صحیح بوظایف خود عمل کند .

از سخنان شاهنشاه در سلام چهارم

آبان - ۴ آبان ۱۳۴۰

من همواره بدین حقیقت ایمان داشته‌ام که هیچ جامعه‌ای دوام و قوام نخواهد داشت مگر آنکه بر دو اصل عدالت اجتماعی و عدالت قضائی تکیه داشته باشد . ممکن است در کشوری برای مدت کوتاهی سران و زمامداران بزرگ ملی بانجام کارهای بزرگ و با عظمتی از لحاظ ساختمانی و صنعتی و اجتماعی موفق گردند ، ولی این کارها موقعی . میتواند دوام داشته باشد و با رفتن این اشخاص از میان نرود که بنیان جامعه بر اساس عدل و انصاف استوار باشد .

از بیانات شاهنشاه در سلام عید

غدیر - ۲ خرداد ۱۳۴۱

اقدامات پلیسی ممکن است عوامل مخرب

و اخلاق‌گر را موقتاً مدت یکماه یا یکسال و یا چند سال محدود کند ، ولی فقط وجود عدالت میتواند اساس حقیقی رفع مفاسد باشد .

هیچ مقرراتی ، هیچ تشکیلاتی ، هیچ اساسی بر مبنای ظلم و بیعدالتی قابل دوام نیست .

از کتاب مأموریت برای وطنم

قانون و عدالت بهر صورتی که این دو کلمه در ادوار مختلف معنی داشته اند اساس قوام هر حکومت و هر اجتماعی در هر عصر و زمان بوده است ، زیرا بهر حال هیچ اجتماعی نمیتواند بدون داشتن قوانینی معین و لازم‌الاجرا زندگی کند .

از کتاب انقلاب سفید

ما با اجرای نهمین اصل انقلاب ایران کوشیدیم تا در درجه اول طبقه روستائی و کشاورز کشور را باندازه هر طبقه دیگری از نعمت عدالت بهره‌مند سازیم ، و برای این کار از منطقی‌ترین راهها اقدام کردیم ، یعنی بجای اینکه روستائی را برای احقاق حق خودش بشهرها و احیاناً به پایتخت بکشانیم عدالت را بنزد او و در روستای او بردیم .

از کتاب انقلاب سفید

انتخاب نفید

ما در این منطقه از دنیا بخولست خداوند و با همت
مردم ایران چنان مملکتی خواهیم ساخت که از هر جهت
بایشرفته ترین ممالک جهان برابری کند. مملکتی خواهیم
ساخت که کشور آزادگان و سر زمین آزاد مردان و آزاد
زنان باشد ، و در آن نبوغ ایرانی بتواند در محیطی بارور
و منزه و دور از فساد قدرت و خلاقیت جاودانی خویش را
که راز بقای این ملک و ملت است بهتر و بیشتر از هر وقت
دیگر جلوه گر سازد.

از پیام شاهنشاه به ملت ایران
پس از تصویب لوایح فسخانه
- ششم بهمن - ۸ بهمن ۱۳۴۱

در جامعه‌ای که اکنون در کشور ما پی ریزی شده
است نه تنها جایی برای یأس و فساد و تخریب نیست ،

بلکه برای سستی و ضعف و مفره از انجام وظیفه نیز جائی نیست .

اجتماع ایران فرداً صرفاً براساس عدالت اجتماعی، تقسیم و توزیع عادلانه ثروتها، کار و کوشش شرافتمندانه، بهره برداری هرکس از زندگی به تناسب کار و سرمایه، بر اساس موازن قانونی و با تأمین حد اقل زندگانی برای عموم متکی خواهد بود، و جامعه خوشبختی که دور نمای آن را از هم اکنون با وضوح می بینیم بر همین پایه استقرار خواهد یافت .

از پیام نوروزی شاهنشاه - اول
فروردین ۱۳۴۲

اصلاحات کنونی ایران که مورد حمایت کامل مردم این کشور است، اجتماعی از یک ملت آزاد بوجود می آورد. ما اکنون به آینده ای چشم دوخته ایم که در آن عالیترین ایده آله و بهترین ارزشها حکمفرما خواهد بود.

از سخنان شاهنشاه بمناسبت
دریافت دکترای افتخاری از
دانشگاه امریکائی واشنگتن -
۱۷ خرداد ۱۳۴۳

یک جامعه را عموم طبقات آن تشکیل میدهند،
یعنی از عالیترین استادهای دانشگاه گرفته تا نجار و سیم کش .

و زارع و کارگر. نه این بدون آن میتواند زندگی بکند
و نه آن استاد عالی مقام دانشگاه میتواند بدون کمک سایر
طبقات دیگر زندگی را ادامه بدهد، و در غیر اینصورت
یک جامعه ناقص قابل دوام نیست.

از سخنان شاهنشاه در دانشگاه
پهلوی شیراز، خطاب به
دانشجویان دانشگاه - ه دی

۱۳۴۱

امروز در مملکت ایران هیچ منفعتی غیر از منفعت
اکثریت این مملکت مورد نظر نیست. هر قانونی که وضع
شده است برای تأمین منافع اکثریت است. در قبال تأمین
منافع اکثریت اقلیتها نیز میتوانند کاملاً از قوانین عادلانه
ما برخوردار باشند.

امروز دیگر امتیاز طبقاتی در این مملکت وجود
ندارد و از لحاظ قانون همه مساوی هستند. از لحاظ حیثیت
و شرافت ذاتی نیز همه مساوی هستند.

از سخنان شاهنشاه در جشن روز
دهقان - اول مهر ۱۳۴۳

ما در این عصر شاهد پیدایش افکار سیاسی مختلفی
بوده ایم و عبارت دیگر «ایسم» های مختلفی نظیر فاشیسم،
نازیسم، کمونیسم و غیره دیده ایم.

این افکار مختلف در عمل وسیله حکومت مطلقه صاحبان آنها شده است تا بر سایرین تسلط گردند. ولی راهی که ما در ایران انتخاب کرده و در پیش گرفته ایم راهی است طبیعی و حقیقی بر اساس تأمین منافع افراد و بر اساس حقی که خداوند به ما داده است.

ما در ایران دست باصلاحاتی زده ایم که اولین و بزرگترین هدف آنها تأمین و برقراری عدالت اجتماعی است. برای ما حقیقت تسلط بر دیگران نیست، زیرا عقیده ما این است که خداوند هیچ ملتی را برتر از ملتهای دیگر نیافریده است.

از سخنان شاهنشاه در پاسخ
خیرمقدم استاندار گوانابار،
در ریودو ژانیرو - ۱۶ اردیبهشت
۱۳۴۴

سیاست ما در ایران از «ایسم» های مختلف جدا است. ما فقط به هوش و قدرت فکری خود متکی هستیم و تصمیم داریم یاری استعداد و هوش و امکانات خود آنچه را که ملتهای دیگر در طول سالهای دراز بدست آورده اند در مدتی کوتاه بدست آوریم.

جهمین علت است که ما از همه گونه افکار چه سوسیالیسم باشد و چه کمونیسم استفاده میکنیم. ما تمام این افکار را بشرط احترام به آزادیهای فردی قبول میکنیم

و معتقدیم که اگر دولتها از « ایسم » ها دست میکشیدند
و هم خود را فقط صرف تأمین سعادت ملت خویش میکردند،
قطعاً به آنچه « سعادت بشر » نامیده میشود زودتر دست
میافتنند .

از سخنان شاهنشاه در مصاحبه
مطبوعاتی در بوئنوس آیرس -
۲۲ اردیبهشت ۱۳۴۴

انقلاب اجتماعی کشور ما با سرعت کامل اصول
دموکراسی و حفظ حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی
انجام میگردد ، و این امری است که مایه مباهات و اطمینان
خاطر ما است . ما چه بر اثر سنن دیرینه فرهنگ و تمدن خود
و چه با نظر واقع بینانه نسبت به مقتضیات دنیای کنونی ،
اعتقاد راسخ داریم که پیشرفت واقعی یک اجتماع ولو
آنکه بظاهر بطئی تر صورت گیرد جز با حفظ این حقوق
و آزادیها انجام پذیر نیست ، و هر نوع ترقی دیگری ناپایدار
و غیر اصیل است .

از سخنان شاهنشاه در باشگاه
مطبوعات زنان کانادا - ۳۰
اردیبهشت ۱۳۴۴

فلسفه انقلاب کنونی ایران این است که این
انقلاب مال ملت ایران و برای ملت ایران است و باید
آزادی اجتماعی را بر اساس دموکراسی اقتصادی و دموکراسی

اجتماعی برای همه افراد این ملت تأمین کند. هیچ دموکراسی که اجتماع آن بر پایه عدالت اجتماعی قرار نداشته باشد دموکراسی واقعی نیست، همچنانکه بالعکس هیچ دموکراسی اقتصادی نیز بدون آزادیهای انسانی قابل دوام نمیباشد.

از پیام شاهنشاه بملت ایران
بمناسبت سالروز بیست و هشتم
مرداد - ۲۸ مرداد ۱۳۴۴

انقلاب ما خود را در چهار دیواری هیچ سرام
اجنبی محبوب و مقید نکرده است. ما از هر تجربه‌ای در
هر نقطه دنیا که نتایج بهتری داده باشد و با روح ملی
و سن ایرانی و مقتضیات اقلیمی و طبیعی ما سازگارتر باشد
استفاده میکنیم، و در عین حال بعقل و تدبیر خود نیز
آنگذرانگه داریم که منافع واقعی مملکت و ملت خویش
و طرق نیل به هدفهای خود را در این راه از هر فرد خارجی یا از هر
سرام خارجی بهتر تشخیص بدهیم و ابتداعات مؤثرتری بکنیم.
اجتماع جدید ایران اجتماعی بر اساس عدالت
اجتماعی، بر اساس دموکراسی اقتصادی و سیاسی، بر
اساس وجود افراد آزاد و با سواد و تندرست خواهد بود.
ملت ایران پس از گذشت سه هزار سال تاریخ،
تازه نفس ترو مصمم ترو امیدوار تر از همیشه بجانب مفاخر
ملی اجتماعی خود پیش میرود.

از پیام شاهنشاه بملت ایران
بمناسبت سالروز ششم بهمن -
۶ بهمن ۱۳۴۴

ما اسیر هیچ نوع « ایسم » نیستیم ، و هر چه را که در نظر خودمان در دنیا عملی تروسترقیانه تر و منطقی تر باشد منبع الهام خویش قرار میدهیم .

ما معتقدیم که نبوغ ایرانی بما این اجازه واسکان را میدهد که تمام نیازسندیهای خود را بدون الهام گرفتن از دیگران تأمین کنیم ، و بهمین دلیل است که در برخی موارد از کمونیست ها عقب نمانده ایم و درپاره ای موارد دیگر بر اساس اصول آزادیخواهانه عمل کرده ایم ، و بهر حال آنچه همواره مورد احترام ما قرار داشته است و قرار خواهد داشت « انسان » و حقوق بشر و آزادیهای فردی است .

از سخنان شاهنشاه در مصاحبه
با تلویزیون سوئیس - ۷ اسفند

۱۳۴۴

انقلاب سفید ایران که با پشتیبانی مستقیم و قاطع اکثریت عظیم ملت یعنی با عالیترین طرز تجلی روح دموکراسی انجام گرفت مشروطیت ایران را بمجرای صحیح و اصیل آن سوق داد ، یعنی بجای آنکه استفاده از مواهب آزادی در انحصار اقلیت محدودی باشد این مواهب را نصیب اکثریت کامل مردم ایران کرد . امروز از برکت دموکراسی اقتصادی و عدالت اجتماعی توده های عظیم مردم که تا دیروز با وجود مشروطیت اسمی از بسیاری از حقوق و مزایای حقه انسانی محروم بودند واقعاً سرنوشت

خود را بدست گرفته و بصورت مردمی آزاد و سربلند درآمده‌اند که مستقیماً از حاصل کار و کوشش خود بهره‌مند میشوند و خوب احساس میکنند که اجتماع آنها بدست آنها و برای خود آنها اداره میشود.

در دنیائی که در بسیاری از نقاط آن بدیهی‌ترین اصول دموکراسی پایمال شده است، برای ملت کهنسال ما که همواره شعلدار اصول عالی معنویت بوده است مایه سربلندی واقعی است که نه تنها توانسته است اساس دموکراسی سیاسی خود را استوار نگاه دارد، بلکه آنرا با کاملترین اصول دموکراسی اقتصادی و دموکراسی اجتماعی در آمیخته و از این راه بصورت سرمشقی برای بسیاری از اجتماعات و ملل دیگر درآمده است.

از پیام شاهنشاه بمناسبت جشن
مشروطیت ایران - ۱۴ مرداد
۱۳۴۵

برای کشور ما که اکنون دوران تازه‌ای را در تاریخ کهن خویش بر اساس اصول انقلاب اجتماعی ایران آغاز کرده است تأیید اصول حقوق بشری امری طبیعی است، زیرا انقلاب ایران اصولاً بر پایه روح و مفهوم واقعی همین حقوق پی ریزی شده است.

اساس این انقلاب این است که حقوق بشری باید نه تنها از جنبه سیاسی بلکه از جنبه اجتماعی آن نیز در جامعه

ایرانی استقرار کامل یابد ، زیرا چنانکه بارها تذکر داده ایم . حقوق سیاسی بدون عدالت اجتماعی و دموکراسی سیاسی بدون دموکراسی اقتصادی کافی برای تأمین حقوق واقعی افراد یک اجتماع نیست ، و فقط تحقق مشترک این اصول است که میتواند حقوق بشر را بمفهوم اصیل و واقعی آن در جامعه ای مستقر سازد . در عین حال از نظر ما و به مقتضای روح انقلاب ما تحقق این اصول تنها در یک کشور یا در کشورهای . معینی از جهان کافی نیست ، زیرا امروز جوامع مختلف انسانی بقدری شریک سر نوشت یکدیگر شده اند که پایمال شدن تمام یا قسمتی از این حقوق در هر اجتماعی در وضع جوامع دیگر جهان نیز اثر میبخشد ، و فقط وقتی میتوان این حقوق را واقعاً تحقق یافته دانست که در همه جامعه انسانی مورد احترام و رعایت قرار گرفته باشد .

از پیام شاهنشاه بمناسبت
سالروز مدور اعلامیه جهانی
حقوق بشر - ۱۸ آذر ۱۳۴۵

ما برای تأیید و پشتیبانی از صلح و شخصیت فردی و سعادت و آسایش بشری در کشور خویش انقلاب عمیقی بوجود آوردیم ، و این انقلاب انقلابی بدون خونریزی بود . ما در دفاع از تساوی ابناء بشر کوشا هستیم و روحیه ما هیچوقت در جستجوی پیشرفت عدالت اجتماعی و بهبود

وضع زندگی مردم کشورمان جنبه محافظه‌کاری نخواهد داشت. ما در این زمینه همیشه طرفدار روشهای بنیانی خواهیم بود.

از سخنان شاهنشاه در پاسخ بیانات
معاون ریاست جمهوری ایالات
متحدہ آمریکا - ۲ شهریور ۱۳۴۶

کمال مطلوب ما اینست که زندگانی جدیدی برای عموم خانواده‌های ایرانی تأمین شود که از هر حیث باشند اجتماع ملی ایران، با آن روح و مفهوم عالی که ما برای حیثیت و شایستگی ایرانی قائل هستیم، و با امکانات ثروت خدا داد این مملکت و نیروی کامل کار افراد آن تناسب داشته باشد. برای نیل بدین هدف میباید تمام نیروها و امکانات مادی و معنوی اجتماع ما با همان روح تحرك و جهش انقلابی که لازمه اصلی تحقق چنین هدفی است بکار افتد و هیچ قسمت از استعدادها درین مورد بی‌حاصل نماند. میباید تحول و جهشی اساسی در امر آموزش به جوانان ایرانی امکان آن بدهد که استعدادهای مختلف آنان در هر رشته‌ای با بهترین صورت به تجلی درآیند و روح سازندگی و حس ابتکار و نو سازی و همکاری اجتماعی پرورش بسیار کاملتری یابد.

هدف اساسی از تحول آموزشی میباید این باشد که شخصیت جوانان ما و حس اعتماد بنفس ایشان از هر

جهت تقویت شود تا افرادی که در آینده سر نوشت کشور را بدست خواهند گرفت برای قبول مسئولیتهای خود واقعاً آماده و مجهز باشند. اصولاً جامعه ما برای اینکه سیر پیشرفت خود را بصورتی اصیل و همه جانبه دنبال کند می باید بطور دائم خودش را با مقتضیات این پیشرفت و تکامل تطبیق دهد، بطوریکه همیشه از این لحاظ بامرتقی ترین جوامع جهان همگام باشد، وجه بهتر که حتی بتواند در این راه از دیگران نیز جلوتر رود.

از نطق شاهنشاه، هنگام گشایش
بیست و دومین دوره قانونگزاری
مجلس شورای ملی و پنجمین
دوره قانونگزاری مجلس سنا -

۱۴ مهر ۱۳۴۶

نهضت ما یک نهضت کاملاً ایرانی است که از هیچ چیز بجز نبوغ ایرانی و فکر ایرانی الهام نگرفته است. ما نهضتی را بمنظور ترقی مادی و معنوی کشور و ملت خویش آغاز کردیم که صد در صد منطبق با روح ایرانی و با مقتضیات و شرایط اجتماعی و اقلیمی مملکت خودمان بود. در این تحول از تجارب سایر جوامع جهان استفاده کردیم و میکنیم، ولی در هیچ مورد خویش را در چهارچوب اصول و مقررات انعطاف ناپذیری که با طرز فکر و احتیاجات روحی و مادی ما تطبیق نمیکرد مقید نساخته ایم. اگر امروز انقلاب ما

سورد احترام و ستایش جهانیان است بهمین جهت است که
اصالت آن کاملاً هویدا است.

از پیام شاهنشاه بملت ایران
بمناسبت مالروز. هشتم بهمن -
۶ بهمن ۱۳۴۶

اصلی که ما در کشور خویش آنرا بصورت یک
واقعیت پذیرفته‌ایم، این است که با پیشرفت عظیم علم
و صنعت و با اکتشافات و اختراعات بیشمار، و با دورنمای
قدرت روز افزون تکنولوژی و تأثیر آن در جامعه بشری،
دیگر بسیاری از افکار و اصول سیاسی و «ایسم» های
گوناگونی که در گذشته بعنوان جاودانی و تغییر ناپذیر
بما عرضه شده‌اند کهنه شده و جوابگوی نیازمندیهای امروزی
جامعه بشری نیستند.

از نطق شاهنشاه بمناسبت دریافت
دکترای افتخاری دانشگاه
هاروارد - ۲۳ خرداد ۱۳۴۷

انقلاب ما یک انقلاب تحمیلی یا دستوری نیست.
انقلابی است که اساس آن همکاری آزادانه همه افراد بر اساس
درک مفهوم واقعی آن است. لازمه تحقق کامل اصول این
انقلاب این است که همه افراد کشور هرچه بیشتر و کاملتر
و عمیقتر با آن آشنائی یابند و آزادانه و صرفاً از روی اعتقاد
و ایمان در تعمیم و اجرای این اصولی که هدف آن فقط

تأمین منافع واقعی خود آنها است شرکت جویند .
انقلاب ما در درجه اول یک انقلاب بشری و انسانی
است که بخصوص بر اساس تأمین حقوق توده های محروم
تکیه دارد . چنین انقلابی طبعاً میباید از هر گونه خودخواهی
و تنگ نظری بدور باشد و پیشرفت خویش را نه تنها
در چهارچوب منافع ملی خود بلکه در پیشرفت همه جامعه
انسانی خواستار شود .

از کتاب انقلاب سفید

ما انقلاب اجتماعی ایران را بصورت یک کالای
وارداتی تحویل ملت نداده ایم ، زیرا اصولاً شأن ملت ما
که خود در طول هزاران سال خلاق فکر و فلسفه و منطق
بوده است این نیست که در این مورد « جامه عاریت »
دیگران را بر تن کند . ما راههایی بر اساس نبوغ ایرانی
و با در نظر گرفتن تمام اصول ذکر شده اتخاذ کرده ایم
که طبعاً در آنها از تجارب مفید دیگران استفاده شده است ،
ولی بخصوص هر قسمت از آن که لازم بوده ابداع خود ما است .
ما معتقدیم که دیگر دوران اصول مرامی خشک
و انعطاف ناپذیر گذشته سپری شده و بسیاری از مرامها
بدان صورتی که در اصل عرضه شده اند نمیتوانند جوابگوی
احتیاجات جامعه ای باشند که پیوسته در حال تحول است ،
و طبعاً به همین جهت است که عملاً شاهد تغییر و تحول
تدریجی این مرامها هستیم .

آنچه امروزه جامعه بشری بدان نیازمند است پیروی از اصولی است که نه متکی بر کینه توزی و حقد و آزار و دشمنی باشد و نه استثمار و حفظ منافع یک عده را بزیان عده دیگر موجب شود. بشریت امروزیش از هر وقت دیگر احتیاج به تفاهم ، بدوستی و محبت ، به عشق به هممنوع دارد . رهبران واقعی سیاسی یا معنوی هیچ اجتماعی حق ندارند جوامع انسانی را بدریدن یکدیگر و به ازیان بردن و نابود کردن هممنوعان خود تشویق کنند ، بلکه میباید بدانان راه همزیستی و همکاری را بیاموزند . باید تحولاتی را بوجود آورند و تسهیل کنند که نتیجه آنها استقرار دوستی بیشتر و صحیحتر میان همه افراد و جوامع باشد ، تا درپرتو آن تمام اجزاء خانواده بزرگ بشری با کمک یکدیگر کاروان تمدن انسانی را بسوی ترقی و تعالی همه جانبه پیش ببرند .

از کتاب انقلاب سفید

انقلاب ما از قشرها و صفوف جامعه ایرانی ، واحدی یکپارچه بوجود آورد . انقلاب ایران باعث شد که نه تنها دولت و دستگاه حکومتی بمردم تحمیل نشود ، بلکه بالعکس مستقیماً از خود مردم منبعث گردد و خویش را بطور کامل در اختیار حقوق و منافع حقه آنان قرار دهد .

از کتاب انقلاب سفید

آن نظم اجتماعی که در طول قرون متمادی برقرار شده بود ، و در آن وجود استیازات و تبعیضهای طبقاتی امری کما بیش طبیعی شمرده میشد ، با پیشرفت آموزش و رشد فکری اجتماعی و صنعتی افراد امروزه دیگر بهیچوجه قابل قبول نیست .

از کتاب انقلاب سفید

افزایش ثروت ملی نباید مفهوم افزایش ثروت اشخاص و طبقات معینی را دارد داشته باشد ، بلکه باید مفهوم افزایش درآمد سرانه کلیه افراد ملت را متناسب با ارزش کار و با سرمایه هریک از آنها در حدود قوانین اجتماعی - مملکت داشته باشد .

از کتاب انقلاب سفید

با استفاده از امکانات خدا داد این مملکت و با بهره برداری از ثروتهای طبیعی و فراوان آن البته میشود با اصطلاح پول هنگفتی بدست آورد و با این پول احیاناً راههای درجه یک ساخت و سدهای عظیم بنا کرد و ساختمانهای رفیع و بسیار زیبا ایجاد نمود . ولی از این ساختمانها و سدها و راهها و امثال آن ، چه کسانی میبایست استفاده بکنند ، و چند نفر میبایست استفاده بکنند ؟ آیا میبایست از این راه فقط مالکینی که ثروتمند بودند ثروتمند تر بشوند ؟ آیا میبایست عده معدودی که بنام هیئت حاکمه مملکت

همه منابع و ثروتها را در دست خود تمرکز داده بودند
-متنوعتر و قویتر شوند ؟

بدیهی است اگر بیبایست تمام فعالیتها و همه
بهره برداریها از منابع طبیعی و انسانی مملکت فقط باین
نتیجه برسد ، این کار هیچ نفعی برای ملت واقعی ایران
دربر نداشت و در واقع کوشش یهوده و حتی ظالمانه‌ای
بود .

از کتاب انقلاب سفید

در پی ریزی اجتماع جدید ایرانی عوامل اقتصادی
با عوامل اجتماعی دوش بدوش یکدیگر پیش میروند
تا نتایج حاصله از پیشرفت صنعتی کشور نه افراد و طبقات
معین بلکه همه افراد و همه طبقات ملت را شامل گردد .
از کتاب انقلاب سفید

مالکیت خصوصی بر جنگلها نه فقط امری غیر
منطقی و خلاف تعلیمات عالیه اسلامی است ، بلکه باسوابق
عملی تاریخ اسلامی نیز مباینت دارد .

انقلاب اجتماعی ما بر این اصل متکی است که
هر کس فقط در مقابل کاری که میکند از تلاش و کوشش
خویش بهره ببرد ، ولی در ایجاد جنگل هیچکس زحمتی
نکشیده است تا حق چنین بهره برداری را داشته باشد .

جنگل ثروتی است خدا داده که کسی در رشد و نمو آن
زحمتی نکشیده و آنرا فقط طبیعت بوجود آورده است . بنابر
این کاملاً منطقی است که آن چیزیکه طبیعت برای یک
کشور بوجود آورده متعلق به عموم افراد آن کشور باشد .

از کتاب انقلاب سفید

هر فرد ایرانی حق دارد تا حد نیازسندیهای واقعی
و معقول خود برای مصارف خانگی یا کشاورزی یا صنعتی
از آبهای مملکت استفاده کند ، ولی این حق قابل تملک
نیست و هیچکس حق ندارد قسمتی از این ثروت ملی را عمداً
یا سهواً تلف کند ، یا آنرا بصورت غیر قابل استفاده درآورد ، یا از
راه احتکار وسیله معاملات بازرگانی و تحصیل سود قرار دهد .

از کتاب انقلاب سفید

کار نوسازی کشور فقط وقتی واقعاً نتیجه بخش
میتواند باشد که از کوچکترین واحدهای اجتماعی آغاز شود .

از کتاب انقلاب سفید

سپاهیان انقلاب ما با خود عشق و امید و شادی
بروستاهای ایران همراه برده اند ، و شاید چهره واقعی
انقلاب ایران را بهتر از آنچه ایشان نشان داده اند نمیشد
نشان داد .

از کتاب انقلاب سفید

دیگر سیاست کشور ما و سرنوشت کشور ما در
اطاقهای در بسته با بند و بست چند متنفذ و کارگردان
تعیین نمیشود و طبعاً بهمین دلیل نیز دیگر بخارجی در صورت
داشتن اغراض و مطامع خصوصی اجازه و امکان آن داده
نمیشود که برای اعمال این اغراض عمال آشکارا یا پنهانی
خویش را در کشور ما تجهیز کنند.

از کتاب انقلاب سفید

آموزش و پرورش

آنچه از سر اگز علمی و آموزشی زبند و برازنده است
 تنها علم و فن و صنعت و هنر و ادب نیست ، بلکه در عین حال
 انصاف بفضائل معنوی و سکارم اخلاقی است . اگر از
 دانشگاه هر سال عده ای دانشمند عالیقدر و هنرمند چیره
 دست بیرون آیند ولی دارای صفات صداقت و امانت و دیانت
 و وطن دوستی نباشند ، بی شک اینان افرادی عاطل و باطل
 خواهند بود که بر وجودشان در بهبود کشور سودی مترتب
 نیست . برای مملکتداری و کشورمداری علم و معرفت
 لازم است ولی کافی نیست ، زیرا شرط اعظم توفیق در این
 راه ایمان و اخلاق و حق پرستی و میهن دوستی است .

از سخنان شاهنشاه در جشن آغاز
 سال تحصیلی دانشگاه تهران ،
 بتاسبت دریافت دکترای افتخاری
 دانشگاه - اول مهر ۱۳۳۵

باید کاری کنیم که جنبش فرهنگی ما با کوششهایی که از این حیث در دیگر ممالک جهان میشود متناسب باشد و عقب افتادگی‌هایی را که از حیث جنبه‌های عملی تعلیم و تربیت در قرن اخیر وجود داشته است بنحو مطلوب جبران کند، و فرهنگ ما را بصورتی درآورد که شایسته گذشته پر عظمت آن و هماهنگ با زندگی کنونی باشد.

از پیام شاهنشاه بمناسبت تشکیل
دومین کنگره فرهنگیان کشور-

۱۲ مرداد ۱۳۳۷

اساس هر تربیت و تعلیم صحیح آنست که جوانان را برای خدمتگزاری بکشور مجهز سازد و آنان درس میهن پرستی و وظیفه شناسی بیاموزد، ملکات فاضله را در آنها پیوراند و نسل جوان را طوری تربیت کند که در راه سربلندی و مجد و عظمت ایران عزیز از هیچگونه فداکاری کوتاهی نکنند و هر خدمتی را که تعهد مینمایند با ایمان پاك و عشق باب و خالك میهن عزیز با کمال صمیمیت انجام دهند.

از پیام شاهنشاه بمناسبت پایان
اولین دوره دانشکده ادبیات
شیراز- ۲۶ مهر ۱۳۲۷

جوانان مملکت ما باید از معلوماتی که فرا گرفته اند هم استفاده کنند و هم به سایرین استفاده برسانند . ما مثل هر کشور دیگر تعدادی کارمند اداری و باصطلاح پشت میز نشین لازم داریم ، ولی حدود این عده معین است و معلوم نیست که هر ساله احتیاجات دستگاههای ما از این حیث خیلی زیادتر بشود .

بنابراین همه تحصیل کرده های ما نمیتوانند پشت میز نشین باشند ، و باید بکار آزاد بپردازند . برای خودشان کار کنند و آقای خودشان باشند . هدف ما اینست که همه افرادی که تحصیلاتشان را تمام میکنند شخصاً بتوانند در این کشور مرکز فعالیت و کار تولیدی باشند .

از مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه
 باروزنامه نگاران ایران - ۶ آذر
 ۱۳۳۸

اگر در نزد برخی از ملل که هرگز سابقه فرهنگ و مدنیت درخشانی نداشته اند بیسوادی و جهل عمومی فقط نقص و عیبی باشد ، برای ملت و کشور ما که روزگاری دراز دانشگاه جهان بوده و از کرانه های اقیانوس کبیر تا سواحل اقیانوس اطلس همه ملل و اقوام از سر چشمه علم و معرفت آن سیراب میشده اند بقای این وضع گناهی نابخشودنی است ، و هیچ وظیفه ای برای دولت و برای

کلیه مردم با سواد این سرزمین حیاتی تر و مقدس تر از این
جهاد با جهل و بیسوادی نیست .

از پیام شاهنشاه بمناسبت آغاز
هفته ملی مبارزه با بیسوادی -

۲۵ شهریور ۱۳۴۰

به همان اندازه‌ای که ما باید علم را تشویق
بکنیم و بخصوص فکر بکنیم که برای ترقی حقیقی باید
صدها و هزارها نفر در این مملکت صرفاً وقتشان را در اطاقها
و در کتابخانه‌ها و در لابراتوارها صرف تحقیق بکنند ،
باید توجه کنیم که وضع فرهنگ ما نباید یک کارخانه
دیپلم‌سازی بیسوادها باشد . صرفاً یک ورقه کاغذ به عنوان
دیپلم داشتن نه هنری است ، نه افتخاری است ، اگر بایه
تحصیلی است و کم باشد .

از سخنان شاهنشاه در شرفیابی

دانشجویان رتبه اول رشته‌های

مختلف دانشکده‌ها - ۲۸ آذر

۱۳۴۱

این فکری که شاید تا بحال در مغز خیلی از افراد
این مملکت وجود داشت که لازمه تأمین زندگی این است
که یک ورق کاغذ به عنوان دیپلم بدست بیاورد و بعد
خیالش راحت باشد ، فکر مضری است ، زیرا این یک
ورق کاغذ به تنهایی برای تأمین زندگی یک فرد کافی

نیست. دستگاه فرهنگ ما نباید کارخانه دیپلم سازی
بیسوادها باشد، زیرا اگر مایه تحصیلی سست و کم باشد
صرفاً داشتن یک ورقه کاغذ به عنوان دیپلم نه هنری است
و نه افتخاری است.

از سخنان شاهنشاه در شرفیابی
دانشجویان رتبه اول دانشکده ها -
۲۸ آذر ۱۳۴۱

تمام اقدامات و اصلاحات ما موقعی حقیقتاً ریشه دار
خواهد بود و دوام خواهد کرد که بر مبنای علمی و یرمبنای
تحقیق استوار باشد، و الا اقداماتی زود گذر و مربوط به فرد
خواهد بود که با خود فرد احیاناً از بین خواهد رفت،
در صورتیکه بالعکس وقتی که در جامعه ای اقدامات
مترقیانه توأم با فرهنگ و علم و ادب و هنر ریشه دار
باشد، ترکیب این دو قوام و دوامی بدان جامعه میبخشد
که قرن‌ها طول میکشد تا احیاناً دچار گزند و آسیب شود.

از سخنان شاهنشاه در دانشگاه
پهلوی شیراز - ۵ دی ۱۳۴۱

کسانی باید دنبال تحصیلات عالی بروند که
قطعاً استعداد ذاتی داشته باشند، ولی ننگ نیست اگر
فردی حتماً در رشته ای فارغ التحصیل نشود و دوره
دانشگاه را نبیند. یک جامعه را عموم طبقات آن تشکیل

میدهند ، یعنی از استاد دانشگاه گرفته تا نجار و سیمکش
و زارع و کارگر ، زیرا هیچکدام نمیتوانند بدون دیگری
زندگی کنند ، و در غیر این صورت چنین جامعه‌ای جامعه
ناقصی خواهد بود که قابل دوام نیست . همانطور که
خداوند تمام افراد بشر را در موقع خلقت مساوی خلق
کرده است ، در هر جامعه‌ای باید برای تمام افراد مملکت
همه نوع امکان پیشرفت موجود باشد .

از سخنان شاهنشاه در دانشگاه
پهلوی شیراز - ۵ دی ۱۳۴۱

دانشجویان ما برای ما عزیزند ، ولی از این پس
مملکت ما به هیچکس رشوه بیسوادى نخواهد داد ، و صرفاً
این عنوان که من دانشجو هستم و بهر وضعی که ممکن
بوده دیپلم گرفته‌ام معنائى نخواهد داشت . برای پیشرفت ،
شما باید واقعاً کسب علم کرده باشید .

از سخنان شاهنشاه در شرقیابی
نمایندگان دانشجویان ایرانی
مقیم امریکا ، در کاخ سعدآباد
- ۲۱ شهریور ۱۳۴۲

این نه تنها نقص و عیب است بلکه گناهی است
اگر سیستم ما سیستم دیپلم دادن باشد و هر آدم با استعداد
و بی استعداد بطور خودکار بعد از دوازده سال ورقه دیپلم
بگیرد و بدانشگاه راه یابد و بعد از گرفتن یک ورقه لیسانس

برود و پشت میز بنشینند . چه بسا ممکن است این ایسانسیه فرد غیر مفیدی باشد ، در صورتیکه اگر همین شخص از ابتدا به مؤسسات فنی و حرفه‌ای راه یافته بود ممکن بود فرد مؤثری در اجتماع بشود .

برای ما تمام ایرانیان از لحاظ حقوق یکسانند و هیچکس بر دیگری برتری ندارد ، زیرا خداوند همه را یکسان خلق فرموده است . اختلاف افراد فقط در کاری است که انجام میدهند و استعدادی که از خود نشان میدهند . کسیکه استاد فیزیک است باید مفتخر باشد و مملکت هم بوجود او افتخار میکند ، ولی حقوق چنین کسی در جامعه بعنوان یک فرد ایرانی از یک آبیار شبکه مند سفید رود بیشتر نیست .

از سخنان شاهنشاه در کنفرانس
بررسی مسائل آموزشی در
راسمر - ۱۵ مرداد ۱۳۴۷

انچه امروزه برای ملت ما ضرورت حیاتی دارد این است که افراد کشور هر کدام در فن خود آزموده باشند و در کاری که میکنند خواه کوچک و خواه بزرگ تخصص داشته باشند . عصر ما عصر تخصص حرفه‌ای است ، و جامعه نوین ایران نیز که بر اساس پیشروترین موازین فکری و اجتماعی پی‌ریزی شده جامعه‌ای است که

میپاید قبل از هر چیز بر پایه تخصص قرار داشته باشد .

از پیام شاهنشاه بمناسبت سالروز
پست و هشتم مرداد-۲۸ مرداد

۱۳۴۷

میخواهم محیط دانشگاههای ما محیط استاد
و دانشجو ، محیط بحث و گفتگوی معقول و محیط سالم
ایرانی باشد ، زیرا ما هیچ چیز را غیر از محیط ایرانی
ولو برای یک ثانیه نمیتوانیم تحمل کنیم . باید با تغییرات
دائمی در روش آموزشی ، خود را با آخرین پیشرفتهای
علمی تطبیق دهیم باید متوجه این نکته اساسی باشیم
که تعلیم و تربیت امروزه یک صنعت شده است ، و ما باید
از این صنعت بهره برداری کامل کنیم .

از سخنان شاهنشاه در شریایی
رؤسای دانشگاههای کشور-

۱۱ شهریور ۱۳۴۷

علاقه من نسبت به پیشرفتهای علمی و فرهنگی
کشور ایران آنقدر شدید است که هر چه در بسط و توسعه
و تکمیل آن ذکر کنم مختصری از منویات قلبی من بش
نخواهد بود . در محیط فرهنگی ما جریان تغییر و تحول
و پیشرفت سرعت بسیار یافته است و همین سرعت در من

نشاط و عشقی نیرومندتر ایجاد میکند ، زیرا برای من یقین حاصل است که آینده ایران و جوانان ایرانی و تمام مردم این بخش از جهان با پیشرفت و تکامل علمی و فرهنگی پیوسته است .

از کتاب مأموریت برای وطنم

گاهی زیان دانشی که بطور ناقص فرا گرفته شود از فوائد آن بیشتر است ، چنانکه هیتلر علم و دانش را برای تشکیل اردوی زندانیان و دهلیزهای اعدام بمنظور از میان بردن میلیونها نفوس بیگناه از زن و مرد و کودک بکار برد . تربیت و دانشی که اجتماع آنرا بپذیرد نه تنها باید اشخاص را با اطلاعاتی آشنا کند ، بلکه باید اصول حق و حقیقت و رفتار صواب را بجامعه بشری تلقین نماید .

از کتاب مأموریت برای وطنم

در سیستم آموزشی امروز مملکت ما ، میباید جنبه های مختلف تعلیم و تربیت خیلی بیشتر جوابگوی مقتضیات جدید اجتماعی و اقتصادی جامعه ایرانی باشند . میباید به استعداد های مختلف در هر رشته ای با بهترین صورت توجه شود و در پرورش آنها اقدام گردد و بدانها امکان بروز و تجلی داده شود . تعلیمات حرفه ای توسعه خیلی زیادتری پیدا کند و جنبه تخصصی آموزش بیشتر شود .

روح سازندگی و حس ابتکار و نو سازی و روح همکاری
اجتماعی پرورش بسیار کاملتری یابد. شخصیت جوانان
و حس اعتماد بنفس آنان از هر جهت پرورش پیدا کند و
آنان افرادی بار بیابند که بمسئولیت سنگین خویش در
پیش بردن مادی و معنوی اجتماع از هر جهت واقف باشند
و این مسئولیت را با علاقه و میل استقبال کنند.

از کتاب انقلاب سفید

پیکار با عیسوادی

پیکار مقدسی را که از روز اول دی ماه ۱۳۴۱
 در سراسر کشور با به منظور سرکوبی عفریت جهل و تعمیم
 سواد در کلیه شهرها و روستاهای ایران با دست جوانان
 پاکدل این سرزمین آغاز شده است یک جهاد ملی اعلام
 میدارم ، و از کلیه فرزندان پرشور وطن که پیروزی در این
 جهاد به عهده همت مردانه ایشان گذاشته شده است
 انتظار دارم که با توجه به مسئولیت سنگین و پرافتخار
 خویش فراموش نکنند که از این پس همه آنها سربازانی
 هستند که در خط اول جبهه می‌جنگند .

از پیام شاهنشاه بمناسبت آغاز
 اجرای قانون سپاه دانش - ۳۵ دی
 ۱۳۴۱

شاید در تمام تاریخ بشر فرصتی پیش نیامده

باشد که جامعه بشری دست به تلاشی عالیت‌تر و شرافتمندانه‌تر و انسانی‌تر از پیکار جهانی با بیسوادی زده باشد ، و شاید تاکنون اتفاق نیفتاده باشد که سرنوشت جمعی چنین‌کثیر از افراد انسانی به نتیجه چنین تلاش و مبارزه‌ای وابسته باشد .

جهادی که اکنون با هدایت یونسکو و با همکاری غالب ملل و دول جهان در جریان است جهاد مقدسی است برای آنکه صدها میلیون نفر از افراد بشر را که خود هیچ گناه و تقصیری در تحمل سرنوشتی ظالمانه ندارند از حیثیت و شخصیت انسانی بر خوردار سازد . تا وقتی که چنین توده عظیمی از محرومین در روی زمین وجود دارد ، مسلماً وجدان هیچ‌یک از آنهائیکه در پرتو نعمت دانش اسکان برخوردار از همه سواهب تمدن و فرهنگ بشری ریاخته‌اند آرام نمی‌تواند بود ، زیرا ادامه چنین وضعی در مورد یک قسمت از جامعه انسانی خود بخود سنده محکومیت اخلاقی بقیه افراد این جامعه است .

از پیام شاهنشاه به سیزدهمین

مجمع عمومی یونسکو در پاریس -

۲۸ مهر ۱۳۴۳

ایمان راسخ دارم که ملت ایران از آغاز تاریخ خویش مأموریت معنوی خاصی در اشاعه فرهنگ و دانش و در ترویج اصول عالیه اخلاقی و مدنی داشته که هرگز

از آن سرباز نزده است ، و طبعاً امروز نیز در جهاد مقدسی
که بمنظور نجات بیش از یک هزار میلیون نفر از افراد
محروم جامعه بشری از یلای بیسوادی و برخوردار کردن
آنها از حیثیت و شخصیت انسانی صورت میگیرد ، میباید
این کشور در صف مقدم ملل جهان جای داشته باشد .

از پیام شاهنشاه به ملت ایران
بمناسبت تشکیل کنگره جهانی
بیکار بایسوادی - ۲ آذر ۱۳۴۲

موضوع توسعه مسئله ای نیست که صرفاً جنبه
اقتصادی داشته باشد ، بلکه عوامل متعدد دیگری بغیر از
این عامل در آن دخالت دارند . سرمایه اصلی این کار
پول نیست ، چیزی بسیار گرانبهاتر از آن ، یعنی انسان
است ، و این سرمایه ایست که بمفهوم واقعی خود جز
بر اساس آموزش و پرورش بکار نمی افتد .

از نطق شاهنشاه هنگام گشایش
کنگره جهانی با یسوادی در
تهران - ۱۷ شهریور ۱۳۴۴

چگونه می توان تحمل کرد که در همان هنگام
که پیشرفت علوم و اطلاعات راه آسمانها را بروی بشر گشوده
است بیش از یک میلیارد نفر از مردم جهان از ابتدائی ترین
امتیازات علم و صنعت محروم باشند ؟ چطور می توان قبول

کرد که در آستانه سفر انسان بکرات آسمانی بیش از یک
ثلث مردم کره خود ما حتی امکان خواندن نداشته باشند؟

از نطق شاهنشاه هنگام گشایش
کنگره جهانی پیکار بایسواد
در تهران - ۱۷ شهریور ۱۳۴۴

روزی را که سپاه دانش ایران بوجود آمد مسلماً
باید برای کشور ما روزی تاریخی محسوب داشت، زیرا
در این روز بود که تلاشی اساسی برای نجات میلیون‌ها تن
از مردم ایران و صدها میلیون تن از مردم جهان از بلای
بیسوادی آغاز گردید. در عین حال این فرصتی بود
که گوشه‌ای از عالیت‌ترین خصائص روحی ایرانی-بصورت
تلاش مردانه هزاران تن از جوانان این کشور در انجام
وظیفه‌ای مقدس و پرافتخار یعنی همراه بردن فروغ دانش
باعناق دور افتاده ترین روستاهای کشور تجلی کند.

از کتاب انقلاب سفید

وجود یک میلیارد نفر بیسواد در عصر حاضر
نه تنها یک سند محکومیت اخلاقی برای سایر مردم جهان
است، بلکه از جنبه مادی و اقتصادی نیز چنین وضعی
بزیان جامعه بشری تمام میشود، زیرا وجود این عده
بیسواد مرادف با ائتلاف نیروی عظیم یک ثلث از افراد
بشری است که استعدادهای خلاقه آنان بر اثر بیسوادی

و بی اطلاعی بیحاصل میماند و از این راه جامعه انسانی را از یک سرمایه گزاری وسیع اقتصادی محروم میسازد. از طرف دیگر وجود این فاصله عظیم بین توده بیسوادان جهان و طبقات پیشرفته خطری است که همواره در کمین صلح و تفاهم بین المللی است ، و بنابراین هر کوششی که برای از میان بردن چنین تبعیضی بعمل آید در واقع خدمتی است که به صلح جهانی شده است.

از کتاب انقلاب سفید

انقلاب ما در درجه اول یک انقلاب بشری و انسانی است که بخصوص براساس تأمین حقوق توده های محروم تکیه دارد. لازمه چنین انقلابی طبعاً این است که از هرگونه خود خواهی و تنگ نظری بدور باشد و پیشرفت خویش را نه تنها در چهار چوب منافع ملی خود بلکه در پیشرفت همه جامعه انسانی خواستار شود.

اگر ما میخواستیم براساس مفهوم و روح انقلاب خود بلای بیسوادی را از جامعه ایرانی ریشه کن کنیم، ولی راضی میشدیم که در مورد مناطق پهناوری از جهان شاهدی بیطرف و بی اثر بر بقای چنین وضع ناگواری باقی بمانیم ، در آن صورت نمیتوانستیم ادعا کنیم که انقلاب ما بمفهوم اصیل خود تحقق یافته است ، زیرا ما بعنوان وارث سنن عالیہ معنویت و فرهنگ کهنسال ایران نمیتوانستیم قبول کنیم که بین بیسوادان کشور ما و سایر توده های

بیسواد مناطق پهناوری از جهان از حیث حقوق انسانی فرقی
وجود داشته باشد.

از کتاب انقلاب سفید

انقلاب ما با تحقق اصل سپاه دانش و پیکار با بیسوادی
اجرای اصیلترین رسالت تاریخی تمدن ایرانی یعنی رواج دانش
و فرهنگ را بعهده گرفت. جهش و قدرت محرکه این اصل
از انقلاب ایران بقدری بود که از مرزهای کشور ما فراتر
رفت و یک نهضت جهانی پیکار با بیسوادی را دربر گرفت،
بطوریکه امروز با دیدار نتایجی که این انقلاب در راه
دفاع از حقوق و منافع یک میلیارد نفر از مردم بیسواد
و محروم جهان داشته است در خود احساس رضایت و غروری
مشروع میکنیم.

از کتاب انقلاب سفید

کشتا و زری

باران نشانه رحمت آسمانی است ، و ما همیشه
در اینمورد چشمان بآسمان است . ولی بعقیده من لازم است
کاری کنیم که در آینده نگاه ما بآسمان فقط نشان توجه
قلبی ما به پروردگار باشد نه سراغ گرفتن ابر و باران ،
زیرا از این لحاظ ما باید وسائل آبیاری و زراعت را طوری
کامل و مدرن کنیم که بفکر آمدن یا نیامدن باران نباشیم .
از سخنان شاهنشاه در سلام نوروز
اول فروردین ۱۳۲۸

اگر ما در عمران دهات و بالا بردن سطح فرهنگ
روستائیان کوشش نکنیم بدون تردید همان فاصله ایرا که
شهرهای ما با جهان غرب دارند . آنها یعنی دهاتیان با
شهریهای ما پیدا خواهند کرد ، در صورتیکه سعی ما
اینست که تمام فاصله ها را از بین برداریم و همه افراد

مملکت را از شهری و دهاتی با قافله تمدن دنیا همسفر سازیم .

از سخنان شاهنشاه در جلسه

هیئت دولت ۱۲ - مهر ۱۳۲۸

یک کشاورز مستقل باید راه اداره امور خود را
ببخوبی بداند ، و چون کشاورزی در ایران روز بروز با وسائل
و فنون نوین مجهز تر خواهد شد باید طرز بکار انداختن
و نگهداری ماشینهای کشاورزی را فرا گیرد . بطور خلاصه
کشاورزان ما باید باقتضای زمان با امور اداری و کارهای
فنی فلاحت کاملاً آشنا باشند .

از کتاب مأموریت برای وطنم

کسانی که با دهقانان ما محشور بوده‌اند در این
گفته همدستانند که روستائیان ایران بالفطره مردمی باهوش
و سریع‌الانتقالند و برای فرا گرفتن دقایق فنی و معلومات
نوین شوق فراوان دارند .

از کتاب مأموریت برای وطنم

میل من اینست که هر چه عده روستائیان باسواد
افزایش میگیرد در تمام دهکده های کشور و یا اقلاً
در آبادیهائی که جمعیت آنها نسبتاً زیاد است قرائتخانه‌هایی
ایجاد شود تا روستائیان بتوانند از کتب مفید و مجلات

و سایر نشریات ادبی و علمی استفاده کنند . همچنین کتابخانه‌های سیار به تمام اقطار کشور بروند و کتب و مجلات گوناگون را در دسترس عموم قرار دهند . در روستاهای بزرگ باید مردم را بتأسیس سینماهای دائمی تشویق نمود . سینماهای سیار که اینک به بسیاری از نقاط کشور میروند باید بهر گوشه و کنار و قریه دور افتاده‌ای فرستاده شوند . هر دهکده و قصبه بزرگ باید دسته پسران و دختران پیش‌آهنگ مخصوص خویش داشته باشد و برای جوانان باشگاه‌های متنوع بوجود آید . انتظار من این است که در انجام این خدمات شوراهای قصبات و مأمورین عمران پیشقدم گردند و سهم مهمی از این خدمات عمومی را انجام دهند .

از کتاب مأموریت برای وطنم

ریشلیو صدر اعظم فرانسه رعیت را قاطر باربر مملکت لقب داده بود . در نظر من درست بالعکس آنهایی که تاهنگام انقلاب قبلاً رعیت نامیده میشدند از شریفترین و اصیلترین افراد کشور بودند که با دسترنج خود و با حاصل تلاش شبانروزی خویش مملکت را نان میدادند ، و متأسفانه نه تنها خود از حاصل این دسترنج جز سهم ناچیزی نمیبردند ، بلکه غالباً از حقوق حقه انسانی و بشری خویش نیز سهمی بهمین اندازه نا چیز داشتند .

من قلباً احساس میکردم که بعنوان رئیس مملکت مسئول
سرنوشت این توده عظیم محرومین کشور هستم و میباید
آنها را از وضع ناگوار قرون وسطائیشان بیورم .
از کتاب انقلاب سفید

مسائل و مشکلات یک روستائی را در درجه اول
یک روستائی میتواند بفهمد و حل کند . در این مورد آنچه
را که یک حقوقدان برجسته نمیتواند باسانی دریاید یک
ریش سفید محل میتواند بخوبی بفهمد و با کدخدای منشی
بهتریبی که مورد تراضی و توافق هر دو طرف قرار گیرد
حل کند ، زیرا با سابقه کار و با ماهیت اختلاف آشناست
و برای حل این اختلاف نیز بزبانی با طرفین صحبت میکند
که برای هر دو طرف قابل درک است . این کاری است
که با تشکیل خانه های انصاف انجام گرفته است .
از کتاب انقلاب سفید

کارگران

کارگر ایرانی باید احساس کند که وجود او و قدرت بازوی او مورد استفاده استثماری نیست ، و وی در جائیکه کار میکند فقط جنبه یک مزدور ساده را ندارد . این احساس تنها موقعی میتواند برای او حاصل شود که بداند او در کاری که انجام میدهد سهمی دارد . چنین شرکتی نه فقط از لحاظ مادی برای او مهم است ، بلکه بخصوص از این نظر اهمیت دارد که واقعاً احساس کند به شخصیت او و به کار و زحمت او احترام گذاشته شده است و میشود .

از کتاب انقلاب سفید

امروزه هر کارفرما باید بداند که کار در یک محیط جبر و اکراه و وجود یک حالت سوء ظن و بی اعتمادی متقابل ، نه برای او فایده‌ای دارد و نه برای کارگران ،

و اگر بایستی کار مثبتی صورت گیرد چنین کاری فقط در یک محیط صمیمیت و همکاری و اعتماد متقابل امکان پذیر است .

از کتاب انقلاب سفید

کشور ما برای ترقی و پیشرفت کامل خویش باید بصورت یک کشور صنعتی درآید . بنا براین هر قدر کارگر ایرانی بکار خود علاقه بیشتری داشته باشد و با کوشش و دلسوزی زیاد تری کار کند و دارای تخصص فنی کاملتری باشد طبعاً بازده صنعتی کار او بالاتر خواهد رفت . علیهذا مسئله شریک کردن کارگران در منافع کارگاهها چه از نظر اقتصاد کشور ، چه از لحاظ تأمین منافع بیشتری برای این طبقه . زحمتکش و شرافتمند و چه بمنظور دادن حیثیت و شخصیت معنوی و اجتماعی زیادتري بدانها ، امری نه تنها مفید بلکه لازم بود .

از کتاب انقلاب سفید

در شرایط نوین اجتماعی ایران، اکنون سندیکاهاى کارگرى بجای آنکه مانند گذشته با سازمانهاى دولتى در معارضه و تصادم باشند تبدیل به مکتبى برای بالا بردن رشد فکرى و اجتماعى و اقتصادى کارگران از یکطرف و اشتراك مساعى روزافزون آنان در اجرای برنامه هاى مختلف کشور از طرف دیگر شده اند ، و اگر در برخى

از کشورها سندیکا‌های کارگری برای تأمین خواسته‌های مشروع خود در صفت مقابل دستگاه‌های دولتی یا کارفرمایان قرار می‌گیرند ، امروزه در کشور ما بر اثر حل تناقضات و تضادهای اجتماعی و اقتصادی ، این سازمانها نه در جهت مخالف برنامه‌های دولت بلکه دوشا دوش آنها پیش می‌روند .

در اجتماع امروزی ایران یعنی اجتماعی که بر اساس انقلاب سفید ما پی ریزی شده است کارگرو دولت از هم جدا نیستند ، بلکه دولت بمقتضای سیاست کلی انقلابی که هدف آن حفظ منافع اکثریت است خود پشت سر سندیکاها ایستاده و مدافع منافع حقه کارگران شده است ، و اگر تضادی در کار نیست برای این است که دولت درین راه حتی از خود کارگران تندتر می‌رود . دولت در ایران امروز قبل از هر چیز بکشاورزان و بکارگران که عناصر اصلی اکثریت ملت ایران هستند تعلق دارد ، بنا بر این نمیتواند تصمیمی بگیرد یا کاری را بمورد اجرا گذارد مگر آنکه آن تصمیم و آن کار در جهت تأمین منافع حقه و مشروع آنان باشد .

از کتاب انقلاب سفید

آنچه تاکنون در مورد اسور کارگری در ایران شده فقط مراحل اولیه کار است ، و انتظار من این است که درین مورد بسیار وسیعتر و اساسی تر از آنچه تاکنون

در دست اجرا است اقدام شود ، یعنی کوشش شود که همیشه قوانین کار ما با متری ترین قوانین دنیا تطابق داشته باشد ، تا در آن موقعی که کارگران ما از نظر تبحر و استادی در فن خود بپایه همکاران خویش در کشورهای کاملاً پیشرفته برسند سطح زندگی ایشان نیز بهمان نسبت بپایه آنان رسیده باشد ، و در پناه قانون ترتیبی داده شود که ارتقاء زندگی ایشان به حد متری ترین کارگران دنیا فقط مربوط بدرجه استعداد و لیاقت و تخصص خودشان در کار باشد .

از کتاب انقلاب سفید

زنان

من بآینده زنان ایران ایمان دارم. بنظر من زن ایرانی میتواند با نگاهداشتن جنبه نسوانیت، خویش را بآن مقام برساند که در سر بلندی و پشرفت جامعه مرفعی ایران کنونی مصدر خدمات و مسئولیتهائی باشد که همه جا بایه سرافرازی و افتخار اوست.

از کتاب ماسوریت برای وطنم

باید با حس احترامی عمیق به شخصیت و اصالت ذاتی زنان ایرانی، این حقیقت را ناگفته نگذاشت که حتی در تاریکترین ادوار اجتماعی زنان ایران موجودیت خویش را در شئون مختلف باثبات رسانیده و آن فروغ معنوی را که از مشخصات نژاد ایرانی است بصورتهای مختلف بتجلی درآورده‌اند.

از کتاب انقلاب سفید

انقلاب ما وظیفه‌ای را که در مورد زنان ایرانی بر عهده داشت ، با آزاد کردن آنان از قید زنجیرهای کهن و دادن اسکان هر گونه فعالیت و پیشرفت بدیشان در همه شئون مادی و معنوی اجتماع ایران انجام داد. از این پس خود آنها هستند که میباید خویش را شایسته این آزادی و شایسته ستن دیرینه تمدن اصیل و انسانی ایران نشان دهند و تاریخ آینده را بدانسان که در خور گذشته ما است پی ریزی کنند ، و من ایمان دارم که زنان ایران این رسالت خویش را بخوبی انجام خواهند داد .

هر قدر سهم زنان امروز ما در آشنائی با اصول انقلاب ایران و اداره اجتماع نوینی که بر اساس پی ریزی شده است بیشتر باشد ، فرزندانی که در بکتاب ایشان پرورش مییابند با آشنائی بیشتر و عمیقتری باین اصول پا بصحنه اجتماع خواهند گذاشت .

از کتاب انقلاب سفید

زنان کشور ما روز بروز در فعالیت عظیم اجتماعی و اقتصادی مملکت و در تجدید بنای اجتماع ایران سهم حساستر و مؤثرتری را چه از لحاظ کمیت و چه از حیث کیفیت بر عهده میگیرند ، و این امری است که لازمه اجتناب نا پذیر هر اجتماع پیشرفته و مترقی امروز است .

از کتاب انقلاب سفید

جوانان

جوانان کشور ما که آنها را بزرگترین سرمایه
حقیقی خود میدانیم باید در سایه نیرومندی واقعی بتوانند
وظائف خطیری را که بخصوص از لحاظ اخلاقی و وجدانی
بر عهده دارند به نحو احسن انجام دهند . باید سعی کنند
همانطور که در نیرومندی جسم خود میکوشند وجود خویش
را بزیور علم و ادب و مردانگی و اخلاق و میهن پرستی
بیارایند .

از پیام شاهنشاه پورزشکاران
کشور - ۴ آبان ۱۳۴۲

شما جوانان ، نگهبانان نیرومند سنن ناسیونالیستی
ایران هستید . شما معماران بنای سعادت فردائید . برای
تجدید مجد و عظمت ایران بکوشید و بدانید که هرجوان

وطنخواه ایرانی میتواند به حمایت شخص من متکی باشد .
از پیام شاهنشاه بمناسبت گشایش
اولین برنامه رادیویی جوانان -
۵ مهر ۱۳۳۷

جوانان ما باید آگاهانه و هشیارانه در بثمر رسانیدن
هدفهای انقلاب ایران که عامل اساسی برای تأمین زندگی
و نیرومندی و تندرستی و سعادت مردم ما است تلاش ورزند
و بدانند که دردنیای امروز تنها در سایه قدرت و وحدت
ملی و نیرومندی جسمی و روحی و اخلاقی و اعتماد بنفس
میتوانند توفیق یابند . باید بکوشند تا در راه حفظ ستمهای انقلاب
و عظمت و سرافرازی وطن راه راستی و خدمتگذاری پیش گیرند .
از پیام شاهنشاه بمناسبت جشن
ورزشی چهارم آبان - ۴ آبان ۱۳۴۳

میخواهم نسبت بطبقه جوان که مایه افتخار و امید
ما هستند توجه خاصی مبذول گردد و از سیهن پرستی
و نیرومندی خدا داد و حس رقابتی که در آنها موجود است
و علاقه ای که بهمکاری و معاضدت یکدیگر برای نیل
بآمال و آرزوهای مشترك دارند استمداد شود تا بدان وسیله
برای سیهن خویش فرزندان لایقی بشوند و کشور خود را
سرزمینی مرفه و پربرکت بسازند و پیشرفت اقتصادی و تحول
دموکراسی بموازات یکدیگر در کشور ما پیش ببرند و دموکراسی
اقتصادی بصورت کمال خود مرز و بوم ما را فرا گیرد .
از کتاب مأسوریت برای وطنم

وزرش

باید اصول ورزشی در همه حال با اصول شرافت و درستی و عظمت اخلاقی و سجایای جوانمردی که هر فردی در زندگی باید داشته باشد توأم گردد.

هر کس داخل میدان مبارزه ورزشی میشود باید روح و فکرش در این جهت تغییر کند. امیدوارم عموم ورزشکاران ما دارای صفات شرافت اخلاقی و روح قهرمانی بشوند.

من باندازه‌ای باین موضوع اهمیت میدهم که میخواهم کلیه ورزشکاران و جوانان، شرافت اخلاقی را در درجه اول برنامه زندگی و سرلوحه فعالیت خود قرار دهند. کوچکترین انحراف در این مورد نباید بخشیده شود و لو آنکه مرتکب آن بزرگترین قهرمان باشد.

از سخنان شاهنشاه در انجمن
تربیت بدنی - ۲۵ تیر ۱۳۲۹

امروز یک قهرمان ورزش باید قهرمان اخلاق باشد. قهرمان ورزش کسی است که اگر هم پا و توجه کافی نشود فقط روی عشق ورزش بسوی ورزش پیش رود.

از سخنان شاهنشاه در شرفیابی
اعضای شورای عالی تربیت
بدنی - ۲۹ فروردین ۱۳۳۶

ما جوانان ورزشکار خود را از اینکه احیاناً در مسابقات جهانی برنده نشوند ملامت نمیکنیم، ولی از ایشان میخواهیم که حتماً با قصد برنده شدن و با روحیه و ایمانی که لازمه چنین اراده‌ای است در این مسابقات شرکت جویند و تا آخرین ثانیه با غیرت و انضباط و غرور ملی نبود کنند.

از کتاب انقلاب سفید

جهش انقلاب ایران حقاً میباید پرورش استعداد های جسمانی جوانان ایرانی را بحد اعلی در بر گیرد و فرزندان شهرها و روستاها در این مورد از امکاناتی کاملاً مساوی برخوردار گردند و احتیاجات ورزشی کشور از حیث وسائل کار و میدانهای ورزش و باشگاهها کاملاً تأمین گردد. جوانان ورزشکار ما حتی در شرایطی غالباً نامساعد شایستگی و توانائی خود را در صحنه های مسابقات بین المللی نشان داده اند، و جامعه انقلابی امروز ما میباید ترتیبی دهد که این شرایط از هر حیث بصورت شرائط مساعد و پرورنده درآیند.

از کتاب انقلاب سفید

پیشکش

امیدوارم وضع پیشاهنگی ایران طوری شود
که جوانان پیشاهنگ ما یکساله ره صد ساله را بیمایند.
مخصوصاً باید پیشاهنگی روستائی در تمام کشور توسعه
پیدا کند تا روستائیان مملکت بتوانند با هدایت پیشاهنگان
به کشور خود بیشتر خدمت کنند. جوانان وطن ما
مربایه آینده مملکتند، و تربیت صحیح آنها اولین قدم
در راه بنای ایران نوین و مرفعی است.

از بیانات شاهنشاه در اجتماع
جوانان پیشاهنگ در منظریه -
۱۸ مرداد ۱۳۳۵

بوسیله سازمان پیشاهنگی میباید فرزندان مملکت
را از طفولیت طوری تربیت کرد که مرد عمل و زندگی
باشند و بتوانند خودشان دشواریها را با قدرت تصمیم

و اراده برطرف کنند ، بیچاره و بی دفاع و ترسو نباشند ،
ابتکار داشته باشند ، اعتماد بنفس داشته باشند . از راه
تقویت اصول پیشاهنگی بین جوانان و ترویج شعارهای
آن تدریجاً روحیات یک نسل را میتوان عوض کرد .

از بیانات شاهنشاه در شرفیابی
شورای عالی هدایت جوانان -
۲۶ آبان ۱۳۳۵

در دنیای امروز تعلیمات پیشاهنگی مکمل
برنامه های فرهنگی و تربیتی شناخته شده و بهمین جهت
مورد توجه و استقبال اقوام و ملل مترقی جهان قرار گرفته
و خوشبختانه در میان جوانان و دانش آموزان کشور ما
نیز با شوق و رغبت پذیرفته شده است . مکتب پیشاهنگی
همیشه مورد علاقه مخصوص و حمایت من بوده است .

از پیام شاهنشاه بمناسبت هفته
کار نیک پیشاهنگی - ۴ آذر
۱۳۳۷

فرزندان امروز ما سرنوشت فردای این کشور را
بدست خواهند گرفت . بنابراین باید از پدران و مادران
ایرانی بخواهیم با شرکت دادن فرزندان خود در برنامه های
تربیتی پیش آهنگی آنانرا برای زندگی بهتری آماده سازند

تا برای انجام وظیفه خطیری که طبیعت بر عهده آنها
قرار خواهد داد مهیا باشند.

از پیام شاهنشاه بمناسبت روز
پیش آهنگی - ۲ اردیبهشت

۱۳۳۸

در دنیای کنونی که وجود اختلافات سیاسی
نائی از مشکلات اقتصادی و طرز تفکرهای گوناگون
مسئله لزوم توجه بیشتر به همکاری ملت‌ها را در پیش می‌آورد،
یکی از بهترین وسائلی که در توسعه صلح و تفاهم
بین‌المللی و یگانگی فکر و هدف مؤثر است پیش آهنگی
است که میلیون‌ها زن و مرد در سراسر گیتی اعضای
با ایمان و فعال این سازمان مفید و ارزنده را تشکیل می‌دهند.

از پیام شاهنشاه بمناسبت نهمین
سال نهفت جدید پیشاهنگی
ایران - ۴ آذر ۱۳۴۰

دنیای امروز احتیاج به ملت‌هایی دارد که درست
فکر کنند و با واقع بینی حقیقت حوادثی را که هر آن ممکن
است حیات و استقلال آنها را تهدید کند دریابند.
کودکانی که با تربیت پیش‌آهنگی رشد می‌کنند در اثر
تعلیماتی که فکر آنها را بازتر و قضاوتشان را صحیح‌تر
می‌کند می‌توانند به رفع این مخاطرات نائل آیند و نقش

خود را در سرزمینی که به آنها تعلق دارد بهتر ایفا کنند.

از پیام شاهنشاه بمناسبت نهمین
سال نهضت جدید پیشاهنگی
ایران - ۴ آذر ۱۳۴۰

اکنون پیشاهنگی ما یکی از مترقی‌ترین سازمانهای
نوع خود در تمام جهان است. ما میکوشیم تا از این راه
مردمی آزاد و سربلند و مجهز بفضائل اخلاقی و آشنا
به وظائف ملی و مذهبی و اجتماعی تربیت کنیم.

از پیام شاهنشاه بمناسبت نهمین
سال نهضت جدید پیش‌آهنگی -
ایران - ۴ آذر ۱۳۴۰

باید آرمان‌های عالی پیش‌آهنگی افراد را
از یکطرف برای مبارزه بامشکلات زندگی و از طرف دیگر
برای انجام کار نیک مهیا کند. سازمان پیش‌آهنگی
ایران باید در سراسر کشور و در دورافتاده‌ترین دهات
و کوهستانها و نقاط آن رخنه کند و جوانهای مملکت
را هرچه بیشتر با این آرمانها آشنا سازد.

از سخنان شاهنشاه در شرفیابی
شورای عالی پیشاهنگی - ۴ آذر
۱۳۴۱

اصول تعاونی

در عصر ما بیش از هر وقت دیگری حل معضلات
 منوط به همکاری افراد با یکدیگر است. امروز باید همه افراد
 متوجه این حقیقت باشند که هر قدر در راه بالا بردن سطح
 زندگی و بهبود شرایط محیط خود با یکدیگر همبستگی
 بیشتری داشته باشند زودتر و بهتر به هدف خواهند رسید.
 به همین جهت است که شرکتهای تعاونی امروزه وسیله حل
 بسیاری از مشکلات زندگی مردم کشورها هستند، و انتظار
 ما طبعاً این است که در کشور ایران نیز روز بروز این نوع
 سازمانها توسعه یابند.

از پیام شاهنشاه بمناسبت روز بین المللی
 شرکتهای تعاونی - ۱۲ تیر ۱۳۲۸

در عصر ما بیش از هر زمان دیگر حل مشکلات
 اقتصادی و اجتماعی منوط به خودیاری و همکاری مردم
 و نیز همزیستی و تعاون در مقیاسهای ملی و بین المللی است.

همه افراد باید باین حقیقت توجه نمایند که هر قدر ملتها با الهام از اصول تعاون بایکدیگر معاضدت و همبستگی بیشتری ابراز دارند وصول به هدف مشترك جهانی آسانتر خواهد بود ، و در سایه صلح و آرامش و تعاون بهمزیستی و رفاه اقتصادی و اجتماعی مردم زودتر بدست خواهد آمد .

تعاونیها اساس تحقق اقتصاد دموکراتیک و پایه گذار صلح و عدالت اجتماعی در سراسر جهان هستند ، و پیوستگی هرچه بیشتر مردم باین نهضت عظیم جهانی بنیان آنرا مستحکمتر ساخته و صلح پایداری را نوید میدهد . بطور بقین نهضت تعاونی مؤثرترین وسیله نیل به هدفهای اقتصادی شناخته شده و جوابگوی احتیاجات مادی و معنوی آینده جوامع بشری است .

از پیام شاهنشاه بمناسبت هفته
بین المللی تعاون - ۱۷ تیر ۱۳۴۶

سیر تکاملی جامعه بشری بهر حال میباید بر پایه همکاری هرچه بیشتر جوامع بشری و بر اساس تفاهم متقابل و اشتراک مساعی عمومی در رفع مشکلات جهانی و ملی متکی باشد ، و بهمین جهت است که ما اعتقاد داریم بهترین راه این تشریک مساعی در هر اجتماع ، با هر رژیم و هر سیستمی ، اصول تعاونی است که ما اکنون میکوشیم

تا آنرا اساس کاراجتماع نوین خود قرار دهیم .

از نطق شاهنشاه بمناسبت
دربافت دکترای افتخاری
دانشگاه هاروارد - ۲۲
خرداد ۱۳۴۷

ما سعی داریم هرچه بیشتر در توسعه تعاونیها و بیمه‌های اجتماعی بکوشیم ، زیرا جوابگوی احتیاجات آینده جوامع بشری در تحت هر رژیمی که باشد در درجه اول همین مؤسسات تعاونی و بیمه‌های اجتماعی است . اعتقاد ما این است که سر نوشت هر کسی ، از هنگامیکه چشم بدنیا باز میکند تا وقتی که دیده از جهان فرو میبندد ، باید از راه انواع بیمه‌ها از قبیل بیمه‌های تحصیل ، بیمه‌های بیماری ، بیمه‌های حوادث و اتفاقات ، بیمه‌های بازنشستگی و کهنولت و غیره تأمین شود . حتی استعداد های ذاتی افراد نیز میباید بیمه شوند .

مؤسسات تعاونی اساس تحقق اقتصاد دموکراتیک هستند . این تعاونیها چه در زندگی کشاورزی ، چه در امور کارگری و چه در سایر رشته‌های اقتصادی اساس زندگی روزمره همه مجامع و افراد خواهند بود ، و هر قدر کمیت و کیفیت آنها در جامعه نوین ایران توسعه یابد نتایج انقلاب بهتر و بیشتر تحقق خواهد یافت .

در جامعه نوین ایران میباید چه از راه پرورش

استعداد ها و دادن امکان تجلی بدانها ، و چه از راه
فعالیت‌های سازمانهای تعاونی و بیمه‌ها و مؤسسات خیریه
و اجتماعی ، حد اکثر تأمین برای هر فردی از افراد کشور
فراهم گردد تا در پرتو آن وی بتواند شرافتمندانه و بی آنکه
حاصل کار و زحمت او مورد استثمار دیگران قرار گیرد
در تأمین زندگی سعادتمندانه‌ای برای خود و خانواده
خویش و بالا بردن سطح تولید و ثروت ملی بکوشد .
از کتاب انقلاب سفید *

ایران امروز

ما باید برای مردم خدمت کنیم و خوشی خود را
برای مردم بدانیم ، چون هرچه داریم از آنهاست . مردم
دیگر نمیتوانند بوعده و وعید زندگی کنند ، بلکه واقعاً
خدمتگزاران شایسته لازم دارند .

از سخنان شاهنشاه در سلام عید
غدیر ۷ مرداد ۱۳۳۳

باید متوجه باشیم که در دنیای متمدن کنونی
و در قرن بیستم نمیتوان مثل قرون وسطی زندگی کرد ،
و با طرز فکر کهنه بجائی نخواهیم رسید . مخصوصاً باید
این نکته را متوجه باشیم که در دنیای نو اکثر کارها
بدست خود مردم انجام میگردد .

از سخنان شاهنشاه در شرفیابی
نمایندگان مجلس سنا - ۲۲ اسفند
۱۳۳۳

امروز چیزیکه بیشتر در این مملکت لازم داریم
این است که همه همدیگر را بفهمیم . کسی کسی را فریب
ندهد و کسی بکسی دروغ نگوید ، و باطن و ظاهر همه
یکی باشد .

از سخنان شاهنشاه در بازدید

اردوی دانشجویان در بابل سر -

۲۴ تیر ۱۳۴۴

ما ناچار هستیم برای اینکه همگام سایر ملل متمدنی
و مهم دنیا پیش برویم با انواع فسادیکه ممکن است
موجود باشد مبارزه کنیم ، و اگر لازم باشد من شخصاً تصمیم
دارم که یک تنه در این راه پیش بروم . میدانم اگر در این
راه کسانی که با اصطلاح در این مملکت اثری دارند مرا تنها
بگذارند ملت ایران هیچوقت مرا تنها نخواهد گذاشت .
در این تصمیم نه فقط یک قدم عقب برداشته نخواهد شد
و متوقف نخواهیم گشت ، بلکه بالعکس با عزم راسخی
پیش خواهیم رفت .

از سخنان شاهنشاه در اردوی

دانشجویان در بابل سر - ۲۴ تیر

۱۳۴۴

یک جامعه متمدنی نمیتواند اختیار خود را بدست
طبیعت بدهد ، زیرا قوانین طبیعت بدون تغییر است ،

در حالیکه شایسته زندگی بشر حساب پیش بینی های دقیق
است.

از سخنان شاهنشاه در سلام عید
غدیر - ۴ مرداد ۱۳۳۵

هیچ مملکتی و هیچ ملتی بدون عیب و نقص وجود
ندارد، و طبعاً کشور ما هم خالی از عیب و نقص نیست.
اما باید در کمال متانت و البته در جایی که لازم است
با شجاعت و شهامت تمام این جزئیات رسیدگی کنیم،
کوچکترین عیب و نقص را در هر جا و هر دستگاهی وجود
دارد رفع نمائیم و در جهت محاسن اخلاقی قدم برداریم،
روح ایمان و اخلاق را تقویت کنیم، خدمتگزاران را تشویق
و تقصیرکاران را تنبیه نمائیم.

از سخنان شاهنشاه در شرفیابی
نمایندگان مجلسین سنا و شورای
ملی - اول مرداد ۱۳۳۷

اگر پایه هرکاری را که میخواهید انجام دهید
روی مصالح اجتماع بگذارید سالها بلکه قرنهای آن اساس
باقی میماند، زیرا خود مردم در حفظ و نگاهداری آن اصول
مساعی بکار میبرند و در حراست آن میکوشند. بالعکس اگر
مصالح مردم و اجتماع در کارها رعایت نشود یا خدای
نخواسته نقشه ها و برنامه ها با منظور خاصی توأم باشد

پایه‌های آن در معرض خطر و تزلزل و سقوط و از بین رفتن
است .

از سخنان شاهنشاه در جلسه
هیئت دولت - ۱۳ مرداد ۱۳۳۷

باید متوجه بود که پای فکر و مرام در میان است
نه پای اشخاص . اصل اینست که مرام معینی توسط
کسانی که بدان معتقدند پذیرفته شود . چه فرق میکند که
مدافع این مرام کیست ؟ عمله و کارگر عادی است یا
وزیر سابق و وزیر فعلی ؟ اصل اعتقاد بمرام است . شخص
ممکن است هر لحظه از میان برود ، ولی فکر و مرام از
میان نمیرود .

از مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه
با روزنامه نگاران ایران - ۳ آبان
۱۳۳۷

باید متوجه باشیم که ملل دیگری که فعلا از ما
جلوتر هستند با سرعتی فوق العاده کار میکنند ، و ما که
متأسفانه تعللی تا بحال عقب مانده بودیم اگر از آنها
سریعتر کار نکنیم هیچوقت بدیشان نخواهیم رسید .
موضوع سرعت در کار باید یکی از وظایف اصلی نسل
جوان ما در مدت سی سال آینده باشد .

از سخنان شاهنشاه در سلام نوروز -
اول فروردین ۱۳۳۸

برای زندگی امروز ما که اساس آن سرعت است
 تعلل قابل درك و فهم نیست. هرکسی در جامعه و مملکت
 وظیفه‌ای دارد. یکی بیل میزند و یکی با ماشین کار میکند.
 یکی هم قانونگذار است. اما این وجه مشترک در همه
 هست که برای مملکت کار میکنند، و فقط عنوان‌ها و طرز
 کارها باهم فرق دارد. در راه تأمین عظمت مملکت یکایک
 افراد آن مؤثرند، هر قدر هم کاری که انجام میدهند
 کوچک باشد.

از سخنان شاهنشاه در شرفایی
 نمایندگان مجلسین منا و شورای
 ملی - ۹ آذر ۱۳۳۸

من از اصطلاح « تیپ جوان » خوشم نمی‌آید،
 زیرا آنچه مهم است فکر و روحیه قوی و فعال است و تنها
 سن درین میان اثری ندارد. بسا اشخاص هستند که شاید
 بیست و پنج شش سال بیشتر ندارند ولی صاحب جرئت
 و شهامت و قدرت و ابتکار نیستند، و چه بسا اشخاص
 مسن‌تری که از هر حیث پاکدل و وطنخواه و شجاع
 هستند. قضاوت باید روی روحیه و شخصیت افراد بشود
 نه روی سن آنها.

از مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه
 با روزنامه نگاران ایران - ۲ بهمن
 ۱۳۳۸

برای پیشرفت کارها خدمت، درستکاری، صمیمیت،
علاقه و وجدان لازم است. رضایت ملت من رضایت من
است و فکر میکنم خدمت صحیح و درستکاری بهترین
سرمشق شما و هر مأمور دولت است.

از سخنان شاهنشاه در شرفیابی
وزیر کشور و شهرداران، در
آبادان - ۱۰ اسفند ۱۳۳۷

کسی که وظیفه اش را انجام میدهد در واقع یک
کار عادی کرده است، ولی کسی که ما فوق وظیفه اش
کاری انجام داده باید تشویق گردد. در عوض کسی هم
که قصور در انجام وظیفه مینماید باید تنبیه و مجازات شود.
چرا باید دلمان خوش باشد که فلان آدم خیانت
نمیکند؟ مگر همه مردم دنیا به مملکتشان خیانت میکنند؟

از سخنان سخنان شاهنشاه در
جلسه هیئت دولت - ۲۳ اسفند
۱۳۳۸

یک مملکت را فقط بزور سرنیزه و پلیس مخفی
نمیتوان نگاه داشت. چرا، برای چند روز بلی، ولی نه
برای همیشه. یک جامعه را فقط اکثریت آن جامعه نگاه میدارد.

از سخنان شاهنشاه در شرفیابی
دانشجویان ایرانی اتریش در
وین - اول خرداد ۱۳۳۹

ما بشیوه کهن و باستانی هر سال در ایام نزدیک
 به نوروز خانه تکانی میکنیم تا منزل خویش را آماده قدوم
 سال نو کنیم ، ولی امروز روزی است که ما باید از نظر
 فکری و روحی نیز خانه تکانی کنیم ، یعنی همه آنچه را
 که منفی و تاریک و مغرب است و یادگار دوران نامیمونی
 است که بحمدالله اکنون برای همیشه سپری شده است
 بدور افکنیم و خانه دل خویش را بروی زندگانی نو و دورانی
 مثبت و روشن و خلاقه بگشائیم ، زیرا اینها آن عواملی
 است که ایران فردا بر اساس آنها پایه گذاری شده است .
 از پیام نوروزی شاهنشاه - اول
 فروردین ۱۳۴۰

امروز در هر جامعه ای هر فردی میتواند بسهم
 خود خدمت کند . اگر مسئولیتی داشته باشد در حدود آن
 مسئولیت ، و اگر مسئولیتی نداشته باشد بعنوان یک فرد
 منشاء اثر باشد . هر فردی اگر رویه خود را منطبق با
 مصالح مملکت و تعالیم دین سازد این خود خدمت
 بزرگی است ، و این خدمت اضافه میشود اگر هر فرد بتواند
 فرد دیگر یا عده دیگری را براد راست هدایت کند .

از سخنان شاهنشاه در سلام عید
 غدیر - ۱۲ خرداد ۱۳۴۰

ما تحمل هر انتقادی را داریم و اصولا خود ما

بیش از هر کس دیگر از خود انتقاد میکنیم. ما میدانیم که بسیار چیزها در مملکت ما هست که باید اصلاح شود و بسیاری چیزهای دیگر هست که باید بکلی از بین برود، و این را هم میدانیم که ما با تمام مقدماتی که از لحاظ زمان و از نظر امکانات و اجتماعی و سیاسی داریم بدین اصلاحات همت گماشته‌ایم. بنا براین اگر از ما انتقاد منصفانه و خیر خواهانه‌ای بشود نه فقط ناراضی نخواهیم شد، بلکه از این راهنمایی کمال امتنان را خواهیم داشت.

از سخنان شاهنشاه در باشگاه ملی
- مطبوعات آمریکا - ۲۵ فروردین

۱۳۴۱

در ایران امروز ما محتاج نیستیم برای کارهای بزرگ دست به عوام فریبی بزنیم، چون هرکاری که به مصلحت هست از روی حساب و تحقیق و مطالعه انجام میگیرد و برای با اصطلاح جلب نظر و خریدن افکار و آراء و یا گول زدن افکار و آراء نیست.

از سخنان شاهنشاه خطاب به
کشاورزان لشت نشاء - ۷ خرداد

۱۳۴۱

- عظمت گذشته ما باید امروز با علمی جدید، با هنری جدید، با تحقیقات جدید، با اصول عالی تمدن اسروزی توأم شود، و اساس خانواده‌های ایرانی باید بر رفاهیت از لحاظ مادی، امنیت از لحاظ قضائی، عدالت اجتماعی و شکفتگی علم و دانش و هنر استوار باشد.

از سخنان شاهنشاه در دانشگاه
پهلوی شیراز - ۵ دی ۱۳۴۱

بعضی اوقات جریان حوادث و تصادفات طوری است که اگر فرصت مساعدی برای کسی پیش بیاید که امکان خدمت داشته باشد و در این امر غفلت ورزد ، میتوان نام این غفلت را خیانت گذاشت .

از سخنان شاهنشاه در سلام چهارم
آبان - ۴ آبان ۱۳۴۳

در کشور ما امروز دیگر فرقی بین وزیر و یک فرد عادی از لحاظ انجام وظیفه وجود ندارد ، بلکه مسئولیت وزیر خیلی بیشتر است . امروز فقط کسانی باید داوطلب تصدی کارهای مهم باشند که چیزی جز خدمت بمملکت در نظر نداشته و خودشان را بکلی وقف این کار کرده باشند ، زیرا بغیر از خدمت کردن و عرق ریختن و زحمت کشیدن چیزی در این راه در انتظار آنها نیست .

از سخنان شاهنشاه در سلام چهارم
آبان - ۴ آبان ۱۳۴۳

شرط واقعی پیشرفت کشور این است که هر کسی کاری را که بعهده دارد بمنتها درجه جدی تلقی کند و آنرا از اول تا آخر با دقت و وظیفه شناسی بانجام برساند ، و در این مورد هیچگونه سهل انگاری و سستی نشان ندهد .

همان روحیه ای را که یک دانشجو در روز امتحان دارد باید هر فردی در مورد کار روزانه خویش داشته باشد ، یعنی فکر کند که امروز روز امتحان او است و باید

کنار او طوری باشد که کاملاً آماده هرگونه آزمایشی
باشد .

از سخنان شاهنشاه در سلام خاص
عید فطر - ۱۵ بهمن ۱۳۴۲

ما اکنون با مشکلات بسیاری رو برو هستیم
و مسلماً در آینده که خواهیم کوشید تا توسعه ملی
و برنامه های اصلاحی را بطور کامل و موفقیت آمیز انجام
دهیم مشکلات بیشتری نیز قد علم خواهد کرد. با این
مشکلات را ندیده نمیگیریم و از اهمیت آنها نمیگاهیم .
میدانیم که در آینده وظیفه ما دشوار تر خواهد بود و بیشتر
به مبارزه خوانده خواهیم شد. با آنکه مردم ایران بخوبی
براه خویش میروند ، هنوز باید از نظر اداره شایسته یک
اجتماع فعال و پرجوش و خروش قرن بیستم بسی چیزها
یاد آموزند .

از پیام شاهنشاه بمناسبت گشایش
کنفرانس بین المللی مدیریت ،
در تهران - ۴ اردیبهشت ۱۳۴۴

زندگی زود میگذرد و عمر هر کس پس از چند سال
سپری میشود ، ولی چه لذتی از این بالا تر که انسان
فکر کند در آن مدتی که زنده بوده و در روی زمین بسر

برده است یک عنصر مفید و یک خدمتگزار بجامعه و تمدن
بوده است.

از سخنان شاهنشاه خطات به
دانشجویان و فارغ التحصیلان
ایرانی و ایرانیان مقیم آلمان -
۸ خرداد ۱۳۴۶

باید روح اتلاف وقت و باصطلاح قرطاس بازی
و بوروکراسی در ادارات ما از بین برود و هر کارمند اداری
بداند که وظیفه او در درجه اول سرعت در انجام مراجعات
مردم و اجرای صحیح و بیغرضانه وظایف اداری و تسهیل
گردش کارهای کشور است، زیرا همین مردمنده که از راه
دادن مالیات حقوق این کارسندان را تأمین میکنند. ادارات
ما سیباید از روح سمامله و دفع الوقت و بی تصمیمی و نیز
از تشبیت و توسل پاك و منزله شوند و روح خدمتگزاری
و شوق و علاقه ای که لازمه تحول اجتماعی امروز ایران
است جایگزین آن گردد.

از نطق شاهنشاه، هنگام گشایش
بیست و دومین دوره قانونگزاری
مجلس شورای ملی و پنجمین
دوره قانونگزاری مجلس سنا -
۱۴ مهر ۱۳۴۶

در خدمات عام المنفعه با اعتقاد من باید آزمایش
و تجربه و اجرای اصل رقابت معقول بین سازمانها مورد
توجه باشد. من با این استدلال که میگویند رقابت تنها
باید در امور بازرگانی معمول باشد و در امور دوایر دولتی
و وابسته بدولت سرعی نگردد بهیچوجه موافق نیستم. چه
بهتر که چندین مؤسسه خیریه وابسته به مقام سلطنت
در کمک بدینویان و مستمندان بشرط آنکه مانع پیشرفت
کار یکدیگر نباشند با یکدیگر رقابت کنند، زیرا هدف
اساسی ما کمک به هموطنان و کودکان محروم و ناتوان
است و هرچه این قبیل کمکها بیشتر شود هدف و نظر
خیر ما بهتر تأمین خواهد گردید.

از کتاب مأسوریت برای وطنم

آرزومند دیدن آن روزی هستم که احزاب سیاسی
و مؤسسات دولتی و تمام دستگاههای فرهنگی و افراد
ملت توجه کامل خویش را صرفاً به پیشرفت کشور معطوف
دارند. احزاب سیاسی در نطق هائیکه در مجامع حزبی ایراد
میکنند این خدمت بزرگ عمومی را همواره با افراد خود
گوشزد کنند، کارمندان و خدمتگزاران دولت برای
اینکه کاری را که بآنها محول است در کوتاه ترین مدت
انجام دهند پایکدیگر مسابقه دهند، دانش آموزان
و دانشجویان و حتی کودکان نوآموز از طرحهاییکه در دست
اقدام داریم آگاه شوند و راه خدمتگزاری بکشور و پیشرفت

آن را که در حقیقت بسود آنهاست بیاموزند ، و مردم کشور ما بدانند که هر یک در این تجدید بنای اقتصادی کشور وظیفه مهمی دارند و در هر رشته و حرفه ای که هستند از ادای سهم خود در این راه دریغ نورزند .

از کتاب ماسوریت برای وطنم

سیاست مستقل ملی ما بما امکان آن داده است که بر اساس حاکمیت خود از تمام شرائط و عوامل موجود بمتفع پیشرفت مادی و معنوی اجتماعی ایران استفاده کنیم و بموازات تحول اجتماعی کشور خویش ، در راه توسعه اقتصادی و صنعتی این مملکت نیز قدمهای بسیار بزرگی برداریم که تا چندی پیش امکان پذیر بنظر نمیرسیده . برای پیشرفت مملکت و بالا بردن سطح زندگی مردم آن یعنی تأمین آینده استوار و کاملاً اطمینان بخشی برای ملت ایران ، برنامه اساسی ما صنعتی کردن مملکت است ، زیرا هیچ مملکت مترقی را در دنیای امروز نمیتوان یافت که درآمد سرانه مردم آن به یک حد عالی رسیده باشد مگر آنکه آن مملکت عرچه بیشتر صنعتی شده باشد . . . ما در تعیین حدود و جهات پیشرفت صنعتی ، از یکطرف امکانات طبیعی و اجتماعی و مالی و فنی خود را در مد نظر داریم و از طرف دیگر متوجه اتخاذ جدیدترین روشهای علمی و صنعتی با توجه

بمقتضیات بازارهای جهان هستیم ، در این راه خود را
در زنجیر هیچ مکتب اقتصادی که با روحیات و سنن ملی
ما یا با توسعه اقتصادی ما سازگار باشد پای بند نمیکنیم .
از کتاب انقلاب سفید

